إعرف الحق تعرف أهله

۱۱

سلسله پژوهش های اعتقادی

چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی،چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا المجلد ۱۱

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ –

عنوان و نام پدیدآور: چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا صلی‌الله علیه و آله (بررسی و نقد)/علی حسینی‌میلانی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۸۳ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۱۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۱-۹۶-۰

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۸ (فیپا).

موضوع: ابوبکر، عبدالله بن ابی قحافه، ۵۱ قبل از هجرت-۱۳ق.

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- .اثبات خلافت

موضوع: احادیث

موضوع: خلافت -- دفاعیه‌ها و ردیه ها

رده بندی کنگره: BP۲۵/ ح۵۴چ۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۰۸۶۸۵

سرآغاز ... ص: ۹

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق

اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للَّه ربّ العالمین والصلاهٔ والسلام علی سیّدنا محمّد وآله الطاهرین المعصومین ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین

پیش‌گفتار ... ص: ۱۵

محدّثان اهل تسنّن روایتی را بدین مضمون نقل کرده‌اند:

آن گاه که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در بستر بیماری افتاد- که به سبب همان بیماری وفات یافت- به ابوبکر دستور داد که به عنوان امام جماعت برای مسلمانان نماز بخواند. و شخص آن حضرت نیز به مسجد رفت و با مردم پشت سر ابوبکر نماز خواند...

این روایت را محدّثان اهل تسنّن با متون گوناگونی نقل کرده‌اند.

نوشتاری که پیش رو دارید تحقیق و پژوهشی پیرامون این روایت است. در این راستا این روایت مورد بررسی و نقد قرار گرفته است؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶

چرا که به دلایلی شایسته بحث و تحقیق است:

۱. وابسته به احوالات و سیره مبارک پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله است؛

۲. قائلین به خلافت ابوبکر پس از پیامبر، به این روایت تمسّک می‌جویند؛
۳. در احکام شرعی و مسائل اعتقادی از آن بهره می گیرند؛
و مواردی دیگر از این قبیل.

ما در این پژوهش، روایت را از مهم‌ترین جوانب آن مورد تحقیق و بررسی قرار داده و مطالبی که درباره آن گفته شده بررسی کردیم و در این راستا و در پرتو نورانی این پژوهش، به واقعیّت حال و حقیقت کلام رسیدیم.

اکنون این پژوهش نو و ابتکاری را که پیش‌تر مورد بررسی و نقد قرار نگرفته است، به پژوهشگران و اندیشمندان تقدیم می‌نماییم.

امید آن که با دیده انصاف و به دور از هر گونه تعصّب و بی‌راهه رفتن به آن بنگرند. وما توفیقی إلّاباللَّه.

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۹

بخش یکم راویان خبر و روایت آن ... ص: ۱۹

اتفاق نظر محدّثان ... ص: ۱۹

روایتی که نقل شد، همه محدّثان بر آن اتّفاق نظر دارند. هیچ کتاب صحیح، مسند و معجمی نیست که آن را نقل نکرده باشد. ما پیش از آن که به نقد و بررسی آن بپردازیم، ناگزیریم آن را از منابع نقل شده بیان کنیم؛ ولی در این موضوع فقط به آن چه صاحبان صحاح ستّه و احمد بن حنبل در المسند نقل کرده‌اند اکتفا می کنیم؛ زیرا که آن چه در این کتاب‌ها آمده، از نظر متن کامل‌تر و از نظر سند قوی‌تر است. بنا بر این هر گاه موقعیّت این روایت در صحاح ستّه و المسند مشخّص شود، جایگاه آن در دیگر کتاب‌ها نیز مشخّص خواهد شد و نیازی به طولانی کردن سخن نخواهد بود.

به روایت مالک ... ص: ۱۹

این قضیّه در کتاب الموطّأ این گونه آمده است:

مالک، از هِشام بن عُرْوَه نقل می کند که عروه گوید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۲۰

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حال بیماری از منزل خارج و وارد مسجد شد. دید ابوبکر ایستاده و مردم به او اقتدا کرده‌اند. وقتی ابوبکر متوجّه شد عقب رفت. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به او اشاره کرد که همان جا بمان؛ سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله کنار ابوبکر نشست.

ابوبکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند، در حالی که مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند. «۱»

به روایت بخاری ... ص: ۲۰

بخاری این قضیّه را در موارد بسیاری از صحیح خود نقل کرده است. وی در صحیح خود در کتاب نماز جماعت می‌نویسد:

۱. عمر بن حفص بن غیاث، از پدرش، از اعمش، از ابراهیم نقل می کند که اسود گوید: روزی نزد عایشه بودیم و در مورد اهمیّت نماز و بزرگداشت آن گفت و گو می کردیم.

عایشه گفت: هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد- همان بیماری که منجر به وفات آن حضرت شد- وقت نماز فرا

رسید و اذان گفته شد. فرمود: به ابوبکر بگویید نماز جماعت را برای مردم به پا دارد.

---

(۱). الموطّأ: ۱/ ۱۳۶، کتاب نماز جماعت، حدیث ۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۲۱

عرض شد: ابوبکر پیرمردی دل نازک است؛ وقتی در جایگاه شما بایستد نمی‌تواند پیش نماز شود.

پیامبر تکرار کرد و آن‌ها دوباره همان مطلب را تکرار کردند. آن حضرت برای بار سوم تکرار کرد و فرمود:

إنّكنّ صواحب يوسف! مروا أبا بكر فليصلّ بالناس.

شما همچون زنان مصر در عصر یوسف [دنبال خواسته‌های خودتان] هستید! به ابوبکر بگویید پیش نماز شود.

پس ابوبکر خارج شد و نماز خواند. در این هنگام پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی و آرامش کرد و در حالی که در حال خمیده به دو نفر تکیه کرده بود، از منزل خارج شد. گویی می‌دیدم که از درد، پاهایش بر زمین کشیده می‌شد. [پس از رسیدن آن حضرت به مسجد] ابوبکر خواست که عقب بایستد، پیامبر به او اشاره کرد که همان جا بایست.

سپس حضرت را آوردند تا در کنار ابوبکر نشست.

به اعمش گفته شد: آیا پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نماز می‌خواند و ابوبکر به او اقتدا کرده بود و مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند؟

اعمش با سرش پاسخ داد: آری.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۲۲

ابوداوود طیالسی بخشی از این روایت را از شعبه، از اعمش نقل کرده است. ابومعاویه می‌افزاید: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله سمت چپ ابوبکر نشست و ابوبکر ایستاده نماز می‌خواند. «۱» ۲. بخاری در همان کتاب و در بخشی دیگر، این گونه نقل می‌کند:

یحیی بن سلیمان، از ابن وهب، از یونس، از ابن شهاب، از حمزهٔ بن عبداللَّه و وی از پدرش نقل می‌کند که گوید:

هنگامی که درد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، درباره نماز با ایشان گفت و گو شد. فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

عایشه گفت: ابوبکر مردی دل نازک است. هر گاه مشغول قرائت شود، گریه بر او غلبه می‌کند.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به او بگویید نماز بخواند.

عایشه دوباره همان پاسخ را تکرار کرد.

پیامبر فرمود: به او بگویید نماز بخواند؛ همانا شما همچون زنان

---

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۳۶، کتاب جماعت و امامت، باب محدودیت حضور بیمار در نماز جماعت، حدیث ۶۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۲۳

مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته‌های خودتان] هستید. «۱» ۳. بخاری سومین روایت را این گونه نقل می‌کند:

زکریّا بن یحیی، از ابن نُمیر، از هِشام بن عُرْوَه، از پدرش نقل می‌کند که گوید: عایشه به ما گفت: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش دستور داد که ابوبکر برای مردم نماز بخواند و او نیز برای مردم نماز می‌خواند.

عروه گفت: در این حال رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی و آرامش کرد و از خانه خارج شد، در حالی که مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند. وقتی ابوبکر پیامبر را دید، عقب رفت. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به او اشاره کرد که همان جا بایست.

سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به موازات ابوبکر و در کنار او نشست. ابوبکر نمازش را با اقتدا به پیامبر صلی اللَّه علیه وآله خواند و مردم نیز به ابوبکر اقتدا کردند. «۲» ۴. بخاری در بخشی دیگر، روایت را این گونه نقل می کند:

اسحاق بن نصر، از حسین، از زائده، از عبدالملك بن عمیر، از ابوبرده، نقل می کند که ابوموسی گوید:

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۱، باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند، حدیث ۶۵۰.

(۲). همان: ۲۴۱ و ۲۴۲، باب کسی که در کنار امام جماعت بایستد، حدیث ۶۵۱.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد. بیماری آن حضرت شدّت یافت؛ از این رو فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

عایشه گفت: ابوبکر مردی دل نازك است؛ وقتی در جایگاه شما بایستد، نمی‌تواند برای مردم نماز بخواند.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

عایشه دوباره همان پاسخ را تکرار کرد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به ابوبکر بگو برای مردم نماز بخواند. چرا که شما همچون زنان مصر در زمان یوسف هستید.

در این هنگام شخصی در پی ابوبکر رفت و او را آورد. او در دوران حیات پیامبر صلی اللَّه علیه وآله برای مردم نماز خواند. «۱» ۵. این قضیّه را بخاری در بخش دیگری از کتاب نماز جماعت، این گونه نقل کرده و می‌نویسد:

عبداللَّه بن یوسف از مالك، از هِشام بن عُرْوَه، از پدرش نقل می کند که عایشه، امّ المؤمنین، به ما گفت:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماری خود فرمود: به ابوبکر

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۰، باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند، حدیث ۶۴۶.

بگویید برای مردم نماز بخواند.

عایشه گوید: من گفتم: ابوبکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدّت گریه او [قرائت را] نمی‌شنوند [!] پس به عمر دستور دهید برای مردم نماز بخواند.

عایشه در ادامه می گوید: به حفصه گفتم: به پیامبر بگو که ابوبکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدّت گریه او [قرائت را] نمی‌شنوند. پس به عمر دستور دهید که برای مردم نماز بخواند.

حفصه این کار را انجام داد.

در این حال رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله [به حفصه] فرمود: ساکت شو! شما همچون زنان مصر در زمان یوسف هستید. به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

در این هنگام بود که حفصه به عایشه گفت: نشد که از تو به من خیری برسد. «۱» ۶. بخاری در سند دیگری این گونه روایت می کند:

احمد بن یونس، از زائده، از موسی بن ابی عایشه، از عبیداللَّه بن عبداللَّه بن عتبه نقل می‌کند که روزی نزد عایشه رفتم و گفتم:

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۰، باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند، حدیث ۶۴۷.

آیا از دوران بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به من خبر نمی‌دهی؟

گفت: آری. [هنگامی که بیماری] پیامبر صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟

عرض کردیم: نه، آن‌ها منتظر شما هستند.

فرمود: برایم در تشت مقداری آب آماده کنید.

عایشه گوید: ما این کار را انجام دادیم؛ سپس پیامبر شست و شو کرد و نزدیک بود که به زمین بیفتد، پس همان لحظه بی‌هوش شد.

پس از به هوش آمدن فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟

عرض کردیم: نه، آن‌ها منتظر شما هستند ای رسول خدا!

فرمود: برایم در تشت مقداری آب آماده کنید.

آن گاه پیامبر نشست و غسل کرد، و نزدیک بود به زمین بیفتد و بی‌هوش شد.

پس از به هوش آمدن فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟

عرض کردیم: نه، منتظر شما هستند ای رسول خدا! مردم نیز برای خواندن نماز عشاء، در مسجد، در انتظار پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به سر می‌بردند.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله شخصی را به دنبال ابوبکر فرستاد تا برای مردم نماز بخواند. آن شخص دنبال او رفت و گفت: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۲۷

دستور داد که تو برای مردم نماز بخوانی.

ابوبکر که مردی رقیق القلب بود گفت: ای عمر! تو برای مردم نماز بخوان.

عمر پاسخ داد: تو به این کار شایسته‌تری.

در نتیجه آن روزها ابوبکر برای مردم نماز می‌خواند.

پس از مدّتی پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی و آرامش کرد و برای نماز ظهر در حالی که بین دو مرد- که یکی از آن‌ها عبّاس بود- تکیه کرده بود از خانه خارج شد و ابوبکر برای مردم نماز می‌خواند. وقتی ابوبکر پیامبر را دید، خواست که عقب بایستد، پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به او اشاره کرد که عقب نرود.

سپس به آن دو مرد فرمود: مرا کنار او بنشانید.

آن‌ها پیامبر را کنار ابوبکر نشاندند.

راوی گوید: ابوبکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند و مردم نیز به ابوبکر اقتدا کرده بودند، در حالی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نشسته بود.

عبیداللَّه گوید: من نزد عبداللَّه بن عبّاس رفتم و به او گفتم: آیا مطالبی را که عایشه درباره بیماری پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به من گفت، به تو باز نگویم؟

گفت: بگو.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۲۸

من ماجرا را به او عرضه داشتم. او چیزی از آن مطالب را انکار نکرد، جز این که گفت: آیا عایشه نام مردی را که با عبّاس بود به تو گفت؟

گفتم: نه.

گفت: او علی بود. «۱» ۷. بخاری روایت هفتم را از عایشه این گونه نقل می کند:

مسدّد از عبداللَّه بن داوود، از اعمش، از ابراهیم، از اسود، نقل می کند که عایشه گوید:

وقتی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد- همان بیماری که به سبب آن وفات یافت- بلال آمد تا ایشان را از وقت نماز آگاه سازد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به ابوبکر بگویید نماز بخواند.

گفتم: ابوبکر مردی دل نازک است؛ اگر در جایگاه شما بایستد گریه‌اش می گیرد و قادر به قرائت نخواهد بود.

فرمود: به ابوبکر بگویید نماز بخواند.

من باز همان پاسخ را تکرار کردم. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله برای بار سوم و چهارم تکرار کرد و فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۳ و ۲۴۴، حدیث ۶۵۵.

یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید. به ابوبکر بگویید نماز بخواند.

در نتیجه ابوبکر نماز خواند.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله با قامتی خمیده و در حالی که به دو نفر تکیه کرده بود از منزل خارج شد. گویی می‌دیدم که پاهایش بر زمین کشیده می‌شد. وقتی ابوبکر او را دید به عقب رفت. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به او اشاره کرد که نماز بخوان. ابوبکر عقب ایستاد و پیامبر صلی اللَّه علیه وآله کنارش نشست و ابوبکر صدای تکبیر را به مردم می‌رساند. «۱» ۸. بخاری در بخش دیگری از صحیح چنین نقل می کند:

قتیبهٔ بن سعد، از ابومعاویه، از اعمش، از ابراهیم، از اسود نقل می کند که عایشه گوید:

هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، بلال آمد تا ایشان را از وقت نماز آگاه سازد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

عرض کردم: ای رسول خدا! ابوبکر مردی دل نازک است؛ وقتی در جایگاه شما بایستد، [از شدّت گریه!] مردم صدای او را نخواهند

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۵۱، باب کسی که صدای تکبیر را به گوش مردم می‌رساند، حدیث ۶۸۰.

شنید؛ ای کاش به عمر دستور می‌دادید.

فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

به حفصه گفتم: به پیامبر بگو که ابوبکر پیرمردی دل نازک است آن گاه که در جایگاه شما بایستد، مردم صدای قرائت او را نمی‌شنوند؛ ای کاش به عمر دستور می‌دادید.

فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خودتان] هستید. به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

هنگامی که ابوبکر مشغول خواندن نماز شد، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی کرد؛ سپس با قامتی خمیده که

به دو نفر تکیه کرده بود و پاهایش روی زمین کشیده می‌شد، حرکت کرد و داخل مسجد شد.

وقتی ابوبکر صدای حرکت او را شنید، رفت که عقب بایستد.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به او اشاره کرد و آمد و سمت چپ ابوبکر نشست. ابوبکر ایستاده نماز می‌خواند و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نشسته. ابوبکر به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اقتدا کرد، در حالی که مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند. «۱»

---

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۵۱ و ۲۵۲، حدیث ۶۸۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۱

۹. بخاری در بخش شایستگی اهل علم و فضل به پیش‌نمازی می‌نویسد:

ابوالیمان، از شعیب، از زُهْری، از انس بن مالك انصاری- که خدمتگزار پیامبر و از اصحاب ایشان بود- این گونه نقل می‌کند:

ابوبکر در دوران بیماری پیامبر صلی اللَّه علیه وآله- که به سبب آن حضرتش وفات یافت- برای مردم نماز می‌خواند. روز دوشنبه بود که مردم برای ادای نماز صف بسته بودند. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله پرده اتاق را کنار زد و در حالی که ایستاده بود به ما نگاه می‌کرد. گویی صورت آن حضرت را می‌دیدم که [در رنگ پریدگی] به رنگ کاغذ قرآن بود. او تبسّم کرد و خندید. نزدیک بود ما از خوشحالی دیدن پیامبر مفتون شویم.

ابوبکر به عقب برگشت تا به صف بپیوندد و گمان کرد که پیامبر برای نماز بیرون می‌آید. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به ما اشاره کرد که نمازتان را تمام کنید؛ آن گاه پرده را انداخت و در همان روز وفات یافت. «۱» ۱۰. آخرین روایتی که بخاری در این زمینه نقل کرده چنین است:

ابومعمر، از عبدالوارث، از عبدالعزیز نقل می‌کند که انس گوید:

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله سه روز از خانه بیرون نیامد. نماز برپا شد.

---

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۰، حدیث ۶۴۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۲

ابوبکر خواست جلو بایستد. پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود که پرده را کنار بزنند؛ وقتی که چهره پیامبر صلی اللَّه علیه وآله پدیدار شد، ما تا آن زمان منظره‌ای عجیب‌تر از چهره پیامبر ندیده بودیم. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله با دستش به ابوبکر اشاره کرد که جلو بایستد. آن گاه حضرت پرده را انداخت و دیگر توان اقامه نماز جماعت را نداشت تا از دنیا رفت. «۱»

به روایت مسلم ... ص: ۳۲

مسلم بن حجّاج نیشابوری نیز بارها این حدیث را در صحیح خود نقل کرده است که مواردی را می‌آوریم:

۱. احمد بن عبداللَّه بن یونس، از زائده، از موسی بن ابی عایشه، نقل می‌کند که عبیداللَّه بن عبداللَّه گوید: نزد عایشه رفتم و به او گفتم: آیا مرا از بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آگاه می‌کنی؟

گفت: آری. هنگامی که بیماری پیامبر صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، فرمود: آیا مردم نماز خوانده‌اند؟

عرض کردیم: نه، مردم منتظر شما هستند ای رسول خدا!

فرمود: برایم در تشت مقداری آب آماده کنید » ... تا آخر آن چه پیش‌تر از بخاری نقل شد.

---

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۱، باب اهل علم و فضل به امامت سزاوارترند، حدیث ۶۴۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۳

۲. محمّد بن رافع و عبد بن حمید این گونه نقل می‌کنند- البتّه در این متن حدیث از ابن رافع نقل شده است- ابن رافع از عبدالرزّاق، از معمر از زُهْری از حمزهٔ بن عبداللَّه بن عبداللَّه بن عمر نقل می‌کند که عایشه گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله داخل خانه من شد، فرمود:

به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

گفتم: ای رسول خدا! ابوبکر مردی دل نازك است؛ وقتی قرآن می‌خواند نمی‌تواند جلوی اشکش را بگیرد! ای کاش به فرد دیگری جز از ابوبکر دستور می‌دادید.

عایشه گوید: به خدا سوگند! تنها بدین جهت این را گفتم که دوست نداشتم مردم نخستین کسی را که در جایگاه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌ایستد شوم بدانند و فال بد بزنند.

دو یا سه بار این مطلب را تکرار کردم.

پیامبر فرمود: باید ابوبکر برای مردم نماز بخواند. چرا که شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید.

۳. ابوبکر ابن ابی شیبه از ابومعاویه و وکیع؛

همچنین یحیی بن یحیی- متن حدیث از یحیی است- از

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۴

ابومعاویه، از اعمش، از ابراهیم، از اسود نقل می‌کند که عایشه گوید:

هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، بلال آمد تا او را از وقت نماز مطّلع سازد ... تا آخر آن چه که پیش‌تر از بخاری نقل شد.

۴. ابوبکر بن ابی شیبه و ابوکریب از ابن نُمیر، از هِشام؛

همچنین ابن نُمیر- با همان متن مشابه- از ابوهِشام، از پدرش نقل می‌کند که عایشه گوید:

رسول خدا به ابوبکر دستور داد که در دوران بیماری برای مردم نماز بخواند، و او نیز برای مردم نماز می‌خواند.

عروه گوید: رسول خدا در خود احساس سبکی کرد و از خانه خارج شد. در این هنگام مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند. وقتی ابوبکر پیامبر را دید، عقب رفت. آن حضرت به او اشاره کرد که همان جا بایست؛ سپس خود به موازات ابوبکر، کنار او نشست و ابوبکر نمازش را با اقتدا به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله خواند و مردم به ابوبکر اقتدا کردند.

۵. عبد بن حمید، عمرو ناقد و حسن حلوانی از یعقوب (بن ابراهیم بن سعد)؛

همچنین پدرم از صالح، از ابن شهاب، از انس بن مالك نقل می‌کنند که انس بن مالك گوید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۵

ابوبکر در دوران بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله که به سبب آن وفات یافت برای مردم پیش‌نماز بود «....

۶. محمّد بن مثنّی و هارون بن عبداللَّه، از عبدالصّمد نقل می‌کنند که گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت: عبدالعزیز، از انس این گونه نقل کرد: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله سه روز از خانه خارج نشد ... تا پایان همان روایتی که پیش‌تر از بخاری نقل شد.

۷. این روایت را مسلم، از سُفیان بن عُیَیْنَه، از زُهْری، از انس نیز نقل کرده است...

۸. همچنین از عبدالرزّاق، از معمر، از زُهْری، از انس روایت نموده است...

۹. آخرین حدیثی که مسلم نیشابوری در این مورد نقل می‌کند چنین است:

ابوبکر بن ابی شیبه، از حسین بن علی، از زائده، از عبدالملک بن عمیر، از ابوبرده نقل می‌کند که ابوموسی گوید:
رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شدند ... تا پایان روایتی که پیش‌تر از بخاری نقل شد. «۱»

---

(۱). صحیح مسلم: ۱/ ۳۹۳- ۴۰۰، کتاب نماز، باب جانشین امام جماعت به هنگام معذور بودن او.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۶

به روایت تِرمذی ... ص: ۳۶

این قضیّه را تِرمذی نیز در صحیح خود نقل کرده است. وی می‌گوید:
اسحاق بن موسی انصاری از معن (بن عیسی)، از مالک بن انس، از هِشام بن عُرْوَه، از پدرش نقل می‌کند که عایشه گوید:
پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.
عایشه گفت: ای رسول خدا! اگر ابوبکر در جایگاه شما بایستد، مردم از شدّت گریه او [قرائت را] نمی‌شنوند. به عمر دستور دهید برای مردم نماز بخواند.
عایشه گوید: به حفصه گفتم: به او بگو که ابوبکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدّت گریه او [قرائت را] نمی‌شنوند؛ از این رو به عمر دستور دهید برای مردم پیش‌نماز شود. حفصه این کار را انجام داد.
رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید. به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.
حفصه به عایشه گفت: هرگز از تو خیری به من نرسید.
ابوعیسی گوید: این حدیث صحیح و معتبر است.
سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۷
ترمِذی این روایت را در همین بخش، از عبداللَّه بن مسعود، ابوموسی، ابن عبّاس، سالم بن عبید و عبداللَّه بن زمعه نقل می‌کند. «۱»

به روایت ابوداوود ... ص: ۳۷

ابوداوود در کتاب سنن خود به نقل این حدیث پرداخته است. وی این گونه نقل می‌کند:
۱. عبداللَّه بن محمّد نفیلی، از محمّد بن سلمه، از محمّد بن إسحاق، از زُهْری، از عبدالملک بن ابی بکر بن عبدالرحمان بن حارث بن هِشام، از پدرش نقل می‌کند که عبداللَّه بن زمعه به نقل از عایشه گوید:
هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، من با گروهی از مسلمانان نزد ایشان بودم. بلال ایشان را برای نماز صدا زد.
پیامبر فرمود: به کسی بگویید برای مردم نماز بخواند.
عبداللَّه بن زمعه از خانه خارج شد و متوجّه شد که عمر در بین مردم است- و ابوبکر حضور نداشت- گفتم: ای عمر! برخیز و برای مردم نماز بخوان.

---

(۱). صحیح تِرمذی: ۵/ ۳۷۹، کتاب مناقب، باب مناقب مشترک ابوبکر و عمر، حدیث ۳۶۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۸

عمر جلو ایستاد و تکبیر گفت.

عمر صدای بلندی داشت؛ وقتی رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله صدای او را شنید فرمود: ابوبکر کجاست؟

آن گاه دو مرتبه فرمود: خدا و مسلمانان چنین نمی‌پسندند.

سپس فردی را در پی ابوبکر فرستاد. ابوبکر آمد و پس از این که عمر آن نماز را خوانده بود، برای مردم نماز خواند.

۲. احمد بن صالح، از ابن ابی فَدیک، از موسی بن یعقوب، از عبداللّٰه بن اسحاق، از ابن شهاب، از عبیداللّٰه بن عبداللّٰه بن عتبه نقل می کند که عبداللّٰه بن زمعه گوید:

هنگامی که پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله صدای عمر را شنید، پیامبر سر خود را از اتاق بیرون آورد؛ سپس با خشم فرمود: نه، نه، نه، باید ابن ابی‌قُحافه برای مردم نماز بخواند. «۱»

به روایت نَسائی ... ص: ۳۸

نَسائی نیز در چند مورد از کتاب سنن خود این حدیث را نقل کرده است. وی در بخش امام جماعت کتاب نماز این گونه نقل می کند:

۱. عبّاس بن عبدالعظیم عنبری، از عبدالرحمان بن مهدی، از

---

(۱). سنن ابوداوود: ۳/ ۲۲۰- ۲۲۱، کتاب سنّت، باب خلافت ابوبکر، حدیث ۴۶۶۰ و ۴۶۶۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۳۹

زائده، از موسی بن ابی عایشه، از عبیداللّٰه بن عبداللّٰه نقل می کند که روزی نزد عایشه رفتم و گفتم: آیا به من خبر نمی‌دهی ... تا آخر حدیثی که در گذشته به آن اشاره شد. «۱» ۲. محمّد بن علاء، از ابو معاویه، از اعمش، از ابراهیم، از اسود نقل می کند که عایشه گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله بیمار شد، بلال آمد تا او را از وقت نماز آگاه سازد.

فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند ... تا آخر حدیثی که در گذشته به آن اشاره شد. «۲» ۳. علیّ بن حجر، از اسماعیل، از حمید نقل می کند که انس گوید:

آخرین نمازی که رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله با مردم به جای آورد، نمازی بود که با یک لباس به صورت متوشّح «۳» پشت سر ابوبکر به جای آورد [!]. «۴»

---

(۱). سنن نَسائی: ۲/ ۴۳۵- ۴۳۶، حدیث ۸۳۳.

(۲). همان: ۴۳۴ و ۴۳۵، حدیث ۸۳۲.

(۳). توشّح: پوشش خاصی است که لباس را به گونه‌ای به دور تن پیچیده و روی شانه چپ‌می‌افکنند و از زیر دست راست بیرون آورده و روی سینه گره می‌زنند.

(۴). سنن نَسائی: ۲/ ۴۱۳، باب اقتدای امام به رعیّت خود، حدیث ۷۸۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۰

۴. محمّد بن مثنّی، از بکر بن عیسی صاحب بصری گوید: از شعبه، از نعیم بن ابی هند، از ابووائل، از مسروق شنیدم که می گفت:

عایشه گوید:

ابوبکر برای مردم نماز خواند، در حالی که رسول خدا در صف نماز بود. «۱» ۵. اسحاق بن ابراهیم و هناد بن سَرِّی، از حسین بن علی، از زائده، از عاصم، از زرّ نقل می‌کند که عبداللَّه گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله وفات یافت، انصار گفتند: از ما امیری و از شما نیز امیری باشد.

عمر نزد آن‌ها آمد و گفت: آیا نمی‌دانید که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر دستور داد که برای مردم نماز بخواند؟ پس کدام یک از شما راضی می‌شود که بر ابوبکر مقدّم شود؟

گفتند: پناه می‌بریم بر خدا که بر ابوبکر مقدّم شویم. «۲» ۶. محمود بن غیلان، از ابوداوود، از شعبه، از موسی بن ابی عایشه نقل می‌کند که گوید: از عبیداللَّه بن عبداللَّه شنیدم که می‌گفت: عایشه گوید:

---

(۱). سنن نَسائی: ۲/ ۴۱۴، باب اقتدای امام به رعیّت خود، حدیث ۷۸۵.

(۲). همان: ۴۰۹، باب امامت اهل علم و فضل، حدیث ۷۷۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۱

رسول خدا به ابوبکر دستور داد تا برای مردم نماز بخواند.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله پیش روی ابوبکر بود و در حال نشسته نماز می‌خواند، و ابوبکر نیز برای مردم، در حالی که مردم پشت سر ابوبکر بودند، نماز می‌خواند. «۱»

به روایت ابن ماجه ... ص: ۴۱

ابن ماجه نیز به نقل این حدیث پرداخته است. وی در مواردی از سنن خود چنین نقل می‌کند:

۱. ابوبکر بن ابی شیبه، از ابومعاویه و وکیع، از اعمش؛

همچنین علی بن محمّد، از وکیع، از اعمش، از ابراهیم، از اسود نقل می‌کنند که عایشه گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد- همان بیماری که به سبب آن وفات یافت؛ ابومعاویه گوید: هنگامی که بیماری او شدّت یافت- بلال آمد تا حضرتش را از وقت نماز آگاه سازد.

پیامبر فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند...

عایشه گوید: ما فردی را در پی ابوبکر فرستادیم، او نیز برای

---

(۱). سنن نَسائی: ۲/ ۴۱۸، باب اقتدا به امامی که به دیگری اقتدا کرده است، حدیث ۷۹۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۲

مردم نماز خواند.

سپس رسول خدا در خود احساس سبکی کرده و برای نماز خارج شد ... ابوبکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند، در حالی که مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند.

۲. ابن ابی شیبه، از عبداللَّه بن نُمیر، از هِشام بن عُرْوَه، از پدرش نقل می‌کند که عایشه گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش به ابوبکر دستور داد که برای مردم نماز بخواند...

۳. نصر بن علی جهضمی گوید: عبداللَّه بن داوود در خانه خود از روی نوشته‌اش برای من نقل کرد که سلمهٔ بن نبیط، از نعیم بن ابی‌هند، از نبیط بن شریط نقل می‌کند که سالم بن عبید گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش از هوش رفت؛ وقتی به هوش آمد فرمود: آیا وقت نماز فرا رسیده است؟

عرض کردند: آری.

فرمود: به بلال بگویید اذان بگوید؛ و به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

سپس از هوش رفت و دوباره به هوش آمد و همان سخن را تکرار فرمود و بار دیگر از هوش رفت. باز به هوش آمد و همان سخن

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۳

را تکرار فرمود...

عایشه گفت: پدرم مردی دل نازک است. اگر در جایگاه نماز بایستد گریه می‌کند و نمی‌تواند نماز بخواند. ای کاش به فرد دیگری دستور می‌دادی.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بی‌هوش شد، و بعد به هوش آمد و فرمود: به بلال بگویید اذان بگوید؛ و به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید.

راوی گوید: به بلال گفتند اذان بگوید. او اذان گفت و به ابوبکر امر شد که نماز بخواند. او نیز برای مردم نماز خواند.

سپس رسول خدا در خود احساس سبکی کرد و فرمود: یکی را برایم بیاورید تا به او تکیه کنم.

بریره و مردی دیگر آمدند و پیامبر بر آن دو تکیه کرد. هنگامی که ابوبکر پیامبر را دید، رفت که عقب بایستد. پیامبر به او اشاره کرد که همان جا بمان.

سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمد و کنار ابوبکر نشست تا ابوبکر نمازش را به جا آورد. پس از این واقعه بود که رسول خدا وفات یافت.

ابوعبداللَّه گوید: این حدیث غریب «۱» است و غیر از نصر بن

---

(۱). حدیث غریب: حدیثی است که در تمام طبقات، فقط یک راوی از راوی دیگر روایت‌کند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۴

علی کسی آن را نقل نکرده است.

۴. علی بن محمّد، از وکیع، از اسرائیل، از ابواسحاق، از ارقم بن شرحبیل نقل می‌کند که ابن عبّاس گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد- همان بیماری که به سبب آن وفات یافت- در خانه عایشه بود، فرمود: علی را برایم صدا کنید.

عایشه گفت: ای رسول خدا! ابوبکر را برایتان صدا بزنیم؟

فرمود: صدایش کنید.

حفصه گفت: ای رسول خدا! عمر را برایتان صدا بزنیم؟

فرمود: صدایش کنید.

امّ فضل گفت: ای رسول خدا! عبّاس را برایتان صدا بزنیم؟

فرمود: آری.

هنگامی که همگی جمع شدند، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله سرش را بلند نمود، آن گاه نگاهی به آنان کرد و سکوت نمود.

عمر گفت: رسول خدا را ترک کنید.

سپس بلال آمد تا او را از وقت نماز آگاه سازد. پیامبر فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند [!].

عایشه گفت: ای رسول خدا! ابوبکر مردی دل نازک است

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۵

هر گاه شما را نبیند گریه می‌کند و مردم نیز می‌گریند. ای کاش به عمر دستور می‌دادی که برای مردم نماز بخواند؟!

ابوبکر خارج شد و برای مردم نماز خواند. در این هنگام رسول خدا در خود احساس سبکی کرد. بعد در حالی که به صورت خمیده به دو مرد تکیه کرده بود و پاهایش روی زمین کشیده می‌شد، از خانه خارج شد. وقتی مردم آن حضرت را دیدند، ابوبکر را با «سبحان اللَّه» گفتن متوجّه آمدن حضرتش ساختند. ابوبکر خواست که عقب بایستد؛ پیامبر به او اشاره کرد که سر جایت بمان.

سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آمد و سمت راست ابوبکر نشست. ابوبکر برخاست و نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند در حالی که مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند.

ابن عبّاس گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله قرائت را از جایی که ابوبکر به آن جا رسیده بود شروع کرد.

وکیع در این مورد گوید: و سنّت نیز چنین است.

راوی گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در اثر همان بیماری از دنیا رفت. «۱»

---

(۱). سنن ابن ماجه: ۱/ ۳۸۹، باب روایاتی درباره نماز رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش نقل شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۶

به روایت احمد ... ص: ۴۶

احمد بن حنبل بیش‌تر از دیگران این روایت را نقل کرده است.

وی در کتاب مسند خود به نقل این روایات پرداخته است که بخشی از آن را ذکر می‌کنیم:

۱. عبداللَّه، از پدرش، از یحیی بن زکریّا بن ابی زائده، از پدرش، از ابواسحاق، از ارقم بن شرحبیل نقل می‌کند که ابن عبّاس گوید: هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد، به ابوبکر فرمود که برای مردم نماز بخواند. سپس آن حضرت احساس سبکی کرد و از خانه خارج شد. وقتی ابوبکر متوجّه آن حضرت شد، خواست که عقب برود؛ پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به او اشاره کرد و کنار ابوبکر سمت چپش نشست و نماز را از آیه‌ای شروع کرد که ابوبکر به آن رسیده بود. «۱» ۲. عبداللَّه، از پدرش، از وکیع، از اسرائیل، از ابواسحاق، از ارقم بن شرحبیل نقل می‌کند که ابن عبّاس گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد- همان بیماری که به سبب آن وفات یافت- در خانه عایشه بود. آن حضرت فرمود: علی را برایم صدا بزنید.

---

(۱). مسند احمد: ۱/ ۳۸۳ و ۳۸۴، مسند عبداللَّه عباس، حدیث ۲۰۵۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۴۷

عایشه گفت: ابوبکر را برایتان صدا بزنیم؟

فرمود: صدایش کنید.

حفصه گفت: ای رسول خدا! عمر را برایتان صدا بزنیم؟

فرمود: صدایش کنید.

امّ فضل گفت: ای رسول خدا! عبّاس را برایتان صدا بزنیم؟

فرمود: صدایش کنید.

آن گاه که همه جمع شدند، پیامبر سرش را بلند کرد و علی را ندید.

عمر گفت: رسول خدا را ترک کنید. سپس بلال آمد تا او را از وقت نماز آگاه سازد «... ۱» ۳. عبداللَّه، از پدرش، از عبداللَّه بن ولید، از سُفیان، از حمید نقل می‌کند که انس بن مالک گوید:

آخرین نمازی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آن را به جای آورد نمازی بود که در حال نشسته، و با لباسی که به صورت متوشّح بر تن کرده بود، خواند. «۲» ۴. عبداللَّه، از پدرش، از یزید، از سُفیان (ابن حسین)، از زُهْری نقل می‌کند که انس گوید:

---

(۱). مسند احمد: ۱/ ۵۵۸، مسند عبداللَّه عباس، حدیث ۳۳۴۵.

(۲). همان: ۸۴، مسند انس بن مالک، حدیث ۱۲۸۴۸.

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد- همان بیماری که به سبب آن وفات یافت- بلال نزد حضرتش آمد تا او را از وقت نماز آگاه سازد. پس از آن دو بار فرمود: ای بلال! تو پیامت را رساندی؛ پس هر کس خواست نماز بخواند، و هر کس خواست نماز را ترک کند.

بلال به سوی حضرتش بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! چه کسی برای مردم نماز بخواند؟

فرمود: به ابوبکر بگو که برای مردم نماز بخواند.

هنگامی که ابوبکر جلو ایستاد، پرده را از مقابل پیامبر کنار زدند.

راوی گوید: گویی آن حضرت را دیدیم که چهره‌اش [از رنگ‌پریدگی] مانند کاغذی سفید است و بر دوش ایشان پارچه‌ای بود. ابوبکر رفت که عقب بایستد و گمان کرد که پیامبر می‌خواهد برای نماز خارج شود. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر اشاره کرد که بایستد و نماز بخواند. پس ابوبکر برای مردم نماز خواند، و ما پس از آن حضرتش را ندیدیم. «۱» ۵. عبداللَّه، از پدرش، از حسین بن علی، از زائده، از عبدالملک بن عمیر، از ابوبردهٔ بن ابی موسی نقل می‌کند که

---

(۱). مسند احمد: ۱/ ۶۰، مسند انس بن مالک، حدیث ۱۲۶۸۰.

ابوموسی گوید:

«رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد». «... ۱» ۶. عبداللَّه، از پدرش، از عبدالأعلی، از معمر، از زُهْری، از عبیداللَّه بن عبداللَّه نقل می‌کند که عایشه گوید:

آن گاه که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در خانه میمونه بیمار شد، از همسرانشان اجازه خواست که در خانه من پرستاری شود. آن‌ها به پیامبر صلی اللَّه علیه وآله اجازه دادند. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حالی که بر عبّاس و مردی دیگر تکیه کرده بود و پاهایش روی زمین کشیده می‌شد از خانه خارج شد.

عبیداللَّه گوید: ابن عبّاس گفت: آیا می‌دانی آن مرد که بود؟ او علی بن ابی طالب علیهما السلام بود؛ ولی عایشه از او دل خوشی نداشت [!].

زُهْری گوید: پیامبر- در حالی که در خانه میمونه بود- به عبداللَّه بن زمعه فرمود: به مردم بگو که نماز بخوانند.

او عمر بن خطّاب را دید و گفت: ای عمر! برای مردم نماز بخوان.

عمر برای آن‌ها نماز خواند. او صدای بلندی داشت؛ از این رو وقتی رسول خدا صلی اللّه علیه وآله صدایش را شنید او

---

(۱). مسند احمد: ۵/ ۵۶۵، ابوموسی اشعری، حدیث ۱۹۲۰۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۰

را شناخت «... ۱» ۷. عبداللّه، از پدرش، از وکیع، از اعمش، از ابراهیم، از اسود نقل می‌کند که عایشه گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بیمار شد ... پیامبر آمد تا در کنار ابوبکر نشست، و ابوبکر نمازش را با اقتدا به پیامبر خواند، در حالی که مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند. «۲» ۸. عبداللّه، از پدرش، از ابومعاویه، از اعمش، از ابراهیم، از اسود نقل می‌کند که عایشه گوید:

...پیامبر صلی اللّه علیه وآله آمد تا سمت چپ ابوبکر نشست و در حال نشسته نماز می‌خواند و ابوبکر ایستاده بود، در حالی که به رسول خدا صلی اللّه علیه وآله اقتدا کرده بود و مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند. «۳» ۹. عبداللّه، از پدرش، از بکر بن عیسی از شُعبهٔ بن حجّاج از نعیم بن ابی هند، از ابووائل، از مسروق نقل می‌کند که عایشه گوید:

ابوبکر برای مردم نماز خواند و رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در

---

(۱). مسند احمد: ۷/ ۵۳، حدیث عایشه، حدیث ۲۳۵۴۱.

(۲). همان: ۳۰۰، حدیث ۲۵۲۳۳.

(۳). همان: ۳۱۹ و ۳۲۰، حدیث ۲۵۳۴۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۱

صف نمازگزاران بود [!]. «۱» ۱۰. عبداللّه، از پدرش، از شبابهٔ بن سوار، از ابوشُعبه، از نعیم بن ابی هند، از ابووائل، از مسروق نقل می‌کند که عایشه گوید:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در همان بیماری که به سبب آن وفات یافت، در حال نشسته، پشت سر ابوبکر نماز خواند [!]. «۲»

۱۱. عبداللّه، از پدرش، از شبابه، از شعبه، از سعد بن ابراهیم، از عُرْوَهٔ بن زبیر نقل می‌کند که عایشه گوید:

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در همان بیماری که به سبب آن وفات یافت، فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند ... و پیامبر پشت سر او به صورت نشسته نماز خواند [!]. «۳» ۱۲. عبداللّه، از پدرش، از عبدالصمد بن عبدالوارث، از زائده، از عبدالملك بن عمیر، از ابن بریده، از پدرش چنین نقل می‌کند:

هنگامی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بیمار شد فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

---

(۱). مسند احمد: ۷/ ۲۲۸، حدیث ۲۴۷۲۸.

(۲). همان: ۲۲۸، حدیث ۲۴۷۲۹.

(۳). همان: حدیث ۲۴۷۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۲

عایشه گفت: ای رسول خدا! پدرم مردی دل نازك است.

فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند. شما همچون زنان مصر در زمان یوسف [به دنبال خواسته خود] هستید.

در نتیجه ابوبکر، در دوران حیات رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله برای مردم امامت کرد. «۱»

(۱). مسند احمد: ۶/ ۴۹۷، حدیث بریده اسلمی، حدیث ۲۲۵۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۵

بخش دوم بررسی سندهای روایت ... ص: ۵۵

پژوهشی پیرامون سندهای روایت ... ص: ۵۵

اشارهٔ

همان گونه که ملاحظه شد، ما این روایت را با کامل‌ترین متن و صحیح‌ترین طرق، از صحاح و مسند احمد نقل کردیم. همان طور که پیش‌تر گفتیم، شناخت موقعیّت روایت با دقّت نظر در سند آن و متونی که نقل شده است، ما را از دقّت در روایاتی که از دیگر صحابه و در کتاب‌های غیر صحاح نقل شده است بی‌نیاز می‌سازد. البتّه چه بسا ما به برخی از آن موارد در ضمن پژوهش سندی اشاره خواهیم کرد.

با توجّه به آن چه بیان شد، این روایت‌ها از نه نفر از صحابه نقل شده که عبارتند از:

۱. عایشه دختر ابوبکر؛

۲. عبداللَّه بن مسعود؛

۳. عبداللَّه بن عبّاس؛

۴. عبداللَّه بن عمر؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۶

۵. عبداللَّه بن زمعه؛

۶. ابوموسی اشعری؛

۷. بریده اسلمی؛

۸. انس بن مالک؛

۹. سالم بن عبید.

بنا بر این ما این روایت را از نُه نفر از صحابه نقل کردیم، گرچه تِرمذی، پس از نقل حدیث از عایشه، فقط به شش نفر اشاره کرده است.

وی می‌نویسد:

«این روایت در این باب از عبداللَّه بن مسعود، ابوموسی اشعری، ابن عبّاس، سالم بن عبید و عبداللَّه بن زمعه نقل شده است». «۱»

پرواضح است که- آن سان که ملاحظه خواهیم کرد- اساس و پایه در همه روایات، عایشه است ... فراتر این که برخی از روایاتی که از غیر صحابه نقل شده، روایات مرسل هستند که به واسطه عایشه نقل شده‌اند؛ از این رو در ابتدا، سندهایی که از غیر عایشه نقل شده است به دقّت بررسی می‌نماییم.

(۱). سنن تِرمذی: ۵/ ۳۷۹، کتاب مناقب، باب مناقب مشترک ابوبکر و عمر، حدیث ۳۶۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۷

روایت ابوموسی اشعری ... ص: ۵۷

یکی از راویان این روایت، ابوموسی اشعری است. بخاری و مسلم بر نقل روایت از وی اتّفاق نظر دارند و احمد نیز روایت را از وی نقل کرده است. ابوموسی اشعری و روایت او از چند نظر مورد اشکال واقع شده است:

۱. مرسل بودن روایت. ابن حجر عسقلانی ضمن تصریح به مرسل بودن روایت او می‌نویسد: احتمال دارد این روایت را از عایشه گرفته باشد. «۱» ۲. کسی که از ابوموسی روایت کرده فرزندش «ابوبرده» است.

چنانچه ابن حجر عسقلانی ۲ نیز به این مطلب تصریح کرده است.

باید توجّه داشت که ابوبرده، مرد فاسق و گناهکاری است که در قتل حجر بن عَدیّ دست داشته است. وی در بین گروهی که علیه حجر بن عَدیّ شهادت باطل و دروغ می‌دادند، شهادت دروغ داد و آن گواهی دروغین منجر به شهادت حجر شد. «۲» همچنین در روایتی آمده است: ابوبرده از ابوالعادیه- قاتل

---

(۱) و ۲. فتح الباری: ۲/ ۲۱۰.

(۲). تاریخ الطبری: ۴/ ۱۹۹ و ۲۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۸

عمّار بن یاسر رضی اللَّه تعالی عنه- پرسید: آیا تو عمّار بن یاسر را به قتل رساندی؟

پاسخ داد: آری.

گفت: پس دستت را به من بده؛ سپس آن را بوسید و گفت: هرگز آتش با تو تماس نخواهد گرفت [!]. «۱» ۳. راوی دیگری که از ابوموسی اشعری نقل کرده، «عبدالملک بن عمیر» است.

رجال شناسان عبدالملک را فردی «مدلّس»، «مضطرب الحدیث»، «ضعیف» و «کثیر الغلط» قلمداد کرده‌اند.

احمد بن حنبل در مورد عبدالملک گوید: او با این که روایات اندکی دارد؛ ولی بسیار مضطرب الحدیث است. از او فقط پانصد حدیث دیدم که در بیشتر آن‌ها اشتباه کرده است. «۲» اسحاق بن منصور پیرامون عبدالملک گوید: احمد بن حنبل به طور جدّی او را تضعیف کرده است. «۳»

---

(۱). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴/ ۹۹.

(۲). تهذیب التهذیب: ۶/ ۳۶۰ و دیگر منابع.

(۳). تهذیب التهذیب: ۶/ ۳۶۰، میزان الاعتدال: ۴/ ۴۰۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۵۹

احمد بن حنبل در جای دیگر نیز پیرامون وی می‌گوید: از نظر نقل حدیث ضعیف است و اشتباه می‌کند. «۱» و ابن مَعین نیز پیرامون وی گوید: مخلّط «۲» است. «۳» ابوحاتم نیز درباره عبدالملک اظهار نظر کرده و می‌نویسد: او حافظه خوبی ندارد. حافظه‌اش دگرگون شده است. «۴» ابوحاتم در جای دیگری می‌نویسد: او به حافظه خوب داشتن توصیف نشده است. «۵» ابن خراش در مورد عبدالملک گوید: او مورد رضایت و پسند شعبه نبود. «۶» ذهبی نیز می‌گوید: ابن جوزی از او یاد کرده و نقل نموده است که او مورد جرح قرار گرفته و سخنی از توثیق او به میان نیاورده است. «۷»

(۱). میزان الاعتدال: ۴/ ۴۰۶.

(۲). مخلّط در اصطلاح حدیث‌شناسی به کسی گویند که به علّت اختلال حواس احادیث معتبر را با غیر معتبر می‌آمیزد.

(۳). میزان الاعتدال: ۴/ ۴۰۶، تهذیب التهذیب: ۶/ ۳۶۰.

(۴). میزان الاعتدال: ۴/ ۴۰۶.

(۵). تهذیب التهذیب: ۶/ ۳۶۰.

(۶). میزان الاعتدال: ۴/ ۴۰۶.

(۷). همان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۰

سمعانی نیز او را نقد کرده و گوید: او مدلّس بود. «۱» ابن حجر نیز به مانند سمعانی اظهار نظر کرده است. «۲» آری، عبدالملک کسی است که فرستاده امام حسین علیه السلام به سوی اهل کوفه را سر برید. هنگامی که عبداللَّه بن یقطر و یا قیس بن مسهّر صیداوی سفیر امام حسین علیه السلام به دستور ابن زیاد از بالای قصر به زمین پرتاب شد، هنوز اندک رمقی داشت و نَفَس‌های پایانی را می‌کشید؛ عبدالملک بن عمیر بالای سر او آمد و سرش را از تن جدا کرد. وقتی که از کار وی خرده گرفتند، در پاسخ گفت: من فقط خواستم او را راحت کنم! «۳»

نگاهی به شخصیّت ابوموسی اشعری ... ص: ۶۰

۴. اکنون نگاه کوتاهی به شخصیّت ابوموسی اشعری داریم.

به راستی ابوموسی اشعری از معروف‌ترین دشمنان مولایمان امیر مؤمنان علی علیه السلام است. او در جنگ جمل اهل کوفه را از جهاد در رکاب امام باز می‌داشت. همو بود که در جنگ صفّین امام علی علیه السلام را

(۱). الأنساب: ۴/ ۴۴۴.

(۲). تقریب التهذیب: ۱/ ۶۱۸.

(۳). تلخیص الشافی: ۳/ ۳۳- ۳۵، روضهٔ الواعظین: ۱/ ۱۷۷ و ۱۷۸، مقتل الحسین علیه السلام مقرّم: ۱۸۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۱

از خلافت عزل کرد و کار به جایی رسید که امام علیه السلام در قنوت نمازش او را همراه معاویه و گروهی از پیروانش لعن می‌کرد!

گفتنی است که احمد بن حنبل در بخش فضایل ابوبکر این روایت را با همین ترتیب به سند خود از زائده، از عبدالملک بن عمیر، از ابوبردهٔ بن ابی موسی، از پدرش نقل کرده است. «۱»

روایت عبداللَّه بن عمر ... ص: ۶۱

آن سان که ملاحظه شد، یکی از راویان روایت مذکور «عبداللَّه بن عمر» بود. به نظر می‌رسد این روایت نیز از عایشه نقل شده است. همان گونه که مسلم آن را از عبدالرزّاق، از معمر، از زُهْری، از حمزهٔ بن عبداللَّه بن عمر، از عایشه روایت کرده است؛ ولی بخاری آن را به سندش از زُهْری، از حمزه، از پدرش روایت کرده که گوید:

«هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله شدّت یافت »....

نگاهی به شخصیّت محمّد بن شهاب زُهْری ... ص: ۶۱

در هر حال، محور هر دو سند محمّد بن شهاب زُهْری است.

دانشمندان رجال، محمّد بن شهاب زُهْری را مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند که به دیدگاه برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

---

(۱). فضائل الصحابه: ۱/ ۱۰۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۲

یحیی بن مَعین «۱» و عبدالحقّ دهلوی او را مورد جرح قرار داده‌اند.

زُهْری از مشهورترین کسانی است که از امیر مؤمنان علی علیه السلام روی‌گردان شد، و از راویان عمر بن سعد ملعون بوده است.

ابن ابی الحدید معتزلی در مورد زُهْری این گونه می‌نگارد:

او از کسانی بود که از حضرت علی علیه السلام روی‌گردان شد.

جریر بن عبدالحمید، از محمّد بن شیبه نقل می‌کند که گوید: در مسجد مدینه حضور داشتم. زُهْری و عُرْوَهٔ بن زبیر نشسته بودند و در مورد علی علیه السلام گفت و گو می‌کردند و از آن حضرت بدگویی می‌نمودند.

آن گفت و گو به گوش علی بن حسین علیهما السلام رسید. حضرت تشریف آورد و بالای سر آن دو ایستاد و فرمود: امّا تو ای عروه! پدرم، داوری درباره پدر تو را به خدا واگذار کرد و خداوند به نفع پدرم و علیه پدر تو حکم کرد. و امّا تو ای زُهْری! اگر در مکّه بودم، دَمِ آهنگری پدرت را به تو نشان می‌دادم «۲».

---

(۱)

. او از اساتید بخاری و مسلم و از پیشوایان جرح و تعدیل است. همه علمای اهل سنّت‌اتّفاق نظر دارند که او داناترین عالم به حدیث صحیح و ناصحیح می‌باشد. وی در سال ۳۰۲ وفات یافت. شرح حال او در تذکرهٔ الحفّاظ: ۲/ ۴۲۹ و کتاب‌های دیگر بیان شده است.

(۲). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴/ ۱۰۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۳

ابن ابی الحدید می‌افزاید:

عاصم بن ابی عامر بجلی، از یحیی بن عروه نقل می‌کند که گوید:

آن گاه که پدرم از علی یاد می‌کرد، درباره او بد می‌گفت. «۱» محمّد بن شهاب زُهْری همواره با تمام توان می‌کوشید تا مناقب امیر مؤمنان علی علیه السلام- از جمله فضیلت سبقت او در اسلام- را انکار کند.

در این زمینه ابن عبدالبرّ گوید:

معمّر در کتاب جامع خود از زُهْری این گونه نقل می‌کند: زهری گوید: کسی را نمی‌شناسیم که پیش از زید بن حارثه اسلام آورده باشد.

عبدالرّزّاق گوید: و ما نیز کسی را نمی‌شناسیم که چنین سخنی را گفته باشد، جز زُهْری. «۲» ذهبی در شرح حال عمر بن سعد گوید:

زُهْری و قَتاده به صورت مرسل، از عمر بن سعد روایت کرده‌اند.

ابن مَعین گوید: چگونه می‌تواند فردی که حسین علیه السلام را کشته مورد اعتماد باشد؟! «۳» در نتیجه زُهْری از کسانی مثل عمر بن

---

(۱). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴/ ۱۰۲.

(۲). الإستیعاب: ۲/ ۱۱۷، شرح حال زید بن حارثه.

(۳). الکاشف: ۲/ ۳۰۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۴

سعد که مورد اعتماد نیستند به طور مرسل روایت کرده است.

علّامه شیخ عبدالحقّ دهلوی نیز در کتاب رجال المشکاهٔ به شرح حال زُهْری پرداخته است. وی می گوید:

او به همنشینی امیران و اندکیِ دیانت و دینداری دچار شده بود.

دانشمندان و زاهدان معاصر او، این امر را بر او خرده می گرفتند و او را سرزنش می کردند.

او در پاسخ آن‌ها می گفت: من در خیر آن‌ها شریک هستم و با شرّ آن‌ها کاری ندارم!

به او می گفتند: آیا نمی‌بینی آنان به چه کار مشغول هستند؟

او ساکت می‌ماند و پاسخ نمی‌داد.

ابن حجر در شرح حال اعمش گوید: حاکم نیشابوری از ابن مَعین حکایت می کند که او گوید: بهترین سندها، سند اعمش، از ابراهیم، از علقمه، از عبداللَّه است.

کسی به او گفت: آیا اعمش مانند زُهْری است؟

پاسخ داد: می‌خواهی اعمش مثل زُهْری باشد؟ زُهْری به العرض والاجازهٔ «۱»

معتقد بود و برای امویان کار می کرد؛ در حالی که اعمش،

---

(۱). «العرض والاجازه» دو اصطلاح حدیثی است در کیفیت و چگونگی اخذ حدیث.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۵

فقیری صبور بود که از امرا و سلاطین دوری می گزید و باتقوا، آگاه و عالم به قرآن بود. «۱» از طرفی زُهْری از کارگزاران بنی امیّه و از تقویت‌کنندگان و تأییدکنندگان پایه‌های سلطنت آن‌ها بود؛ از این رو امام سجّاد علیه السلام برای او نامه‌ای نوشت و در آن، او را پند داد و از این کار او را بر حذر داشت و فرجام بد کار او را در دنیا و آخرت به او تذکر داد. در بخشی از آن نامه آمده است:

إنّ أدنی ما کتمتَ وأخفَّ ما احتملتَ أنْ آنستَ وحشهْ الظالم، وسهّلت له طریق الغیّ ... جعلوک قطباً أداروا بک رحی مظالمهم، وجسراً یعبرون علیک إلی بلایاهم، وسُلّماً إلی ضلالتهم، داعیاً إلی غیّهم، سالکاً سبیلهم. احذَرْ فقد نُبِّئْت، وبادِرْ فقد أُجِّلْت...

کمترین چیزی که پنهان داشتی و سبک‌ترین چیزی که از آن چشم پوشیدی، این است که با تنهایی ستمگران خو گرفته‌ای و راه سرکشی را برای آنان هموار کرده‌ای...

آن‌ها تو را محوری قرار داده‌اند که سنگ آسیای ستمگریشان را

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۰۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۶

به دور تو بچرخانند و پلی که از روی آن به سوی گرفتاری‌هایشان عبور کنند. آنان تو را نردبانی به سوی گمراهیشان، دعوت کننده‌ای به سرکشی‌هایشان و پیماینده راهشان برگزیده‌اند...

من اکنون به تو هشدار دادم؛ پس ترتیب اثر بده و تا مهلتی که [از خدا] داری تمام نشده، شتاب کن «...! ۱» آری، با همه این مواعظ، زُهْری از گمراهی نجات نیافت و این اندرزهای حکیمانه او را از همکاری با ستمگران در باطل گرایی و ظلمشان باز نداشت؛ بلکه به این شیوه ادامه داد، به گونه‌ای که به تعبیر بزرگان اهل سنّت، از محافظان و مدافعان امویان شد.

سخنی کوتاه در شخصیّت عبداللَّه بن عمر ... ص: ۶۶

طبق نقل تاریخ، وی از کسانی بود که پس از عثمان از بیعت با امیر مؤمنان علی علیه السلام خودداری کرد و از یاری آن حضرت امتناع

---

(۱). تحف العقول عن آل الرسول: ۲۷۴- ۲۷۷، نوشته ابن شُعبه حرّانی، از علمای امامیّه در قرن چهارم هجری است. غزالی این نامه را در کتاب احیاء علوم الدین (۲/ ۱۴۳) آورده؛ ولی گفته است: «هنگامی که زُهْری با امرا همنشین شده بود، یکی از برادران دینی او نامه‌ای برای وی نوشت »! ... و در برخی از مصادر دیگر این مطلب به ابوخازم نسبت داده شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۷

ورزید و در جنگ‌ها با آن بزرگوار همراهی نکرد؛ ولی آن گاه که حجّاج بن یوسف از طرف عبدالملك والی حجاز شد، عبداللَّه بن عمر شبانه برای بیعت به نزد حجّاج آمد.

حجّاج به او گفت: برای چه با شتاب آمده‌ای؟

پاسخ داد: از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیدم که می‌فرمود:

من مات ولم يعرف إمام زمانه مات ميتةً جاهليّةً.

هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ دوران جاهلیت مرده است.

حجّاج که مشغول نوشتن بود به او گفت: دستم مشغول است، پایم را بگیر و بیعت کن [!]

عبداللَّه بن عمر پای حجّاج را مسح کرد و بیرون رفت [!] «۱»

روایت عبداللَّه بن زمعه ... ص: ۶۷

یکی از راویان این حدیث، «عبداللَّه بن زمعه» است. ابوداوود به دو سند این حدیث را از او روایت کرده است که محور هر دو روایت زُهْری است که در گذشته به شرح حالش اشاره شد.

---

(۱). الفصول المختاره: ۲۴۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۸

روایت عبداللَّه بن عبّاس ... ص: ۶۸

یکی دیگر از راویان این حدیث، عبداللَّه بن عبّاس است که ابن ماجه و احمد از او روایت کرده‌اند. ابن ماجه این حدیث را از

اسرائیل، از ابواسحاق، از ارقم بن شرحبیل، از ابن عبّاس نقل می کند.

احمد بن حنبل نیز آن را از یحیی بن زکریّا بن ابی زائده، از پدرش، از ابواسحاق، از ارقم، از ابن عبّاس نقل می کند.

محور نقل در این دو طریق، ابواسحاق از ارقم است. اکنون این دو تن را به جهت احراز صلاحیّتِ نقل حدیث بررسی می کنیم.

بخاری در این مورد می گوید: در جایی ذکر نشده که ابواسحاق از ارقم بن شرحبیل حدیثی را شنیده باشد. «۱» گفتنی است که گروهی از اهل علم در مورد ابواسحاق سبیعی این گونه اظهار نظر کرده‌اند:

او اختلال حواس پیدا کرده بود، بدین جهت مردم او را با ابن عُیَیْنَه رها کردند و کنار گذاشتند. «۲»

---

(۱). تاریخ الکبیر: ۲/ ۴۶، بوصیری این مطلب را در زوائد آورده است. ر. ک حاشیه سنن ابن ماجه: ۲/ ۳۷۹.

(۲). میزان الاعتدال: ۳/ ۳۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۶۹

در مورد دیگری آمده است: او مدلّس بود. «۱» قابل ذکر است که او از عمر بن سعد ملعون، قاتل حضرت سیدالشهداء ابی عبداللَّه الحسین علیه السلام روایت می کرد. «۲» از طرفی او از شمر بن ذی الجوشن ملعون نیز روایت نقل می کرد. «۳» از سوی دیگر در سند احمد بن حنبل افزون بر آن چه ذکر شد، این اشکالات وجود دارد:

۱. شنیدن «زکریّا» از «ابواسحاق» پس از اختلال حواس وی است، همان گونه که ملاحظه خواهی کرد.

۲. نقد زکریّا بن ابی زائده.

رجال شناسان، زکریّا بن ابی زائده را این گونه نقد کرده‌اند:

ابوحاتم در مورد او گوید: در نقل حدیث سهل انگار بود و همواره تدلیس می کرد.

همچنین ابوزُرعه، ابوداوود و ابن حجر او را به تدلیس متّهم کرده‌اند...

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۸/ ۵۵.

(۲). الکاشف: ۳/ ۳۸۵، میزان الاعتدال: ۵/ ۲۳۹، تهذیب التهذیب: ۷/ ۳۸۱.

(۳). میزان الاعتدال: ۳/ ۳۸۵، تهذیب التهذیب: ۸/ ۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۰

در نقل دیگری از احمد نقل شده که گوید:

اگر در مورد زکریّا و اسرائیل اختلاف نظر باشد، به نظر من زکریّا از ابواسحاق بهتر است.

وی در ادامه می‌افزاید: روایت این دو از نظر اعتبار به هم نزدیک است و حدیث هر دو از ابواسحاق ضعیف است که اخذ حدیث آن دو از ابواسحاق در پایان عمر او بوده است. «۱» به راستی که من از احمد در شگفتم که این گونه اظهار نظر می کند، در عین حال- آن سان که ملاحظه کردی- در المسند حدیث را از زکریّا، از ابواسحاق نقل می کند. فراتر این که وی در الفضائل نیز به نقل آن پرداخته است. «۲» آری، احمد بن حنبل، این حدیث ساختگی را نه از این طریق؛ بلکه از ابن عبّاس و او نیز از عبّاس نقل کرده است. وی یک بار می گوید:

یحیی بن آدم برای ما نقل کرده؛ بار دیگر اظهار می‌دارد: ابوسعید (مولای بنی هاشم)، از قیس بن ربیع، از عبداللَّه بن ابی سفر، از ارقم بن شرحبیل، از ابن عبّاس نقل می کند که عبّاس بن عبدالمطّلب گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماری خود فرمود: به ابوبکر

(۱). تهذیب التهذیب: ۳/ ۲۹۳، الجرح والتعدیل: ۳/ ۵۳۰.

(۲). فضائل الصحابه: ۱/ ۱۰۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۱

بگویید برای مردم نماز بخواند.

ابوبکر خارج شد و تکبیر گفت. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله احساس راحتی کرد، در حالی که به صورت خمیده بین دو مرد تکیه کرده بود خارج شد. هنگامی که ابوبکر آن حضرت را دید عقب ایستاد. پیامبر به او اشاره کرد که همان جا بایست. سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله کنار ابوبکر نشست و از همان قسمت از سوره که ابوبکر به آن قسمت رسیده بود، قرائت فرمود. «۱» ولی آن سان که ملاحظه می‌کنید، محور این سند «قیس بن ربیع» است. همو که بخاری آن را در کتاب الضعفاء «۲» آورده است.

همچنین نَسائی «۳» و ابن حِبّان او را در کتاب المجروحین «۴» آورده‌اند.

افراد دیگری او را از نظر نقل حدیث ضعیف دانسته‌اند. فراتر این که از احمد نقل شده است که مردم او را رها کردند؛ بلکه از یحیی بن مَعین نقل شده است که مردم وی را تکذیب کردند. «۵»

(۱). فضائل الصحابه: ۱/ ۱۰۸- ۱۰۹.

(۲). الضعفاء الکبیر: ۱۹۵.

(۳). همان: ۲۰۲.

(۴). کتاب المجروحین: ۲/ ۲۱۶.

(۵). تهذیب التهذیب: ۸/ ۳۴۰- ۳۴۲، میزان الاعتدال: ۵/ ۴۷۷، لسان المیزان: ۴/ ۵۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۲

روایت عبداللَّه بن مسعود ... ص: ۷۲

نَسائی این حدیث را از ابن مسعود نقل کرده است. همچنین هیثمی آن را روایت کرده و می‌گوید: احمد و ابویعلی آن را روایت کرده‌اند. این در حالی است که در تمام اسناد «عاصم بن ابی النجود» وجود دارد.

هیثمی در مورد عاصم گوید: او از نظر نقل حدیث ضعیف است. «۱» ابن حجر پیرامون عاصم از ابن سعد این گونه نقل می‌کند: او در نقل حدیث بسیار خطا می‌کرد.

وی از یعقوب بن سُفیان نیز درباره او این گونه نقل می‌کند:

حدیث او اضطراب داشت.

از ابوحاتم نیز چنین نقل شده است: جایگاه عاصم به گونه‌ای نیست که بتوان گفت او ثقه است. او حافظ نبوده است.

ابن علیّه نیز راجع به او سخن به میان آورده و می‌گوید: همواره هر که نامش عاصم بوده بدحافظه بوده است.

از ابن خراش نیز در مورد او نقل شده که در احادیث او مطالب

(۱). مجمع الزوائد: ۵/ ۳۳۳، کتاب خلافت، باب خلفای چهارگانه، حدیث ۸۹۳۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۳

غیر قابل قبولی است.

از عُقَیلی نیز در مورد او این گونه نقل شده است: تنها اشکال او حافظه بد او بود.

دارقُطْنی در مورد عاصم اظهار نظر کرده و می گوید: در مورد حافظه او اشکالی وجود دارد.

بزّار در مورد او گوید: حافظه خوبی نداشته است.

حَمّاد بن سَلَمه درباره او گوید: در آخر عمرش اختلال حواس پیدا کرده بود.

عجلی در توصیف او گوید: عاصم عثمانی بود. «۱»

روایت بریده اسلمی ... ص: ۷۳

حدیث بریده اسلمی را نیز احمد بن حنبل با سند خود از ابن بریده و وی از پدرش روایت کرده است. در نقد این حدیث نکته‌ای قابل ذکر است که آیا ابن بریده، همان عبداللَّه بن بریده است که از پدرش نقل کرده است و یا سلیمان بن بریده؟ پس با چشم‌پوشی از این اختلاف، همین بس که یکی از راویان آن «عبدالملك بن عمیر» است که در گذشته به بررسی رجالی وی پرداختیم و عدم اعتماد به وی ثابت شد.

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۵/ ۳۷ و ۳۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۴

روایت سالم بن عبید ... ص: ۷۴

حدیث سالم بن عبید را ابن ماجه نقل کرده است.

این حدیث را از سه محور می‌توان مورد بررسی و نقد قرار داد:

۱. ابن ماجه پس از نقل آن می گوید: این حدیثی غریب است.

۲. سندش جای تأمّل دارد؛ چرا که نعیم بن ابی هند که یکی از راویان آن است، همواره از علی رضی اللَّه عنه بدگویی می کرد و از این رو یکی از پیشوایان اهل تسنن از او حدیثی استماع نکرده است. «۱» بخاری و مسلم نیز از سلمهٔ بن نبیط روایت نکرده‌اند. بخاری در مورد سلمه گوید: وی در پایان عمرش دُچار اختلال حواس شد. «۲» ۳. افزون بر همه این‌ها، هیچ روایتی در صحاح از سالم بن عبید نقل نشده است، و از طرفی اصحاب سنن نیز، جز دو حدیث از او روایت نکرده‌اند و آن دو حدیث نیز در سندش اختلاف وجود دارد!

ابن حجر درباره وی گوید:

سالم بن عبید اشجعی، از اهل صفّه بود؛ سپس به کوفه آمد.

اصحاب سنن از او دو حدیث صحیح پیرامون عطسه نقل کرده‌اند. وی روایت دیگری از عمر دارد که در گفتار عمر و عملکرد او در زمان

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۱۰/ ۴۱۸.

(۲). همان: ۴/ ۱۴۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۵

وفات پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله و سخن ابوبکر در این مورد مطرح شده است. این روایت را یونس بن بُکَیر در زیادات خود نقل کرده است.

البتّه هلال بن یساف، نبیط بن شریط و خالد بن عرفطه نیز از سالم بن عبید روایت نقل کرده‌اند. «۱» ابن حجر در ادامه می‌افزاید: چهارمین فرد، سالم بن عبید اشجعی است. وی مدّتی با پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله مصاحبت داشته است. وی از اهل صفّه بوده و از کوفیین به شمار می‌آید. او از پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله در مورد تشمیت عاطس «۲» روایت نقل کرده است. همچنین از عمر بن خطّاب روایتی نقل کرده است. خالد بن عرفجه- و گفته می‌شود:

ابن عرفطه- هلال بن یساف و نبیط بن شریط از سالم روایت کرده‌اند و در سند حدیثش اختلاف است. «۳» با توجّه به عبارت ابن حجر در این دو کتاب، و با مراجعه به روایتی که هیثمی نقل کرده است، «۴» روشن می‌شود که حدیث سالم بن عبید پیرامون نماز ابوبکر، همان حدیثی است که از عمر (درباره آن چه

---

(۱). الإصابه: ۳/ ۸.

(۲). تشمیت عاطس: گفتاری که هنگام عطسه، به عطسه کننده می گویند.

(۳). تهذیب التهذیب: ۳/ ۳۸۳ و ۳۸۴.

(۴). مجمع الزوائد: ۵/ ۳۳۱ و ۳۳۳، کتاب خلافت، باب خلفای چهارگانه، حدیث ۸۹۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۶

که به هنگام وفات پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله گفته و عمل کرده) نقل نموده است؛ اما ابن ماجه بخشی از این روایت را ذکر کرده، آن سان که هیثمی به این مطلب تصریح کرده است.

از طرفی ظاهر عبارت ابن حجر در الإصابه نادرستی سند آن را می‌رساند، و شاید مقصود او از گفته‌اش در تهذیب التهذیب همین مطلب باشد، آن جا که می‌گوید: «در سند حدیثش اختلاف است»؛ زیرا قدر متیقّن از روایات او، همان چیزی است که نبیط بن شریط از او روایت می‌کند و این حدیث نیز از همین قبیل است.

روایت انس بن مالک ... ص: ۷۶

حدیث انس بن مالک، در زمره احادیثی است که زُهْری از او نقل کرده است. البتّه بخاری، مسلم و احمد نیز آن را نقل کرده‌اند.

ما پیش‌تر در مورد زُهْری مطالبی را ارائه کردیم و از حال وی آگاهی یافتیم.

افزون بر این، راوی از انس در نزد بخاری، شعیب بن حمزه می‌باشد که همان کاتب زُهْری و روایت‌گر از اوست. «۱»

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۴/ ۳۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۷۷

ابوالیمان (حکم بن نافع) نیز از شعیب روایت می‌کند.

از طرفی علما و دانشمندان رجالی نیز پیرامون روایت ابوالیمان از شعیب سخن به میان آورده و آن را نقد کرده‌اند، تا جایی که گفته شده است که ابوالیمان، حتی یک کلمه هم از شعیب نشنیده است. «۱» امّا راوی از زُهْری در نزد احمد بن حنبل، سفیان بن حسین

است.

حال آن که عالمان رجالی بر عدم اطمینان به روایات او از زُهْری اتّفاق نظر دارند. این مطلب را ابن حجر از ابن مَعین، احمد بن حنبل، نَسائی، ابن عَدیّ و ابن حبّان نقل کرده است.

از سوی دیگر از یعقوب بن شیبه نقل شده است که درباره سفیان بن حسین گوید: در احادیث او ضعف وجود دارد.

و از عثمان بن ابی شیبه نقل شده که درباره سفیان گوید: او در نقل حدیث کمی مضطرب بوده است.

از ابن خراش نیز نقل شده که سفیان لیّن الحدیث بوده است.

از ابوحاتم نیز نقل شده است که درباره سفیان گوید: به حدیث او نمی‌توان استدلال و احتجاج کرد.

از ابن سعد نیز در مورد او مطلبی نقل شده است که گوید: سفیان

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۲/ ۳۹۶ و ۳۹۷.

در احادیث خود زیاد اشتباه می‌کرد. «۱» افزون بر این مطالب، هیثمی نیز این حدیث را نقل کرده است.

وی گوید: احمد این حدیث را نقل کرده که در سند آن سُفیان بن حسین آمده است؛ در حالی که سفیان- با توجّه به زُهْری- از نظر نقل حدیث ضعیف است و این حدیث نیز از احادیثی است که وی از زُهْری روایت کرده است. «۲» از جمله روایات او روایتی است که از حمید، از انس نقل شده است و نَسائی و احمد بن حنبل آن را نقل کرده‌اند و حمید، همان حمید بن ابی حمید الطویل است که علمای رجالی به مدلّس بودن وی تصریح کرده‌اند.

همچنین تصریح کرده‌اند که احادیث حمید از انس تدلیس شده است. «۳» روشن است که این حدیث نیز از آن احادیث است. علاوه بر این که راوی آن- نزد احمد بن حنبل- همان سُفیان بن حسین است که پیش‌تر از شخصیّت او اطّلاع یافتیم.

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۴/ ۹۷ و ۹۸.

(۲). مجمع الزوائد: ۵/ ۳۳۱، کتاب خلافت، باب خلفای چهارگانه، حدیث ۸۹۳۳.

(۳). تهذیب التهذیب: ۳/ ۳۵ و ۳۶.

صرف نظر از این که طُرقی که از انس آمده صحیح باشد یا صحیح نباشد، سخن در مورد خود انس است.

بنا بر این نخستین مشکل وی دروغ‌گویی اوست. به عنوان مثال دروغ وی در جریان حدیث «طیر مشویّ»؛ (مرغ بریان) رخداد.

در آن حدیث آمده است: روزی برای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مرغ بریانی هدیه شد. آن حضرت از خداوند سبحان خواست که علی علیه السلام را برساند. پیامبر منتظر بود که علی علیه السلام حاضر شود.

هر بار که آن حضرت می‌آمدند تا خدمت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله برسند، انس می‌گفت: رسول خدا کار دارند!

این رفتار انس به گونه‌ای بود که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله عصبانی شد و به او فرمود:

یا أنس! ما حملك علی ردّه؟!

ای انس! چه چیز تو را بر بازگرداندن او واداشت؟! «۱» دومین مشکل انس، کتمان شهادت به حق بود. این موضوع نیز در

---

(۱). بیشتر پیشوایان اهل تسنن، این روایت را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند؛ از جمله مراجعه کنید به المستدرک: ۳/ ۱۴۱ و ۱۴۲.

کتاب معرفهٔ الصحابه بخش مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام، حدیث ۴۶۵۰. برای آگاهی بیشتر ر. ک نفحات الازهار از همین نگارنده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۰

جریان درخواست حضرت علی علیه السلام از مردم پیرامون حدیث غدیر و طلبِ شهادت بر این واقعه رخداد. امیر مؤمنان علی علیه السلام از مردم خواست که پیرامون حدیث غدیر شهادت بدهند. برخی گواهی دادند و گروه دیگری- از جمله انس- خودداری کردند. حضرتش آن‌ها را نفرین کرد و نفرین آن حضرت آنان را دربرگرفت. «۱» بدیهی است که خبر دروغگو مورد پذیرش واقع نمی‌شود، و کتمان شهادت، گناه کبیره بوده و به عدالت زیان می‌رساند.

روایت عایشه ... ص: ۸۰

همان گونه پیش‌تر بیان شد، پایه و اساس این واقعه، همان کلام عایشه است؛ زیرا که او در این قصّه حضور داشت و صاحب این قصّه است.

از طرفی حدیث دیگران نیز یا به او می‌رسد و یا حکایتی از گفتار و رفتار اوست.

از سوی دیگر روایت عایشه نسبت به دیگر روایات، بیشترین طُرق را داشته و دارای صحیح‌ترین سندها در مقایسه با دیگر سندها است و روایت وی کامل‌ترین متن را نیز دارا می‌باشد که به طور مفصّل

---

(۱). ر. ک الغدیر: ۱/ ۱۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۱

قصّه را بیان نموده است.

آن سان که ملاحظه کردید، ما مهم‌ترین سندهای آن را ذکر کردیم، و آن را با کامل‌ترین متن نقل نمودیم. ما در فصل آینده، با دقّت به متن این روایت با متن‌های گوناگونش خواهیم پرداخت.

اکنون سند این حدیث را از دو محور بررسی می‌نماییم:

۱. راویان سندها؛

۲. شخصیّت عایشه.

یک بار سخن درباره رجال سندها؛ و بار دیگر سخن پیرامون خود عایشه است.

راویان سندها ... ص: ۸۱

طُرق احادیث نقل شده از عایشه به افراد ذیل منتهی می‌شود:

۱. اسود بن یزید نخعی؛

۲. عُرْوَهٔ بن زبیر بن عوّام؛

۳. عبیداللَّه بن عبداللَّه بن عتبهٔ بن مسعود؛

۴. مسروق بن اجدع.

همه این طُرق مورد طعن، قدح و تضعیف قرار گرفته است، به گونه‌ای که روایت آن‌ها از اعتبار و احتجاج ساقط شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۲

روایت اسود از عایشه ... ص: ۸۲

یکی از راویان از عایشه «اسود» است. وی از کسانی است که از امیر مؤمنان علی علیه السلام روی گردان شد. «۱» راویی که از اسود حدیث را نقل می کند، ابراهیم بن یزید نخعی است که در تمام سندها نام وی آمده است. وی از بزرگان مدلّسین است.

ابوعبداللَّه حاکم- در جنس چهارم از مدلّسین- می گوید: گروهی احادیثی را تدلیس می کنند که از مجروحین (افرادی که تضعیف شده‌اند) روایت کرده‌اند؛ از این رو اسامی و کنیه‌های آنان را تغییر دادند تا شناخته نشوند.

وی در ادامه می گوید: عبداللَّه بن محمّد بن حَمَوَیْه دقیقی به من خبر داد و گفت: جعفر بن ابی عثمان طیالسی، از خلف بن سالم برای ما نقل کرد و گفت: از عدّه‌ای از بزرگان اصحابمان شنیدم که پیرامون کثرت تدلیس و مدلّسین گفت و گو می کردند. نتیجه این گفت و گو این بود که به تمییز و جداسازی اخبار آنها پرداختیم؛ ولی تدلیس حسن بن ابی الحسن و ابراهیم بن یزید نخعی برای ما مشتبه شد؛ زیرا که حسن، افراد ناشناخته‌ای را تا صحابه مطرح می کند، و چه بسا از افرادی

---

(۱). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴/ ۹۷ و ۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۳

همچون: عتی بن ضمره، حنیف بن منتجب، دغفل بن حنظله و افرادی مانند آنها تدلیس کرده است.

البتّه ابراهیم نیز بین خود و اصحاب عبداللَّه افرادی همچون:

هنی بن نویره، سهم بن منجاب و خزامه طائی را داخل می کند و چه بسا از آنها تدلیس می‌نماید. «۱» از سوی دیگر راویی که از ابراهیم روایت را نقل کرده است، همان سلیمان بن مهران اعمش است که وی نیز معروف به تدلیس است؛ «۲» همان تدلیسی که قبیح و مضرّ به عدالت است.

سیوطی در بیان «تدلیس تسویه» می‌نویسد: خطیب گوید: اعمش و سُفیان ثوری نیز همانند ابراهیم عمل می کنند.

علائی در این زمینه گوید: این نوع تدلیس از فاحش‌ترین و بدترین انواع تدلیس است.

عراقی نیز این گونه اظهار نظر می کند: این کار در مورد کسی که از روی عمد آن را انجام دهد قادح و مضرّ است و باعث تضعیف او می‌شود.

شیخ الاسلام نیز در این باره گوید: بدون تردید آن عمل نوعی جرح است که باعث ضعف می‌باشد، و اگر ثوری و اعمش به آن وصف

---

(۱). معرفت علوم الحدیث: ۱۰۷ و ۱۰۸.

(۲). تقریب التهذیب: ۱/ ۳۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۴

شوند جای عذری نیست. «۱» خطیب بغدادی در این مورد گوید: تدلیس در حدیث نزد بیشتر دانشمندان ناپسند است، و بعضی از علما تدلیس را بسیار مذمّت و نکوهش کرده‌اند، و برخی از دانشمندان در دوری از تدلیس افتخار نموده‌اند. «۲» سیوطی از شُعبهٔ بن حجّاج نقل می کند که او در مورد تدلیس گوید: تدلیس برادر دروغ است.

همچنین از او نقل شده که گوید: تدلیس در حدیث از زنا بدتر است.

از شعبه نیز پیرامون تدلیس این گونه نقل شده است که اگر از آسمان بیفتم، برای من بهتر است تا این که تدلیس کنم!

از ابواسامه در این مورد چنین نقل شده است: خدا خانه‌های مدلّسین را خراب کند. به نظر من آن‌ها فقط دروغگویان هستند.

ابن مبارک نیز در این باره می گوید: اگر از آسمان بیفتیم، برای من محبوب‌تر است از آن که حدیثی را تدلیس کنیم.

از وکیع نقل شده است که گوید: ما تدلیس در لباس را حلال نمی‌شماریم چه برسد به تدلیس در حدیث.

---

(۱). تدریب الراوی: ۱/ ۱۸۸.

(۲). الکفایهٔ فی علم الروایه: ۳۵۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۵

از این رو، این حدیث با همین سند که همه علما در نقل آن اتّفاق نظر دارند از درجه اعتبار ساقط می‌شود. پس نیازی به بررسی وضعیّت راویانی که پیش از اعمش هستند، نیست.

ولی با این وجود ملاحظه می کنیم که راویی که از اعمش نقل می کند، در نزد بخاری و احمد- در یکی از دو سند- و در نزد مسلم و نَسائی، همان ابومعاویه است که او نیز از مدلّسین است.

در این زمینه جلال الدین سیوطی در کتاب تدریب الراوی، در تحت عنوان فائده چنین می‌نویسد:

می‌خواهم اسامی کسانی را که متّهم به بدعت هستند از بین کسانی که بخاری و مسلم و یا یکی از آن‌ها روایتی را از آن‌ها نقل کرده‌اند ذکر کنم. آنان عبارتند از:

ابراهیم بن طهمان، ایّوب بن عائذ طائی، ذرّ بن عبداللَّه مرهبی، شبابهٔ بن سوار، عبدالحمید بن عبدالرحمان، محمّد بن حازم، ابومعاویه ضریر، و ورقاء بن عمر یشکری. اینان متّهم به اعتقاد به ارجاء هستند؛ یعنی معتقدند که کسانی که مرتکب گناهان کبیره می‌شوند، درباره جهنّمی بودن یا نبودن آن‌ها نمی‌توان نظر قطعی داد. «۱»

---

(۱). تدریب الراوی: ۱/ ۲۷۸- ۲۸۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۶

ابن حجر نیز از چندین نفر نقل می کند که ابومعاویه فردی خبیث و قائل به ارجاء بوده و مردم را به همین عقیده دعوت می کرده است. «۱» از طرفی راوی از اعمش در نزد ابن ماجه و احمد- در طریق دیگر او- وکیع بن جرّاح است که درباره او آمده است: وی شراب‌خوار بوده و همواره به آن مداومت داشته است. «۲» یکی دیگر از راویانی که از ابومعاویه- در یکی از سندهای بخاری- نقل کرده است، حفص بن غیاث است که او نیز از مدلّسین بوده است. «۳» افزون بر آن، حفص از طرف هارون قاضی کوفه بوده است. از احمد بن حنبل نیز نقل کرده‌اند که گوید: وکیع، دوست حفص بن غیاث بود و آن گاه که او قاضی شد، وکیع از او کناره گرفت. «۴»

روایت عُرْوَهٔ بن زبیر ... ص: ۸۶

آن سان که گذشت، این حدیث به روایت عُرْوَهٔ بن زبیر نیز نقل شده است. با توجّه به این که عروه در زمان خلافت عمر به دنیا آمده؛

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۹/ ۱۱۷.

(۲). تذکرهٔ الحفّاظ: ۱/ ۳۰۷ و ۳۰۸، میزان الاعتدال: ۷/ ۱۲۷.

(۳). تهذیب التهذیب: ۲/ ۳۷۵.

(۴). همان: ۱۱/ ۱۱۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۷

پس حدیث مرسل خواهد بود و ناگزیر آن را از عایشه روایت کرده است.

عروه از افرادی است که در کینه و دشمنی علیه امیر مؤمنان علی علیه السلام معروف بوده است- همان طور که از این عمل به هنگام نقل خبرش با زُهْری، و مطالبی درباره پسرش در گذشته آگاه شدیم- دشمنی او به گونه‌ای بود که در جنگ جمل با وجود کمی سنّش حاضر شد. «۱» او و زُهْری در تنقیص و تحقیر امام امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت زهرای طاهره علیها السلام حدیث جعل می‌کردند.

هیثمی از او حدیثی را در فضل زینب دختر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل کرده و آن را صحیح دانسته است. در آن حدیث ساختگی آمده که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله همواره می‌فرمود: زینب بهترین دختران من است.

راوی گوید: این حدیث ساختگی به گوش علی بن حسین علیهما السلام رسید. حضرتش به نزد زُهْری رفت و فرمود: این چه حدیثی است که از تو به من رسیده که در آن حق فاطمه سلام اللَّه علیها را کوچک شمرده‌ای؟

وی گفت: هرگز این حدیث را نقل نخواهم کرد. «۲»

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۷/ ۱۶۱.

(۲). مجمع الزوائد: ۹/ ۳۴۲، کتاب مناقب، باب آن چه که پیرامون فضایل زینب دختر رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله رسیده است، حدیث ۱۵۲۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۸

از سوی دیگر روایت کننده از عروه در روایت بخاری، مسلم، تِرمذی و ابن ماجه، پسرش هِشام است که او نیز از مدلّسین است.

عالمان رجالی در مورد او گفته‌اند: هر چه از دیگران می‌شنید به پدرش نسبت می‌داد. و ذکر کرده‌اند که مالک از او خوشش نمی‌آمد.

ابن خراش گفت: به من خبر رسیده است که مالک از او به جهت نقل حدیثش برای اهل عراق ایراد می‌گرفت.

هِشام سه بار به کوفه رفت. یک بار می‌گفت: پدرم برایم نقل کرده که گفت: از عایشه شنیدم. بار دوم می‌گفت: پدرم از عایشه به من خبر داد؛ و بار سوم می‌گفت: پدرم از عایشه روایت کرده است. «۱» این حدیث نیز از جمله آن احادیث است.

روایت عبیداللَّه بن عبداللَّه از عایشه ... ص: ۸۸

اکنون این حدیث را به روایت عبیداللَّه بن عبداللَّه بررسی می‌نماییم.

راویی که این روایت را از عبیداللَّه نقل می‌کند- طبق نقل بخاری، مسلم و نَسائی- «موسی بن أبی عایشه» است. ابن ابی حاتم در مورد او و روایتش گوید: از پدرم «۲» شنیدم که می‌گفت: روایتی را که موسی بن

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۱۱/ ۴۶.

(۲). پدر ابی حاتم، همان محمّد بن ادریس رازی، یکی از بزرگان، پیشوایان و حافظان‌مورد اعتماد در جرح و تعدیل است. وی در حدود سال ۲۷۷ ه وفات یافته است. شرح حال او در: تذکرة الحفّاظ: ۲/ ۵۶۷، تاریخ بغداد: ۲/ ۷۰ و منابع دیگر از مصادر رجالی

آمده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۸۹

ابی عایشه، از عبیداللَّه بن عبداللَّه درباره بیماری پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نقل می‌نماید، مرا ناراحت می‌کند. «۱» امّا راوی روایتی که ابوداوود و احمد بن حنبل نقل کرده‌اند، زُهْری است که این روایت را از عبیداللَّه بن عبداللَّه نقل می‌کند- ولی ابوداوود از عبیداللَّه، از عبداللَّه بن زمعه روایت می‌کند- و ما پیش‌تر زُهْری را معرفی کردیم.

افزون بر این، مطالبی پیرامون شخص عبیداللَّه بن عبداللَّه مطرح شده است. ابن سعد از مالك بن انس این گونه نقل می‌کند:

روزی علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام نزد عبیداللَّه بن عبداللَّه بن عتبهٔ بن مسعود آمد که از او درباره برخی مسائل سؤال کند! او در حال نماز بود و اصحابش دور او را گرفته بودند.

حضرتش نشست تا نماز او تمام شد.

عبیداللَّه پس از پایان نماز به آن حضرت رو کرد.

اصحابش گفتند: خدا سلامتت بدارد! این شخص که نزد تو آمده

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۱۰/ ۳۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۰

پسر دختر رسول خداست و جایگاه و منزلتش روشن است. از تو در مورد برخی مسائل سؤال می‌کند. پس ای کاش نخست به او رو می‌کردی و حاجتش را برآورده می‌ساختی؛ سپس به آن چه در آن هستی می‌پرداختی!

عبیداللَّه در پاسخ آن‌ها گفت: هرگز! کسی که در جست و جوی طلب علم است، بایستی متحمّل زحمت و سختی باشد. «۱»

روایت مسروق بن اجدع از عایشه ... ص: ۹۰

در بررسی حدیث از طریق مسروق بن اجدع از عایشه، با اشکالات ذیل مواجه می‌شویم:

۱. این حدیث را ابووائل (شقیق بن سلمه)، از مسروق روایت می‌کند. عاصم بن بهدله در مورد شخصیّت ابووائل گوید:

به ابووائل گفته شد: کدامیک از آن دو نزد تو محبوب‌تر است:

علی یا عثمان؟

گفت: علی نزد من محبوب‌تر بود، بعد عثمان محبوب‌تر شد [!] «۲» ۲. طبق نقل نَسائی و احمد بن حنبل، نعیم بن ابی هند از ابووائل روایت می‌کند که در گذشته پیرامون شخصیّت نعیم آگاهی یافتیم.

---

(۱). الطبقات الکبری: ۵/ ۱۶۶.

(۲). تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۷۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۱

احمد به دو طریق این روایت را به نعیم بن ابی هند می‌رساند. در یکی از این دو طریق راویی که از نعیم روایت را نقل می‌کند «شبابهٔ بن سوار» است. رجال شناسان در شرح حال او می‌گویند: شبابه به ارجاء معتقد بود و مردم را به سوی آن دعوت می‌کرد. به همین جهت احمد بن حنبل او را ترک کرد و با تاختن به وی او را از اعتبار می‌انداخت.

ابوحاتم نیز در مورد او این گونه اظهار نظر کرده است: نمی‌توان به حدیث او استناد کرد. «۱» جلال الدّین سیوطی در همان فائده

مذکور او را آورده است.

ابن حجر نیز در شرح حال او مطالبی را آورده که بیان‌گر دشمنی او با اهل بیت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله است. «۲»

نگاهی به شخصیّت عایشه ... ص: ۹۱

اکنون پس از مطالبی که پیرامون راویان این حدیث بیان داشتیم، لازم است مطالبی را درباره شخصیّت عایشه ارائه نماییم.

طبق تحقیقی که انجام یافته است، عایشه هر شأن و فضیلتی را برای خود، پدر و دوستدارانش- از نزدیکان و خویشان-

---

(۱). تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۷۴، تاریخ بغداد: ۹/ ۲۹۸.

(۲). تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۷۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۲

می‌خواست. هر گاه می‌دید که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله مورد محبّت یکی از همسرانش قرار می‌گرفت و آن حضرت نزد او می‌ماند، بر او می‌شورید؛ همان گونه که با زینب دختر جحش این گونه رفتار کرد. آن گاه با حفصه تبانی کردند که هر گاه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نزد هر کدام از آن‌ها وارد شود بگوید: من از شما بوی مغافیر [نوعی صمغ] استشمام می‌کنم تا ایشان از ماندن و عسل خوردن نزد زینب امتناع ورزد [!] «۱» هر گاه عایشه می‌دید که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله از حضرت خدیجه علیها السلام به خوبی یاد کرده و او را می‌ستاید با جسارت می‌گفت: چه قدر از این پیرزن بی‌دندان یاد می‌کنی؟! خداوند عزّ وجلّ بهتر از او را به تو داده است [!] «... ۲» آن گاه که متوجّه می‌شد که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در حال اقدام برای ازدواج با زنی است، با دروغ و خیانت مانع آن می‌شد!

به عنوان نمونه نقل کرده‌اند که روزی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله زنی را از قوم کلب خواستگاری کرده بود، از این رو عایشه را برای کسب اطلاعاتی نزد خانواده او فرستاد. پیامبر به عایشه فرمود: او را چگونه دیدی؟

---

(۱). این قضیّه از قضایای معروف است. به کتاب‌های حدیثی و تفسیری در تفسیر سوره تحریم مراجعه کنید.

(۲). مسند احمد: ۷/ ۱۷۰، حدیث عایشه، حدیث ۲۴۳۴۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۳

پاسخ داد: چیز قابل ذکری ندیدم!

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: تو چیز قابل ذکری دیدی! تو خالی روی گونه او دیدی که تک‌تک موهای تو بر تنت راست شد.

عایشه گفت: ای رسول خدا! هیچ رازی از شما پنهان نیست. «۱» عایشه حتّی به صرف توهّم این که پیامبر می‌خواهد ازدواج کند این گونه رفتار می‌کرد. به عنوان نمونه گوید: روزی عثمان هنگام ظهر نزد پیامبر آمد. من فکر کردم که او برای گفت و گو درباره زنان نزد پیامبر آمده است. از این رو غیرت و رشک زنانگی مرا وادار کرد که استراق سمع کنم [!] «۲» موضع‌گیری او در مورد کسانی که از آن‌ها بدش می‌آمد، سراپا جنگ و ستیز بود. به عنوان نمونه یکی از موضع‌گیری‌های او در برابر امیر مؤمنان علی علیه السلام این گونه بیان شده است:

روزی مردی در حضور عایشه از علی و عمّار رضی اللَّه عنهما بدگویی کرد.

عایشه گفت: من درباره علی چیزی ندارم که به تو بگویم؛ ولی

---

(۱). الطبقات الکبری: ۸/ ۱۲۷، کنز العمّال: ۱۲/ ۱۸۸، کتاب فضایل، باب فضایل پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، حدیث ۳۵۴۵۵.

(۲). مسند احمد: ۷/ ۱۶۵، حدیث عایشه، حدیث ۲۴۳۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۴

درباره عمّار، همانا از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیدم که می‌فرمود:

«هر گاه عمّار بین دو امر مخیّر شود، راه یافته‌ترین و کامل‌ترین آن دو را انتخاب می‌کند». «۱» فراتر این که عایشه به خاطر تأیید و تقویت دشمنان علی علیه السلام حدیث جعل می‌کرد. نعمان بن بشیر گوید: روزی معاویه توسّط من برای عایشه نامه‌ای فرستاد. من نزد عایشه رفتم و نامه معاویه را به او دادم.

عایشه به من گفت: فرزندم! آیا مطلبی را که از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیده‌ام به تو بگویم؟

گفتم: آری.

گفت: روزی از روزها من و حفصه نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بودیم. فرمود: ای کاش نزد ما مردی بود که با ما گفت و گو می‌کرد.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا کسی را در پی ابوبکر بفرستم؟

او ساکت ماند. پیامبر دوباره همان سخن را تکرار فرمود.

حفصه عرض کرد: آیا کسی را در پی عمر بفرستم؟

---

(۱). مسند احمد: ۷/ ۱۶۳، حدیث ۲۴۲۹۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۵

او ساکت ماند. سپس فرمود: نه.

آن گاه مردی را صدا زد و با او درِ گوشی سخن گفت. چیزی نگذشت که عثمان آمد. او به عثمان رو کرد و با او سخن گفت. شنیدم که به او سه مرتبه فرمود: ای عثمان! شاید خداوند عزّ وجلّ پیراهنی را بر تنت بپوشاند. پس اگر از تو خواستند که آن را درآوری، تو آن را بیرون نیاور.

گفتم: ای امّ المؤمنین! پس پیش از این، این حدیث کجا بود؟

گفت: فرزندم! به خدا سوگند! این حدیث را از یادم برده بودند به گونه‌ای که گمان نمی‌کردم که آن را شنیده‌ام [!] «۱» نعمان بن بشیر گوید: من این حدیث را به معاویهٔ بن ابی سُفیان رساندم. او به گزارش من راضی نشد و آن را باور نکرد، تا این که خود طی نامه‌ای به امّ المؤمنین نوشت که برای من درباره آن حدیث بنویس.

عایشه درباره آن حدیث نامه‌ای برای معاویه نوشت. «۲» بنگر که چگونه عایشه در آن دوران، معاویه را بر خون‌خواهی دروغینش از عثمان تأیید می‌کرد و چگونه بر تحریک مردم به قتل عثمان، عذر و بهانه می‌آورد و از پنهان کردن نام مردی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله وی را صدا زد غافل نمی‌شود، پس از این که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از

---

(۱). مسند احمد: ۷/ ۲۱۴ و ۲۱۵، حدیث ۲۶۴۳۶.

(۲). همان: ۱۲۷، حدیث ۲۴۰۴۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۶

فرستادن در پی ابوبکر و عمر خودداری کرد!؟

آری آن مرد جز امیر مؤمنان علی علیه السلام نبود؛ ولی آن سان که ابن عبّاس گفته است، عایشه از علی علیه السلام دل خوشی نداشت که ما در بخش‌های آینده در این زمینه سخنانی بیان خواهیم کرد.

بنا بر این هر گاه حال عایشه و وضعیّت روایات او در دوران عادی زندگیش این گونه بوده است، طبیعی است که این حال او در دوران و ساعات پایان زندگی رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به بالاترین درجه رسیده باشد، و به طور طبیعی اخبار او پیرامون حالات پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن شرایط، حسّاس‌تر باشد.

اکنون به نمونه‌هایی از سخنان او توجّه کنید. وی می‌گوید:

هنگامی که حال رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله وخیم شد، به عبدالرحمان بن ابی بکر فرمود:

کتف «۱» یا لوحی به من بده تا برای ابوبکر نوشته‌ای بنویسم که با او مخالفت نشود [!]

هنگامی که عبدالرحمان خواست بلند شود فرمود: خدا و مؤمنان

---

(۱). کِتْف: استخوان شانه‌ای که در زمان‌های قدیم روی آن می‌نوشتند.

ابا دارند از این که با تو- ای ابوبکر!- مخالفت شود [!] «۱» وی در مورد دیگری می‌گوید:

هنگامی که حال رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله وخیم شد، بلال آمد تا او را از وقت نماز مطّلع سازد. او فرمود: به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند «... ۲» در جای دیگری می‌گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله وفات یافت در حالی که سر او بین سینه و گردن من بود [!] «۳» این‌ها نمونه‌هایی از سخنان عایشه است.

از سوی دیگر هنگامی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله دستور داد که علی علیه السلام به حضورش فرا خوانده شود، فرمان حضرتش اطاعت نشد؛ بلکه به آن بزرگوار پیشنهاد می‌شود که ابوبکر و عمر فرا خوانده شوند!

ابن عبّاس در این زمینه می‌گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد، همان بیماری که

---

(۱). مسند احمد: ۷/ ۷۱، حدیث ۲۳۶۷۹.

(۲). همان: ۳۱۹، حدیث ۲۵۳۴۸.

(۳). همان: ۱۷۵، حدیث ۲۴۳۸۴.

به سبب آن وفات یافت، آن حضرت در خانه عایشه بود. حضرتش فرمود: علی را برایم صدا کنید.

عایشه گفت: برایتان ابوبکر را صدا بزنیم؟ [!]

فرمود: صدایش کنید.

حفصه گفت: ای رسول خدا! برایتان عمر را صدا بزنیم؟ [!]

فرمود: صدایش کنید.

امّ فضل گفت: ای رسول خدا! عبّاس را برایتان صدا بزنیم؟ [!]

فرمود: صدایش کنید.

هنگامی که همه آن‌ها جمع شدند، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله سر مبارکش را بلند کرد و علی علیه السلام را ندید در نتیجه ساکت ماند. در این هنگام عمر گفت: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را ترک کنید «... [!] ۱» از سوی دیگر آن گاه که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، در حالی که به دو مرد تکیه کرده برای نماز از خانه بیرون می‌رود، عایشه می گوید:

پیامبر در حالی از خانه خارج شد که بین دو مرد بود و به آن‌ها تکیه کرده بود که یکی از آن‌ها عبّاس بود.

عایشه از مرد دیگر نامی نمی‌برد.

---

(۱). مسند احمد: ۱/ ۵۸۸، مسند عبداللَّه بن عباس، حدیث ۳۳۴۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۹۹

ابن عبّاس در ادامه می گوید:

آن مرد علی علیه السلام بود؛ ولی عایشه نمی‌تواند از آن حضرت به نیکی یاد کند. «۱»

آخرین فردی که با پیامبر خدا وداع نمود ... ص: ۹۹

بنا بر این، با توجّه به شناختی که از شخصیّت عایشه به دست آوردیم که این گونه نسبت به علی علیه السلام کینه دارد به طوری که نمی‌تواند از او به نیکی یاد کرده و دل خوشی از آن حضرت ندارد، و می کوشد که آن حضرت را از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله دور نماید و برای خود و پدرش چیزی را ادّعا می کند که هیچ ریشه و اصلی ندارد.

فراتر این که امّ سلمه رضی اللَّه عنها از یک امر حقیقی خبر داده و می گوید: سوگند به آن که به او سوگند یاد می کنم علی علیه السلام آخرین کسی بود که با پیامبر صلی اللَّه علیه وآله دیدار داشت.

امّ سلمه می‌افزاید: ما هر روز بامدادان از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله عیادت می کردیم. حضرتش بارها می‌فرمود: آیا علی آمد؟ گمان می کنم که او را در پی کاری فرستاده بود. علی علیه السلام آمد.

گمان کردم که با او کاری دارد؛ از این رو ما از خانه خارج شدیم

---

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۱۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰۰

و نزدیک درِ خانه نشستیم. من از همه به درِ خانه نزدیک‌تر بودم. دیدم علی علیه السلام روی ایشان خم شده و با او نجوا و درِگوشی سخن می گوید. آن گاه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در همان روز قبض روح شد و علی علیه السلام آخرین فردی بود که با آن حضرت وداع نمود. «۱» آن چه بیان شد، روایات اندکی از انبوه روایاتی بود که عایشه در بعضی از آن‌ها دست برده و برخی وقایع واقعی، مهم و تاریخی را تحریف کرده است. پس از بررسی و شناخت این گونه روایات، یقین می‌کنیم که خبر عایشه پیرامون نماز پدرش به امر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله و این که آن حضرت از خانه خارج شد و پشت سر او نماز خواند!- آن سان که در برخی اخبار از او نقل شده- از همین قبیل است.

البتّه از چیزهایی که عدم اعتماد به کلام عایشه را تأکید می کند، وجود اختلاف‌هایی است که در این قضیّه- که یک قضیّه بیش نیست- از وی نقل شده است؛ چنانچه به زودی ملاحظه خواهیم کرد.

---

(۱). عمدة القاری: ۷/ ۴۲۶، حدیث امّ سلمه، حدیث ۲۶۰۲۵، المستدرک: ۳/ ۱۴۹، کتاب شناخت صحابه، مناقب امیرالمؤمنین علی

بن ابی طالب علیهما السلام، حدیث ۴۶۷۱، تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۵/ ۳۰۱، الخصائص: ۲۱۶، حدیث ۱۵۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰۳

بخش سوم بررسی و نقد متن و مدلول حدیث ... ص: ۱۰۳

دقّت‌هایی در متن و مدلول حدیث ... ص: ۱۰۳

اشارهٔ

با توجّه به مطالبی که در بخش‌های پیشین گذشت، ملاحظه کردیم که این حدیث با همه طرق و اسنادش مردود و بی‌اعتبار است.

اکنون به نظر می‌رسد که این پرسش مطرح شود که با توجّه به این که این حدیث، از احادیثی است که صاحبان صحاح، مسانید، معجم‌ها و علمای دیگر بر آن اتّفاق نظر دارند و آن را از عدّه‌ای از صحابه روایت کرده‌اند، با این وضع چگونه می‌توانیم آن را با همه طرقش بی‌اعتبار بدانیم؟

ما این پرسش را از دو محور پاسخ می‌دهیم:

۱. شما در بخش «بررسی سندهای روایت» ملاحظه کردید که راویان سندهای این حدیث متّهم به انواع طعن و عیب بوده‌اند. ما در آن بخش و در هنگام بررسی، فقط بر مشهورترین کتاب‌های اهل سنّت در جرح و تعدیل تکیه کردیم و طبق سخنان بزرگان و عالمان آنان، اسانید

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰۴

این حدیث را نقد نمودیم.

۲. نظریه پژوهشگران و محققان علوم حدیث، رجال و کلام این است که در کتاب‌های شش‌گانه (صحاح ستّه)، احادیث صحیح، ضعیف و جعلی وجود دارد. از طرفی دیگر، در میان صحابه نیز افرادی عادل، منافق و فاسق وجود دارد. البتّه ما این موضوع را در برخی از پژوهش‌های خود ثابت کرده‌ایم. «۱» آری، آن چه در نزد اهل تسنّن مشهور است دو امر است:

۱. قول به اصالت عدالت صحابه؛

۲. قول به صحّت آن چه در دو کتاب بخاری و مسلم نقل شده است.

بدیهی است که این دو موضوع دارای شهرتی هستند که هیچ پایه و اساسی ندارد.

امّا پیرامون حدیث «نماز ابوبکر»، کسی را نیافتم که به این حدیث ایراد گرفته باشد. البتّه نه بدین جهت که آن در کتاب‌های صحاح آمده است؛ بلکه اصل در پذیرش این روایت بوده و اهل تسنّن آن را صحیح دانسته و یکی از دلیل‌های خلافت ابوبکر قرار داده‌اند، و به همین دلیل

---

(۱). برای آگاهی از این موضوع به کتاب أصحابی کالنجوم و محاضرات فی الاعتقادات: ۲/ ۵۵۳، رساله الصحابه از همین نگارنده مراجعه شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰۵

ملاحظه می‌کنید که آنان در کتاب‌های کلامی و غیر آن به این حدیث استدلال می‌کنند.

نگاهی به سخنان استدلال کنندگان به این حدیث بر امامت ابوبکر ... ص: ۱۰۵

همان گونه که اشاره شد، عدّه‌ای از علمای اهل تسنّن با توجّه به حدیث «نماز ابوبکر»، به امامت او استدلال کرده‌اند. قاضی عضدالدّین ایجی در ضمن دلیل‌هایی که به پندارش بیان‌گر امامت ابوبکر است چنین می‌نویسد:

دلیل هشتم: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله ابوبکر را در نماز جانشین خود قرار داد و او را عزل نکرد. پس او در این امر و موارد دیگر به عنوان امام باقی می‌ماند؛ زیرا هیچ کس قائل به جدایی بین این دو موضوع از یکدیگر نیست. به همین جهت علی رضی اللَّه عنه فرمود:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله تو را در امر دینِ ما مقدّم دانست [!]، پس آیا ما تو را در امر دنیایمان مقدّم ندانیم؟ «۱»

---

(۱). المواقف: ۳/ ۶۰۵. گفتنی است که به طور قطع این سخنی جعلی است که به امیر مؤمنان علی علیه السلام نسبت داده شده است. کسی که این حدیث را به صورت مرسل آورده- همان طور که در الإستیعاب: ۳/ ۹۷ آمده است- همان حسن بصری است که در نقل روایات به صورت ارسال و تدلیس، و در انحراف از امیر مؤمنان علی علیه السلام معروف و مشهور است.

فخر رازی نیز در این مورد اظهار نظر کرده است. وی در دلایل خلافت ابوبکر می‌نویسد:

دلیل نهم: این که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماری منجر به رحلتش؛ ابوبکر را جانشین خود برای نماز قرار داد و از آن امر عزلش نکرد؛ پس واجب است که بعد از وفاتش نیز جانشین آن حضرت در نماز باقی بماند و هر گاه جانشینی ابوبکر در نماز ثابت شود، جانشینی او در سایر امور نیز اثبات می‌شود؛ زیرا که ضرورتاً کسی قائل به فرق و جدایی این دو امر از یکدیگر نیست. «۱» ابونعیم اصفهانی نیز در مطالع الانظار از این موضوع سخن به میان آورده و می‌نویسد:

دلیل سوم: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماری خود، ابوبکر را در نماز جانشین خود قرار داد، در نتیجه جانشینی او در نماز به نقل صحیح ثابت است. از طرفی پیامبر صلی اللَّه علیه وآله ابوبکر را از جانشینی‌اش در نماز عزل نکرد؛ پس بعد از وفات ایشان نیز ابوبکر جانشین او در نماز باقی می‌ماند. در نتیجه هر گاه جانشینی

---

(۱). الأربعین فی اصول الدّین: ۲/ ۲۹۲.

ابوبکر بعد از وفات پیامبر در نماز اثبات شود، خلافت او بعد از وفات پیامبر در غیر نماز هم اثبات خواهد شد؛ زیرا کسی قائل به جدایی این دو موضوع از هم نیست. «۱» یکی از علمای اهل تسنّن که به این روایت استدلال کرده، نیشابوری صاحب تفسیر است. وی در تفسیر آیه غار می‌نویسد:

اهل تسنّن با این آیه، به برتری ابوبکر و نهایت اتّحاد، مصاحبت و موافقت باطنی و ظاهری او با پیامبر استدلال می‌کنند، وگرنه پیامبر در چنین موردی به او تکیه نمی‌کرد. از طرفی ابوبکر بعد از ایشان در علم و دانش دومین نفر بود، چرا که پیامبر فرمود: «در سینه من چیزی ریخته نشد، مگر این که آن را در سینه ابوبکر هم ریختم». «۲» او در دعوت به سوی خدا پس از رسول خدا نیز دومین نفر بود؛ چرا که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله ایمان را ابتدا به ابوبکر عرضه داشت و او ایمان آورد؛ سپس ابوبکر ایمان را به طلحه، زبیر، عثمان بن عفّان و جمعی دیگر از بزرگان صحابه عرضه داشت.

---

(۱). مطالع الأنظار فی شرح طوالع الأنوار فی علم الکلام: ۲۳۳.

(۲). این حدیث از جمله احادیث ساختگی است. برای آگاهی بیشتر ر. ک: احادیث واژگونه در فضایل صحابه از همین نگارنده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰۸

ابوبکر در جنگ‌ها، در ادای نماز جماعت و در مجالس و محافل از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله جدا نمی‌شد و پیامبر او را در دوران بیماریش به جای خود امام جماعت قرار داد «... ۱» کرمانی نیز در شرح صحیح بخاری به شرح این حدیث ساختگی پرداخته و می‌نویسد:

در آن حدیث فضیلتی است برای ابوبکر، و ترجیح او بر همه صحابه، و هشداری است که او برای جانشینی رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از دیگران شایسته‌تر است. «۲» عینی نیز در عمدهٔ القاری در شرح صحیح بخاری، به شرح و توضیح این حدیث پرداخته و می‌نویسد:

چند مطلب از این حدیث استفاده می‌شود:

یکم: بیان‌گر فضل ابوبکر است.

دوم: این که ابوبکر در زمان حیات پیامبر صلی اللَّه علیه وآله برای مردم نماز خوانده، و در همین امامت صغری دلالتی بر امامت کبری است.

سوم: این که شایسته‌ترین فرد به امامت، آگاه‌ترین فرد است. «۳»

---

(۱). غرائب القرآن ورغائب الفرقان: ۳/ ۴۷۱.

(۲). الکواکب الدّراری: ۵/ ۵۲.

(۳). عمدهٔ القاری: ۵/ ۲۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۰۹

همچنین نَوَوی در شرح صحیح مسلم، فائده‌هایی را از این حدیث مطرح کرده و می‌نویسد:

از جمله فائده‌های آن حدیث می‌توان به این امور اشاره کرد:

فضیلت و برتری ابوبکر، ترجیح دادنش بر همه صحابه، برتر دانستن او و اشاره به این که وی به جانشینی رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از دیگران سزاوارتر است.

مورد دیگر این که هر گاه امام برای حضور در نماز جماعت عذری دارد، کسی را جانشین خود می‌کند تا برای مردم نماز بخواند و او جز برترین فرد را جانشین خود نمی‌کند. فوائد دیگر این حدیث برتری عمر «۱» بعد از ابوبکر است؛ زیرا که ابوبکر به سراغ غیر عمر نرفت. «۲» مَناوی نیز در شرح جامع الصغیر تذکّری را عنوان می‌کند و می‌گوید:

اصحاب ما در علم اصول می‌گویند: جایز است که بر اساس قیاس اجماع حاصل شود، نظیر امامت ابوبکر که صورت گرفت؛ زیرا که

---

(۱). این برتری بدین جهت است که ابوبکر به عمر گفت: برای مردم نماز بخوان ... گویی گفته‌ها و اعمال ابوبکر حجّت است؟! البتّه اهل تسنّن از این جهت دچار اشکال شده‌اند که به زودی به آن اشاره خواهد شد.

(۲). المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۴/ ۱۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۰

همه صحابه بر خلافت او- که همان امامت عظمی است- اتّفاق نظر داشتند و استناد آن‌ها قیاس بر امامت صغری است که همان نماز برای مردم به انتخاب پیامبر مصطفی صلی اللَّه علیه وآله است. «۱» آخرین استدلال به این حدیث مطلبی است که در فواتح

الرَّحموت در شرح مسلّم الثبوت در مبحث اجماع آمده است. نگارنده این کتاب در شرح مسأله‌ای این گونه می‌نگارد:

جایز است که دلیل اجماع قیاس باشد، به خلاف نظر ظاهری مذهبان و ابن جریر طبری که برخی از آن‌ها گفته‌اند که چنین استنادی از نظر عقلی امکان نـدارد. عـدّه دیگر معتقدنـد که این امر از نظر عقلی امکـان دارد؛ ولی تا کنون واقع نشـده است. در مورد اخبار آحاد نیز گفته شده است که مانند قیاس است، گرچه در این باره اختلاف وجود دارد.

دلیل ما بر این موضوع این است که چنین اسـتنادی مانعی ندارد؛ زیرا که (در قضـیّه خلافت ابوبکر) امامت کبری- که همان خلافت است- بر امامت نماز قیاس شد.

---

(۱). فیض القدیر: ۵/ ۶۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۱

حق این است که دستور پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به امامت نماز، اشاره‌ای به مقدّم بودن ابوبکر بر امامت کبری بود «... ۱»

جانشینی در امامت نماز، دلیلی بر خلافت نیست ... ص: ۱۱۱

آن چه بیـان شـد، نمونه‌ای از سـخنان علمـای اهـل تسـنّن در اسـتدلال به این حـدیث ساختگی بود؛ ولی برای پژوهشـگر حقیقت‌جو پیش‌تر معلوم شد که این حدیث، سند معتبری در صحاح ندارد، چه برسد در منابع دیگر.

از طرفی دیگر صِرف وجود آن در آن کتاب‌ها- حتّی در دو کتاب بخاری و مسلم- ما را از دقّت در سندش بی‌نیاز نمی‌کند. بنا بر این، مطـالبی را که عالمـان اهـل تسـنّن پیرامون این حـدیث بیان کرده‌انـد هیـچ اصل و ریشه‌ای نداشـته و مطالبی که به عنوان پایه و اساس عقاید، فقه و علم اصول قرار داده‌اند هیچ اساسی ندارد.

در این راسـتا می‌گوییم: جانشینی در امامتِ نماز دلیلی بر خلافت نیست؛ و به فرض صحیح بودن حدیث فرمان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر برای نماز در جایگاه ایشان این حدیث، دلیل بر امامت کبری و خلافت عظمی نمی‌باشد؛ زیرا هنگامی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از

---

(۱). فواتح الرّحموت بشرح مسلّم الثبوت: ۲/ ۲۳۹ و ۲۴۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۲

مدینه خارج می‌شد، کسی را برای امامت نماز برای مردم منصوب می‌کرد؛ از جمله این که- همان گونه که روایت می‌کنند- روزی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌خواست از مدینه خارج شود، امّ مکتوم نابینا را برای امامت جانشین خود ساخت.

در این مـورد، ابـوداوود در سـنن خـود، فصـلی را بـا این عنوان گشوده و این روایت را در آن نقـل کرده است. وی در عنوان «بـاب امامت نابینا» می‌نویسد:

ابوعبداللَّه محمّد بن عبدالرحمان عنبری، از ابن مهدی، از عمران قطّان، از قَتاده نقل می‌کند که انس گوید: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله ابن امّ مکتوم نابینا را برای امامت مردم جانشین خود کرد. «۱» بنا بر این، آیا تا کنون کسـی قائل به امامت ابن امّ مکتوم شده به دلیل این که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله او را برای نماز جانشین کرد؟!

این سخن به قدری بدیهی است که ابن تیمیّه- ملقّب به «شیخ الاسلام» - به آن اعتراف کرده و در منهاج السنّه می‌گوید:

جانشین کردن در زمان حیات، یک نوع نیابت محسوب می‌شود که برای هر ولیّ امری گریزی از آن نیست. این گونه نیست که

---

(۱). سنن ابوداوود: ۱/ ۲۰۳، کتاب نماز، باب امامت نابینا، حدیث ۵۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۳

هر کس در حیات ولیّ امر صلاحیّت جانشینی بر بعضی از امور امّت را داشته باشد، پس از مرگ او نیز صلاحیّت داشته باشد که جانشین باقی بماند؛ زیرا که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در دوران زندگی خویش بیش از یک نفر را جانشین خود قرار داد، و از میان آن‌ها هیچ کس صلاحیّت جانشینی بعد از وفاتش را نداشت؛ همچنان که آن حضرت ابن امّ مکتوم نابینا را در دوران حیاتش جانشین خود کرد، در حالی که او صلاحیّت خلافت بعد از وفاتش را نداشت؛ همین طور بشیر بن عبدالمنذر و غیر او. «۱» فراتر این که راویان آنان روایت کرده‌اند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله پشت سر عبدالرحمان بن عوف نماز خواند! اگر این روایت به فرض محال نیز صحیح باشد؛ دلیلی بر شایستگی خلافت بعد از ایشان نخواهد شد و به همین خاطر هیچ کس آن را ادّعا نکرده است.

روشن است که آن حدیث باطل است؛ زیرا که با یک امر ضروری و قطعی مخالف است که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله پشت سر احدی از امّتش نماز نمی‌خواند و هیچ نیازی به بررسی سند آن نیست.

کوتاه سخن این که نه حدیث دستور دادن به ابوبکر برای نماز

---

(۱). منهاج السنّه: ۷/ ۳۳۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۴

و نه حدیث نماز خواندن آن حضرت پشت سر او- گرچه سند دو حدیث کامل باشد- هیچ دلالتی بر خلافت ندارند.

بدیهی است که در مورد سایر نکات اعتقادی، فقهی و اصولی که علمای اهل تسنّن با استفاده از حدیث امر به نماز در شروح و پاورقی‌ها ذکر می‌کنند، همه آن‌ها به اثبات اصل قضیّه و تمامیّت سندهایی که حاکی این احادیثند بستگی دارد.

در نتیجه روشن شد که هیچ یک از آن سندها صحیح نمی‌باشد، بنا بر این فرمان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر در دوران بیماری برای اقامه نماز به جای آن حضرت ثابت نشد.

وجوه دروغ بودن اصل قضیّه ... ص: ۱۱۴

اشارهٔ

بنا بر تحقیقی که انجام یافت، روشن شد که نه تنها اصل قضیّه فرمان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر در دوران بیماری برای اقامه نماز ثابت نشد؛ بلکه عدم آن ثابت شده است. در این زمینه وجوه بی‌شماری است که اگر پژوهشگر و جستجوگر حقایق در این قضیّه بنگرد و آن را بررسی نماید، عدم ثبوت آن را از خلال کتاب‌های حدیثی، تاریخی و سیره به دست می‌آورد. وجوهی قوی و مورد اعتماد است که مجموع این وجوه می‌رساند که آن جریان از ریشه ساختگی

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۵

بوده است.

به عبارت دیگر، کسی که به ابوبکر امر کرد که در جایگاه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش نماز بخواند، پیامبر نبود؛ بلکه فرد دیگری بوده است.

ما برای آگاهی بیشتر پژوهشگران، آن وجوه را به اختصار ذکر می‌کنیم:

۱. ابوبکر در لشکر اسامه بود ... ص: ۱۱۵

به طور تحقیق، همه منابع اتّفاق نظر دارند که در آن ایّام سپاه اسامهٔ بن زید تشکیل یافته بود. در این راستا پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به بزرگان قوم؛ یعنی ابوبکر، عمر و ... فرمان داد که با او حرکت کنند. این امری ثابت و قطعی است.

ابن حجر عسقلانی در شرح بخاری، به این مطلب اعتراف کرده و با شرح عنوان «فرستادن پیامبر صلی اللَّه علیه وآله اسامهٔ بن زید رضی اللَّه عنهما را در دوران بیماریش که به سبب آن وفات یافت» مورد تأکید قرار می‌دهد.

وی می‌نویسد:

روز شنبه، دو روز پیش از وفات پیامبر، روز تجهیز لشکر و آماده‌سازی سپاه اسامه بود. روز سوم درد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آغاز

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۶

شد که آن حضرت پرچمی را به دست خود پیچید و به دست اسامه داد.

اسامه آن را گرفت و به بریده داد و در منطقه جَرَبْ اردو زد.

از کسانی که به سرعت به لشکر اسامه فرا خوانده شدند بزرگان مهاجرین و انصار بودند که از جمله آنان ابوبکر، عمر، ابوعبیده، سعد، سعید، قَتادهٔ بن نعمان و سلمهٔ بن اسلم بودند. گروهی در این باره به مخالفت پرداختند. سپس درد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت گرفت و فرمود:

أنفذوا بعث اسامهٔ.

لشکر اسامه را حرکت دهید.

این روایت از طریق واقدی، ابن سعد، ابن اسحاق، ابن جوزی، ابن عساکر و دیگران نقل شده است. «۱» ما این مطلب را از چند محور بررسی می‌نماییم:

۱. طبق این روایت، پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر فرمان داده است که همراه اسامه حرکت کند. آن حضرت در آخرین لحظه زندگی خویش فرمود:

---

(۱). فتح الباری: ۸/ ۱۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۷

أنفذوا- أو جهّزوا- بعث اسامهٔ.

لشکر اسامه را آماده سازید و حرکت دهید.

بلکه در بعضی از منابع آمده است که حضرتش فرمود:

لعن اللَّه من تخلّف عن بعث اسامهٔ.

خدا لعنت کند کسی را که از سپاه اسامه جا بماند و به آن نپیوندد. «۱» ۲. در بعضی از روایات به صراحت آمده است که ابوبکر در مدینه حضور نداشت. در سنن ابوداوود می‌نویسد: ابن زمعه گوید:

ابوبکر غایب بود؛ از این رو گفتم: ای عمر! بلند شو و برای مردم نماز بخوان.

۳. در بسیاری از متون حدیث، تعابیری همچون: «به دنبال ابوبکر فرستادیم» و مانند آن، آمده است که همین عبارات ظهور دارند که او غایب بود و در مدینه نبوده است.

در هر حال، پیامبری که اسامه را فرمانده لشکر کرد و حرکت داد

---

(۱). شرح المواقف: ۸/ ۳۷۶، الملل والنحل: ۱/ ۱۴۱، تألیف ابوالفتح شهرستانی، متوفّای سال ۴۵۸ ه. برای آگاهی از شرح حال اسامه و مدح وی ر. ك: وفیات الأعیان: ۱/ ۶۱۰، تذكرة الحفّاظ: ۴/ ۱۳۱۳، طبقات الشّافعیه سُبکی: ۶/ ۱۲۸، شذرات الذّهب: ۴/ ۱۴۹، مرآة الجنان: ۳/ ۲۸۹ و ۲۹۰ و منابع دیگر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۸

و بر حرکت کردنش تأکید کرد؛ بلکه متخلّفان از آن را لعنت نمود، حال به بعضی از همراهان اسامه که فرمان خروج داده، دوباره دستور نمی‌دهد که برای مردم نماز بخواند!

با توجّه به بررسی که انجام یافت، برای پژوهشگر روشن شد که هر گاه پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله در مدینه حضور نداشت و یا امکان حضور برای ایشان در نماز نبود، یکی از مسلمانان را جانشین خود می‌نمود، گرچه او ابن امّ مکتوم نابینا باشد.

۲. در صورت امکان، پیامبر به حضور در نماز پای بند بود ... ص: ۱۱۸

همان طور که پیش‌تر ذکر کردیم، پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فقط در حال خروج از مدینه و یا در حالی که توان انجام نماز را نداشت، کسی را به جای خود برای اقامه نماز منصوب می‌کرد و در غیر این دو صورت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله ملتزم و پای‌بند به حضور در نماز بود.

برخی از احادیث بیان‌گر این مطلب است که آن گاه که بیماری پیامبر سخت شد فرمود:

أصلّی الناس؟

آیا مردم نماز خوانده‌اند؟

عرض کردیم: نه، آن‌ها منتظر شما هستند.

فرمود: برایم آبی آماده کنید...

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۱۹

پس برای حضرتش آبی آماده کردند و وضو گرفتند. نزدیک بود به زمین بیفتند، پس بی‌هوش شدند. «۱» این حالت سه بار تکرار شد و در این حال بود که ابوبکر برای مردم نماز خواند. آیا به راستی این نماز به دستور پیامبر بود؟!

فراتر این که در برخی احادیث آمده است: هر گاه پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله به جهت مسئله‌ای بیرون نمی‌رفت، مسلمانان در خانه آن حضرت حاضر می‌شدند و پشت سر آن بزرگوار نماز می‌خواندند.

در این زمینه مسلم روایتی را از عایشه نقل می‌کند. عایشه گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد. گروهی از اصحابش وارد خانه شدند که از حضرتش عیادت کنند. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نشسته نماز می‌خواند و آن‌ها، در حالی که ایستاده بودند به آن حضرت اقتدا کردند. «۲» وی روایت دیگری را از جابر نقل می‌کند. جابر گوید:

---

(۱). گفتنی است که از نظر اعتقادی مورد بحث است که آیا پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله- به معنای واقعی کلمه- بی‌هوش می‌شود یا نه؟ در این رابطه بین علما و دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد که ما به آن نمی‌پردازیم و آن را که بحث عقیدتی است به جای خود موکول می‌نماییم.

(۲). صحیح مسلم: ۱/ ۳۹۱، کتاب نماز، باب اقتداء مأموم به امام، حدیث ۴۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۰

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیمار شد. ما پشت سر آن حضرت نماز خواندیم، در حالی که نشسته بود و ابوبکر نیز صدای تکبیر او را به مردم می‌رساند. «۱» احمد نیز در این زمینه روایتی را از عایشه نقل کرده است. عایشه گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش؛ در حالی که نشسته بود، نماز می‌خواند و گروهی پشت سرش ایستاده نماز می‌خواندند «... ۲» آری پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله برای حضور در مسجد و نماز برای مسلمانان پای‌بند بوده‌اند. شاهد این موضوع، مطلبی است که در بیشتر احادیث این قضیه آمده است؛ از جمله این که بلال آن حضرت را از وقت نماز آگاه می‌ساخت، و یا حضرتش را برای نماز فرا می‌خواند، چه این که هر گاه وقت نماز فرا می‌رسید، بلال به سوی پیامبر صلی اللَّه علیه وآله می‌آمد و آن حضرت را از وقت نماز آگاه می‌ساخت؛ سپس آن بزرگوار- که پدر و مادرم فدایشان باد- خودش- در هر حالی از احوال- برای نماز خارج می‌شد و برای مردم نماز می‌خواند.

---

(۱). صحیح مسلم: ۱/ ۳۹۱، کتاب نماز، باب اقتداء مأموم به امام، حدیث ۴۱۳.

(۲). مسند احمد: ۷/ ۸۶، حدیث عایشه، حدیث ۲۳۷۸۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۱

۳. پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله علی علیه السلام را خواست ... ص: ۱۲۱

طبق آن چه که در تاریخ آمده است، ابوبکر و دیگران در منطقه جرف بودند، «۱» پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله برای مسلمانان نماز می‌خواند و علی علیه السلام نزد آن حضرت بود؛ زیرا که هیچ کس ذکر نکرده است که آن بزرگوار به او فرمان حرکت با اسامه را داده باشد.

تا این که بیماری آن حضرت شدّت یافت و قادر به خارج شدن از خانه نبود. از این رو بلال عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! چه کسی برای مردم نماز بخواند؟ «۲» در این موقع بود که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله علی علیه السلام را خواست. و این گونه فرمود:

ابعثوا إلی علی فادعوه.

کسی را نزد علی بفرستید و او را فرا خوانید.

عایشه گفت: ابوبکر را برایتان صدا بزنیم؟

حفصه گفت: عمر را برایتان صدا بزنیم...؟

علی علیه السلام صدا زده نشد؛ ولی آن‌ها حاضر شدند و یا آن‌ها را احضار کردند [!] پس همگی نزد آن حضرت جمع شدند.

---

(۱)

. جرف: مکانی در بیرون مدینه که سپاه اسامه در آن جا اردو زده بودند.

(۲). مسند احمد: ۴/ ۶۰، مسند انس بن مالک، حدیث ۱۲۶۸۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۲

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

انصرفوا، فإن تک لی حاجة أبعث إلیکم.

بروید، اگر حاجتی داشتم در پی شما می‌فرستم.

آن‌ها رفتند. «۱» به طور قطع پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله علی علیه السلام را می‌خواست نه شخص دیگری از مردم را، و چگونه آنان را می‌خواست در حالی که به آن‌ها دستور داده بود که همراه اسامه حرکت کنند و حضرتش از دستور خود باز نگشته بود؟

۴. پیامبر اکرم دستور داد که یکی از مسلمانان برای آن‌ها نماز بخواند ... ص: ۱۲۲

بنا بر آن چه بیان شد، چون علی علیه السلام حضور نداشت و خودِ پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نیز توانایی حضور برای نماز را نداشت، و فرض این است که بزرگان و دیگران با لشکر اسامه رفته باشند؛ از این رو پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمان داد که یکی از آن‌ها برای مردم نماز بخواند. ابوداوود از ابن زمعه در این باره چنین نقل می‌کند. ابن زمعه گوید:

هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت و من با

---

(۱). تاریخ الطبری: ۲/ ۴۳۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۳

گروهی از مسلمانان نزد آن حضرت بودیم؛ بلال آن بزرگوار را برای نماز صدا زد.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

مروا من یصلّی بالناس. «۱»

کسی را دستور دهید که برای مردم نماز بخواند.

در حدیث دیگری که ابن سعد آن را از ابن زمعه نقل کرده این گونه آمده است: ابن زمعه گوید: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را در همان بیماری که به سبب آن وفات یافت، عیادت کردم. بلال آن حضرت را برای نماز صدا زد.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

مر النّاس فلیصلّوا.

به مردم دستور بده که نماز بخوانند.

عبداللَّه گوید: من خارج شدم. گروهی را دیدم که نمی‌خواهم درباره آن‌ها سخنی بگویم [!]. وقتی عمر بن خطاب را دیدم، دنبال شخص دیگری نرفتم و ابوبکر غایب بود. به او گفتم: ای عمر! برای مردم نماز بخوان.

عمر در جایگاه پیامبر ایستاد ... عمر گفت: فکر نمی‌کردم آن هنگام

---

(۱). سنن ابی داوود: ۲/ ۴۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۴

که تو به من دستور دادی جز این باشد که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله تو را به آن امر کرده باشد و اگر چنین نبود برای مردم نماز نمی‌خواندم.

عبداللَّه پاسخ داد: وقتی ابوبکر را ندیدم، تو را از دیگران به نماز شایسته‌تر دانستم [!] «۱» این قضیّه در روایت سالم بن عبید اشجعی این گونه آمده است:

سالم گوید:

هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شدّت یافت، بی‌هوش شد. هر وقت به هوش می‌آمد می‌فرمود:

مروا بلالًا فلیؤذّن، ومروا بلالًا فلیصلّ بالناس. «۲»

به بلال دستور دهید اذان بگوید، و به بلال دستور دهید برای مردم نماز بخواند.

البتّه پیش از این روشن شد که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، مؤذّن خود ابن امّ مکتوم را برای نماز بر مردم جانشین خود کرده بود.

---

(۱). الطبقات الکبری: ۲/ ۱۷۰.

(۲). بُغیهٔ الطّلب فی تاریخ حلب: ۹/ ۴۱۵۲، تألیف کمال الدّین ابن عدیم حنفی، متوفای سال ۶۶۰ ه. شرح حال او را ذهبی، یافعی و ابن عماد در کتاب‌های تاریخی خود آورده‌انـد و او را تمجیـد کرده‌اند. و ابن شاکر کتبی در مورد او می‌نویسد: «او محدّثی فاضل و حافظ و مورّخی صادق و فقیه و فتوادهنده‌ای نوآور، بلیغ و نویسنده‌ای توانا بود»؛ فوات الوفیات: ۳/ ۱۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۵

۵. گفتار پیامبر اکرم به عایشه و حفصه ... ص: ۱۲۵

در احـادیثی که این داسـتان آمـده، پیـامبر خـدا صـلی اللَّه علیه وآله در پی اصـرار شدیـد عـایشه و حفصه به آن‌ها این گونه خطاب فرمود:

إنّکنّ لصویحبات یوسف.

شما همچون زنان مصر در زمان یوسف، در پی خواسته‌های خودتان هستید!

این موضوع بیان‌گر این است که از این دو زن- با اصـرار شدید و کوشـش بیش از حد- عملی سر زده که پیامبر آن را نمی‌پسندید.

به راستی چه عملی از آنان سر زده بوده؟ و چه وقت چنین کاری اتّفاق افتاده است؟

این روایت را ملاحظه کنید.

هنگامی که پیامبر اکرم صـلی اللَّه علیه وآله از حضور برای نماز ناتوان شد و علی علیه السـلام را خواست، خواسـته حضـرتش عملی نشـد؛ بلکه آن دو زن پافشاری و اصـرار کردنـد که ابوبکر و عمر را صـدا بزنند؛ حضـرتش دسـتور داد که شخصـی برای مردم نماز بخوانـد- البتّه فرض این است که آن بزرگان در سپاه اسامه بودند- در این حال پیامبر بی‌هوش شد- همان طور که در حدیث آمده است- و به هوش نیامد، مگر وقتی که مردم در مسجد بودند و ابوبکر برای آن‌ها نماز می‌خواند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۶

وقتی آن بزرگوار فهمید که آن دو زن بر کاری که اصرار داشتند اقدام کرده‌اند، خطاب به آن‌ها فرمود:

إنّکنّ لصویحبات یوسف!

شما همچون زنان مصر در زمان یوسف در پی خواسته‌های خودتان هستید.

آن گاه با شتاب به خروج از خانه، در حالی که به دو مرد تکیه کرده بود مبادرت کرد و پاهای مبارکش روی زمین کشیده می‌شد.

گفتنی است که این روایت به طور مفصّل بیان خواهد شد.

در این روایت پیامبر خدا صـلی اللَّه علیه وآله، حال آن دو زن را به حال زنان مصر در زمان یوسف علیه السلام تشبیه کرده است. از این تشبیه معلوم می‌شود که در باطن آن‌ها چه بوده است. همچنین از این روایت اسـتفاده می‌شود که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله از عمل آن زنان راضی نبوده است. افزون بر این که حضرتش شخصاً برای نماز خارج شد...

بنا بر این اگر آن حضـرت همان کسـی باشـد که به ابوبکر دسـتور داد نماز بخوانـد، نبایـد آن دو زن را سـرزنش می‌کرد و نبایـد به

خروج از خانه با آن حال مبادرت می‌ورزید.

با این حال شارحان حدیث- همان‌هایی که نمی‌خواهند به این حقیقت اعتراف کنند- در شرح این سخن و مناسبت آن با این مقام،

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۷

مضطرب شده و سخنان گوناگون گفته‌اند.

ابن حجر عسقلانی این حقیقت را این گونه توجیه می‌کند و می‌گوید:

عایشه اظهار می‌داشت که علّت این که می‌خواست امامت نماز را از پدرش دور کند این بود که او به خاطر گریه نمی‌توانست صدایش را به گوش مأمومین برساند [!]

افزون بر این، هدف عایشه این بود که مردم او را شوم و بدقدم ندانند. چرا که وی بعدها به صراحت این مطلب را مطرح کرده است. با این بیان، اشکال کسی را که می‌گوید: «از زنان یوسف آن چیزی که مخالف باطن باشد، سر نزد و آشکار نشد» دفع می‌شود. «۱» بدیهی است که سخن ابن حجر سرد و توجیه او فاسد است. برای بطلان این توجیه، سه دلیل بیان می‌کنیم:

دلیل یکم:

طبق این روایت، عایشه گفت: «ابوبکر مردی دل نازک است؛ پس به عمر دستور دهید که برای مردم نماز بخواند» وبا این گفتار، به مخالفت با پیامبر صلی اللَّه علیه وآله و ردّ کردن فرمایش آن حضرت اعتراف

---

(۱). فتح الباری: ۲/ ۱۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۸

کرده است، به گونه‌ای که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله آن را تحمّل نکرد و در برابر او این سخن را فرمود.

دلیل دوم:

این توجیه با فصاحت و حکمت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله تناسبی ندارد؛ زیرا پیامبر صلی اللَّه علیه وآله هیچ وقت چیزی را به خلاف آن تشبیه نمی‌کرد و چیزی را به ضدش مانند نمی‌نمود؛ بلکه حضرتش همواره تشبیه را فقط در جای خودش قرار می‌داد. بنا بر این، تردیدی نیست که زنان مصر در زمان یوسف خدا را عصیان کردند؛ چرا که هر کدام از آنان از یوسف آن چیزی را می‌خواست که دیگری هم می‌خواست، و هر کدام از آنان که مجذوب او شد، دیگری نیز مجذوب وی شد.

بنا بر این اگر عایشه، در این مورد پدرش را از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله دور می‌کرد و شرف آن مقام ارزشمند را برای او نمی‌خواست و به محبّت ریاست و مقام والا فریفته نمی‌شد، قطعاً پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در تشبیه او به زنانِ مصر در زمان یوسف، مَثَل و تشبیه را در غیر جای خودش قرار داده بود، در حالی که مقام و شأن پیامبر صلی اللَّه علیه وآله والاتر از این است؛ زیرا که چنین امری یک نقص به شمار می‌آید.

پس در این جا ثابت می‌شود که آن چه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود، فقط به خاطر مخالفت عایشه بود که بی‌اجازه آن حضرت به پدر خود

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۲۹

دستور داده بود؛ زیرا که- همان گونه که پیش‌تر در بیان گوشه‌ای از احوالات عایشه آوردیم- او فریفته حبّ قدرت و علاقمند به کسب فضایل و اختصاص دادن مناقب به خود و خانواده‌اش بود.

دلیل سوم:

در برخی از اخبار آمده است: هنگامی که عایشه گفت: «ابوبکر مردی رقیق القلب است؛ پس به عمر دستور بده»، پیامبر صلی اللَّه

علیه وآله به آن سخن پاسخ نداد؛ بلکه فرمود: «به عمر دستور دهید». «۱» از این روایت روشن می‌شود که علّت این مطلب، سخن عایشه نبوده که گفت: «ابوبکر مردی دل نازک است».

یکی دیگر از شارحان این حدیث نَوَوی است. وی در شرح این سخن و توجیه آن چنین می‌نویسد:

منظور پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله از تشبیه آنان به زنان مصر در زمان یوسف این است که شما زنان در کمک کردن به یکدیگر و اصرار زیاد بر آن چه به آن تمایل دارید، همانند زنان مصر هستید.

و این سؤال و جواب و اعتراض عایشه با پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، دلیلی است بر این که اعتراض و سؤال و جواب با ولی امر به عنوان

---

(۱). تاریخ الطبری: ۲/ ۴۳۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۰

پیشنهاد، مشورت دادن و اشاره به آن چه که مصلحت به نظر می‌رسد با عبارت لطیفی جایز باشد.

البتّه نظیر این اعتراض، اعتراض عمر به پیامبر صلی اللَّه علیه وآله است [!] که به آن حضرت گفت: به مردم مژده و بشارت نده که بر این مژده تو تکیه کنند و دل‌خوش شوند [!] نظیر این اعتراض‌ها در تاریخ زیاد و مشهور است. «۱» همان گونه که ملاحظه می کنید، این توجیه از توجیه ابن حجر عسقلانی سبک‌تر و بی‌ارزش‌تر است، و پاسخ آن از آن چه که در توجیه پیشین ذکر کردیم ظاهر می‌شود. عجیب این که نَوَوی در توجیه کار عایشه به عمل عمر و مخالفت او با رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در مواردی بسیار استشهاد کرده است [!]

ما پیش‌تر گفتیم توجیهاتی که با تکلّف و زحمت در بیان وجه مناسبت (گفته پیامبر درباره عایشه) ذکر کرده‌اند، کامل و تمام نیست.

این مطلب را عملکرد بعضی از اهل تسنّن تأکید می کند که افرادی همچون: ابن عربی مالکی برای رهایی از آن، به تحریفِ حدیث متوسّل می‌شوند تا این مناسبت تحقّق یابد؛ زیرا با تحریف او این مناسبت به

---

(۱). المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۴/ ۱۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۱

روشنی محقّق می گردد؛ ولی سخن در تحریفی است که او انجام داده است. البتّه ما به زودی عین عبارت او را ذکر خواهیم کرد. پس منتظر باشید.

۶. ابوبکر عمر را بر خود مقدّم داشت ... ص: ۱۳۱

از مواردی که کذب این قضیّه را می‌رساند این است که در بعضی از آن احادیث آمده است: ابوبکر، عمر را برای نماز بر خود مقدم داشت؛ بلکه ابن حجر می‌نویسد: اصرار عایشه، به درخواست پدرش ابوبکر بود «۱» و این سخن ابوبکر- که به عمر گفت: «برای مردم نماز بخوان» - مورد اشکال واقع شده است؛ زیرا اگر امر کننده به نمازِ ابوبکر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله است؛ پس چگونه ابوبکر به عمر می گوید: برای مردم نماز بخوان؟ به همین رو علمای اهل تسنّن برای توجیه آن وجوهی را ذکر کرده‌اند:

نخستین توجیه این است که برخی از علمای اهل تسنّن این سخن را چنین تأویل کرده‌اند که ابوبکر به خاطر تواضع آن را گفته است!

دومین توجیه را نَوَوی- پس از ردّ توجیه نخست- این گونه ارائه

(۱). فتح الباری: ۲/ ۱۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۲

می‌نماید: آری ابوبکر آن سخن را به خاطر عذر مذکور گفت؛ یعنی او چون دل نازك بود که زیاد گریه می‌کرد، ترسید که نتواند صدایش را به مردم برساند!

توجیه سوم: احتمالی است که ابن حجر داده است که ابوبکر از امامت صغری، به امامت عظمی پی برد و آن را فهمید، و دانست که به عهده گرفتن آن چه خطری دارد و متوجّه شد که عمر توانایی بر آن را دارد از این رو او را برگزید [!] «۱» کرمانی پس از نقل این توجیهات می‌نویسد: اگر کسی بپرسد:

چگونه برای ابوبکر جایز است که با امر رسول صلی اللَّه علیه وآله مخالفت کند و دیگری را برای امامت نصب نماید؟!

در پاسخ می‌گویم: گویی ابوبکر فهمیده بود که دستور پیامبر واجب نبوده است، یا این که ابوبکر، به خاطر عذری که ذکر شد آن سخن را گفته و عذرش این بود که او مردی دل نازك بود و زیاد گریه می‌کرد و نمی‌توانست جلوی اشکش را بگیرد. برخی دیگر از علما سخن ابوبکر را این گونه تأویل کرده‌اند که او به خاطر تواضعی که داشته این گونه گفته است. «۲»

(۱). فتح الباری: ۲/ ۱۹۵.

(۲). الکواکب الدّراری: ۵/ ۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۳

در پاسخ این توجیهات می‌گوییم: توجیه نخست، همان تأویل است و همین گونه اهل سنّت سخن ابوبکر را تأویل کرده‌اند، آن جا که به هنگام پذیرش خلافت و بیعت مردم گفت: «به ولایت شما گمارده شده‌ام؛ ولی از شما بهتر نیستم»؛ «۱» ولی همان گونه که ملاحظه می‌کنی، این توجیه، تأویلی است که هیچ آدم عاقلی به آن پای‌بند نمی‌شود؛ از این رو نَوَوی آن را رد کرده و می‌گوید: «چنین نیست».

در مورد توجیه دوم، ملاحظه کردی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در جواب این کلام عایشه چه سخنی فرمود.

توجیه سوم، ظریف‌ترین و بهترین توجیهات است؛ چرا که احتمال دارد که ابوبکر امامت عظمی! را فهمیده! و از آن خطری که در به عهده گرفتن آن وجود داشته آگاهی داشته! و توانایی عمر را می‌دانسته و او را انتخاب کرده است؛ ولی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله توانایی عمر را نمی‌دانسته! به همین جهت او را انتخاب نکرده است! حال اگر ابوبکر چنین توانایی را در عمر سراغ داشت؛ در نتیجه عمر از او برتر و برای امامت عظمی شایسته‌تر بود.

ولی بهترین و مناسب‌ترین وجه این است که ابوبکر خوب

(۱). الطبقات الکبری: ۳/ ۱۳۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۴

می‌دانست که این فرمان از طرف پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نبوده و عمر نیز از این موضوع به خوبی آگاه بود؛ به همین جهت عمر در پاسخ ابوبکر گفت: «تو بر آن کار شایسته‌تری» و ابوبکر نیز به عمر گفت: «تو برای مردم نماز بخوان». این گفت و گو و تعارف همانند سخنی است که ابوبکر در سقیفه رو به حاضران کرد و گفت: با هر یك از دو مرد که می‌خواهید- عمر و ابو عبیده- بیعت

کنید!

۷. پیامبر خدا با تکیه بر دو نفر از خانه خارج شد ... ص: ۱۳۴

با توجّه به متونی که در این داستان آمده، گرچه در برخی از الفاظِ حدیث درباره خروج پیامبر صلی اللَّه علیه وآله برای نماز اصلًا سخنی به میان نیامده و در بعضی از آن‌ها، بدون ذکر چگونگی خروج فقط به آن اشاره شده است، ولی در روایت مفصّلی که عبیداللَّه از عایشه نقل کرده که از عایشه خواست که از بیماری رسول خدا او را باخبر سازد، چنین آمده است:

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی کرد و در حالی که بین دو مرد که یکی از آن‌ها عبّاس بود تکیه کرده بود خارج شد.

در حدیث دیگری از عایشه آمده است:

پیامبر در حالی که به دو مرد تکیه داده بود از خانه خارج شد، گویی می‌دیدم که پاهای آن حضرت به زمین کشیده می‌شود.

و در حدیث سوم این گونه آمده است:

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۵

وقتی ابوبکر نماز را شروع کرد، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی کرد، در حالی که به دو مرد تکیه داده بود برخاست و پاهایش روی زمین کشیده می‌شد تا این که وارد مسجد شد.

و در حدیث چهارم آمده است:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی کرد؛ سپس از خانه خارج شد، در حالی که ابوبکر برای مردم امامت می‌کرد.

و در حدیث پنجم می‌خوانیم:

ابوبکر خارج شد تا برای مردم نماز بخواند. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی کرد و در حالی که به دو مرد تکیه کرده بود و پاهایش روی زمین کشیده می‌شد، از خانه خارج شد.

با عنایت به این روایات، توجّه محققین را به نکاتی جلب کرده و پرسش‌هایی را می‌پرسیم:

۱. چه وقت ابوبکر برای نماز خارج شد؟

ابوبکر هنگامی برای نماز خارج شد که پیامبر در حال بی‌هوشی بود؛ زیرا وقتی پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در خود احساس سبکی کرد، در حالی که بر دو مرد تکیه کرده بود، از خانه خارج شد.

۲. چه موقع رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از خانه خارج شد؟

طبق این روایات، پیامبر صلی اللَّه علیه وآله هنگامی از خانه خارج شد

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۶

که ابوبکر مشغول نماز شده بود؛ پس آیا سبکی که آن حضرت در آن لحظات در خود احساس کرد تصادفی بود، به این که خود را برای خارج شدن توانا دید و بر اساس عادت خارج شد؟ یا این که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله زمانی خارج شد که فهمید ابوبکر نماز می‌خواند، یا کسی او را از این امر آگاه ساخت، یا صدای ابوبکر را شنید؟

البتّه از لحاظ نتیجه هیچ فرقی بین این دو وجه نیست؛ زیرا که اگر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله ابوبکر را به نماز در جای خودش فرمان داده بود، دیگر برای چه- با وجود حالی که روایات آن را توصیف کرده‌اند- به خروج مبادرت ورزید؟!

۳. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله چگونه خارج شد؟

بنا بر آن چه در این روایات آمده است، پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله توان راه رفتن به تنهایی و بدون کمک کسی را نداشت، حتّی یک نفر برای کمک به آن حضرت کافی نبود؛ بلکه آن بزرگوار در حالی که بر دو مرد تکیه کرده بود خارج شد؛ بلکه آن دو نفر نیز کافی نبودند؛ زیرا دو پای مبارکش روی زمین کشیده می‌شد. بدیهی است که چنین خروجی فقط به خاطر امر مهمّی است که برای اسلام و مسلمانان اهمیّت دارد، وگرنه آن حضرت از خارج شدن برای نماز جماعت عذر داشته، همان گونه که روشن است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۷

بنا بر این اگر ابوبکر به فرمان آن حضرت برای نماز خارج شده، حضرتش آمد تا او را عزل کند، آن سان که در قضیّه ابلاغ سوره توبه اتّفاق افتاد که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر دستور ابلاغ آن سوره را داد سپس به عزلش فرمان داد. این قضیّه از جریاناتی است که همه به آن اتّفاق نظر دارند؛ ولی امر به نماز- به خاطر وجوهی که ذکر کردیم- به فرمان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نبوده است.

۴. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بر چه کسانی تکیه کرده بود؟

با توجّه به روایاتی که نقل شده است، متونی که درباره کسانی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بر آن‌ها تکیه کرده بود، با وجود اتّفاق نظر بر دو نفر بودن آن‌ها، مختلف است. در روایتی آمده است: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله بر دو مرد تکیه کرده بود که یکی از آن‌ها عبّاس بود.

در روایت دیگری می‌خوانیم: آن حضرت به دو مرد تکیه کرده بود.

در متن دیگری چنین آمده است: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

کسی را برایم بیاورید تا بر او تکیه کنم. در این هنگام بریره آمد، و مرد دیگری که پیامبر به آن دو تکیه کرد.

البتّه در این باره روایاتی وجود دارد که در آن‌ها اسامی اشخاص دیگری آمده است و با توجّه به این اختلافات، سخنان شارحان نیز

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۸

مضطرب و مختلف شده است.

نَوَوی در شرح این فراز که «پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از خانه خارج شد، در حالی که بین دو مرد بود که یکی از آن دو عبّاس بود» می‌نویسد:

ابن عبّاس آن فرد دیگر را به علی بن ابی طالب تفسیر کرده است.

در روایت دیگر آمده است: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله از خانه خارج شد در حالی که دستش روی مردی دیگر بود. و در روایتی که جز مسلم نقل کرده‌اند آمده است: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در حالی خارج شد که بین دو مرد بود که یکی از آن دو اسامة بن زید بود.

البتّه راه هماهنگ کردن و جمع نمودن این روایت‌ها با یکدیگر این گونه است: آن‌ها به نوبت دست مبارک پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله را می‌گرفتند، یک بار این و بار دیگر آن و آن دیگری، و در این کار با یکدیگر رقابت می‌کردند. اینان همان مردان بزرگی از خاصّان اهل بیت آن حضرت بودند و عبّاس بیشتر ملازم آن حضرت بود و دست مبارکش را می‌گرفت. و یا این که یک دست مبارک حضرتش را می‌گرفت و دیگران به نوبت دست دیگر آن حضرت را می‌گرفتند و به جهت سن عباس و این که عموی آن حضرت بود و علّت‌های دیگر، او را این گونه گرامی داشتند که دائم دست پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در دست او بود. به همین خاطر عایشه او را با اسم یاد کرده و مرد دیگر را

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۳۹

مبهم آورده است [!] زیرا هیچ یک از سه نفر در تمام راه و در بیشتر آن با پیامبر صلی اللَّه علیه وآله همراه نبودند، بر خلاف عباس. واللَّه اعلم. «۱» این قضیّه را شارح بخاری نیز به گونه دیگر نقل کرده است. وی می‌نویسد:

در خبر دیگری که نزد ابن خُزَیمه از سالم بن عبید نقل شده آمده است: در این هنگام بریره و مردی دیگر را آوردند و پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به آن دو تکیه کرد و برای نماز خارج شد. «۲» ملاحظه می‌کنید که در تمامی این سندها «مرد دیگر» ذکر نشده است. از این رو نَوَوی ناگزیر شده که توجیهی برای آن ذکر کند. وی راه جمع بین روایات را بیان کرده تا هیچ یک از آن‌ها از اعتبار ساقط نشود! بعد از این که معلوم است که این قضیّه، یک قضیّه بیش نبوده است.

ابوحاتم این قضیّه را چنین روایت کرده است:

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در حالی از خانه خارج شد که در میان دو زن بود.

آن گاه ابوحاتم این دو روایت را این گونه جمع کرده است:

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در حالی که بین دو زن تکیه کرده بود تا درِ خانه

---

(۱). المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۴/ ۱۱۷.

(۲). عمدة القاری: ۵/ ۱۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۰

آمد، و از دمِ در، علی علیه السلام و عبّاس آن حضرت را گرفتند و به داخل مسجد بردند. «۱» امّا روایت خروج پیامبر بین دو زن، خطایی است که از ذهبی نیز صادر شده است. «۲» عینی (شارح بخاری) با تعبیر «و بعضی از مردم گمان کردند» به جمعی که نَوَوی برگزیده اشاره کرده و پس از اشکال بر آن می‌گوید: بین مسجد و خانه پیامبر فاصله‌ای نبود که نیازی به نوبت‌بندی باشد.

آن گاه اشکال را این گونه پاسخ می‌دهد: احتمال دارد که نوبت‌بندی به جهت زیادی احترام به پیامبر صلی اللَّه علیه وآله و یا برای تبرّک جستن از دست مبارکش باشد. «۳» از عبارت عینی (و بعضی از مردم گمان کردند)؛ همچنین از اشکال و جواب وی، احساس می‌کنیم که او توجیه نَوَوی را نپسندیده است. ابن حجر نیز سخن نَوَوی را نپسندیده و همان گونه که به زودی بیان خواهیم کرد، ابن حجر سخن نَوَوی را ردّ می‌کند، آن جا که از معمّر روایت

---

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۱۸۸.

(۲). همان: ۱۹۰.

(۳). همان: ۱۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۱

می‌کند که «عایشه از او (امیرالمؤمنین علیه السلام) دل خوشی نداشت».

و آن جا که از زُهْری روایت می‌کند که می‌گوید: «ولی عایشه نمی‌توانست از او (امیرالمؤمنین علیه السلام) به خوبی یاد کند».

حقیقت مطلب

بعد از نقل توجیهات گوناگون از شارحان روایت، روشن می‌شود که حقیقت امر این است که این قضیّه، یک قضیّه بیش نیست، و منظور از «مرد دیگر» همان علی علیه السلام است «ولی عایشه نمی‌توانست از او به خوبی یاد کند». بنا بر این اشکال توجیه نَوَوی روشن شد.

عینی نیز روایت معمّر و زُهْری را ذکر کرده و می‌گوید:

«یکی از علما گوید: این روایت در ردّ کسانی است که پنداشتند عایشه فرد دوم را مبهم بیان کرده؛ زیرا که دستگیری آن فرد در تمام راه و در بخش زیادی از آن، معیّن نبوده است».

عینی در ادامه گوید: او با این کلام، به ردّ بر توجیه نَوَوی اشاره کرده، ولی به خاطر توجّه به او و دفاع از او، نامش را به صراحت بیان نکرده است. «۱»

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۱۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۲

در پاسخ این توجیه می‌گوییم: عینی نیز نه اسم گوینده مطلب را ذکر کرده، در حالی که او همان ابن حجر است، و نه عین عبارتش را؛ چرا که آن جمله شدّت و حِدّت داشت. البتّه ما آن را به طور کامل ذکر خواهیم کرد.

از طرفی عینی، علاوه بر این که به نام نَوَوی تصریح نکرده، به نام کرمانی نیز تصریح ننموده است، و فقط در این جا به این مطلب اکتفا کرده و گوید: «تحقیر و عداوتی در کار نبود و عایشه مبرّای از این است» «۱».

اکنون عبارت عینی را بعد از دو روایت معمّر و زُهْری نقل می‌نماییم. وی می‌نویسد:

«این مطلب در ردّ کسی است که با زیرکی می‌گوید: جایز نیست که در مورد عایشه این گونه گمان شود. همچنین در ردّ کسی است که گمان می‌کند که عایشه فرد دوم را مبهم آورده؛ چرا که در تمام مسیر یک فرد معینی نبوده، بلکه به نوبت عوض می‌شدند و در همه آن مسیر نیز مرد دیگر همان عبّاس بود، و این ویژگی نیز به خاطر تکریم و بزرگداشت او بود. و این سخن توهّمی بیش نیست و حقیقت، خلاف آن است؛ زیرا عبّاس در همه روایاتِ صحیح اعتراف کرده که فرد

(۱). الکواکب الدّراری: ۵/ ۵۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۳

نامعیّن، همان علی علیه السلام است؛ پس سخن او مورد قبول است و خدا داناتر است». «۱» روشن است که تعصّب گروهی از اهل تسنّن به عایشه، وادارشان می‌کند که آن چه در روایت معمّر و زُهْری آمده است منکر شوند.

ابن حجر با صحیح دانستن آن انکار، در پاسخ آنان می‌گوید: کرمانی از این مطلبِ اضافه آگاهی نداشته است، به همین جهت از آن با عبارت زشتی تعبیر کرده است. «۲»

۸. حدیث نماز پیامبر پشت سرِ ابوبکر ...! ص: ۱۴۳

یکی دیگر از وجوه کذب داستان نماز ابوبکر به فرمان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، حدیثی است که در این راستا ساخته شده است. در این حدیث آمده است که پیامبر به ابوبکر اقتدا کرد! این حدیث علاوه بر این که از ریشه کذب و دروغ است- همان طور که خواهد آمد- دلیل دیگری است که اصل قضیّه- یعنی دستور پیامبر به ابوبکر برای نماز- دروغی بیش نیست. البتّه ما در مراحل بعدی آن را توضیح خواهیم داد.

(۱). فتح الباری: ۲/ ۱۹۸.

(۲). همان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۴

۹. فردی که قرائت بهتری دارد واجب است مقدّم شود ... ص: ۱۴۴

با توجّه به این که در فقه بیان شده که اگر دو فرد امام جماعت باشند، باید فردی که قرائت بهتری دارد مقدّم شود؛ بنا بر این حدیث امر به نماز از طرف پیامبر صلی اللّه علیه وآله، با آن چه که از آن حضرت ثابت شده که اگر همه در قرائت مساوی باشند، باید کسی که قرائت بهتری دارد مقدّم شود، منافات دارد. در این زمینه در کتاب‌های صحیح، احادیث زیادی نقل شده که بیان‌گر این معنا هستند. بخاری بخشی را با عنوان «باب آن گاه که نمازگزاران در قرائت مساوی باشند، باید مسن‌ترین آن‌ها امامت کند» «۱» مطرح کرده است.

منافات بدین جهت است که به اتّفاق علما، قرائت ابوبکر از همه بهتر نبوده است و همین مورد نیز از موارد مشکلی است که گفتار علما و دانشمندان در مورد آن مضطرب و دگرگون است.

عینی، شارح بخاری در این زمینه می‌نویسد: علما و دانشمندان درباره این که چه کسی به امامت شایسته‌تر است اختلاف نظر دارند. گروهی گفته‌اند: «فقیه‌ترین آن‌ها». ابوحنیفه، مالک و بیشتر علما بر این باورند.

---

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۴۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۵

گروهی دیگر همچون: ابویوسف، احمد بن حنبل و اسحاق گفته‌اند: «آن که قرائتش از همه بهتر است».

آن گاه عینی از این اشکال این گونه جواب می‌دهد: این دو مطلب با هم متعارض نیستند؛ زیرا به زحمت می‌توان یک قاری پیدا کرد که فقیه نباشد.

وی در ادامه می‌گوید: برخی از علما این گونه پاسخ داده‌اند:

انتخاب کسی که قرائتش از همه بهتر است، مربوط به امام جماعت صدر اسلام است. «۱» ابن حجر عسقلانی نیز در این زمینه اظهار نظر کرده است. وی در شرح صحیح بخاری می‌گوید:

این عنوان برگرفته از حدیثی است که مسلم از روایت ابومسعود انصاری- که به صورت مرفوعه نقل کرده است- آورده است.

ابن ابی حاتم در کتاب علل از پدرش نقل می‌کند که شعبه در صحّت این حدیث توقّف می‌کرد؛ ولی این حدیث به طور خلاصه- طبق نظر بخاری- شایستگی استدلال دارد. از طرفی در این حدیث، برخی کلمه «اقرء» را به «افقه» تفسیر کرده‌اند. یعنی کسی که فقاهت او بهتر است

---

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۲۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۶

و برخی دیگر این کلمه را بر ظاهر آن- که همان بهتر بودن قرائت است- باقی گذاشته‌اند.

و به حسب همین اختلافات، فقها نیز در این مورد اختلاف نظر دارند. نَوَوی گوید: اصحاب ما گویند: فقیه‌ترین فرد بر کسی که قرائت بهتری دارد مقدم می‌شود و به همین جهت پیامبر صلی اللّه علیه وآله ابوبکر را برای نماز از دیگران مقدم داشت، با این که پیامبر تصریح کرد که دیگران از او قرائت بهتری دارند.

ابن حجر می‌افزاید: گویی منظور نَوَوی از این تصریح، حدیث «أقرؤکم أُبَی؛ بهترین قاری شما ابیّ بن کعب است»، می‌باشد. آن گاه نَوَوی گوید: از این حدیث به این صورت پاسخ داده‌اند که بهترین قاری از صحابه همان فقیه‌ترین بوده است.

ابن حجر در ادامه می‌نویسد: از این جواب نَوَوی لازم می‌آید کسی که پیامبر صلی اللّه علیه وآله تصریح کرده که در قرائت از ابوبکر بهتر است، در فقه نیز از ابوبکر فقیه‌تر باشد؛ در نتیجه استدلال به مقدم داشتن ابوبکر به جهت افقه بودنش، فاسد و باطل می‌شود.

ابن حجر در ادامه می‌افزاید: آن گاه نَوَوی پس از این مطلب می گوید: این که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله در حدیث ابومسعود فرموده که «اگر نمازگزاران در قرائت مساوی بودند؛ پس عالم‌ترین آن‌ها به

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۷

سنّت امام شود، و اگر در سنّت نیز مساوی بودند، پیشی گیرنده‌ترین آن‌ها در هجرت امام شود» بیان‌گر این است که به طور مطلق باید کسی که قرائت بهتری دارد، مقدّم شود.

ابن حجر پس از نقل سخن نَوَوی می گوید: این مطلب واضح است؛ چرا که دو سخن مغایرت دارند. «۱»

بررسی اقوال دگرگون ... ص: ۱۴۷

آری، اختلافات و چاره‌جویی‌هایی را که علمای اهل تسنّن در این موضوع ارائه داده‌اند خوب ملاحظه کنید. همه این چاره‌جویی‌ها بهترین دلیل بر ناتوانی آن‌ها در حل اشکال است، وگرنه چه وجهی وجود دارد که حدیث «پیش نماز کردن بهترین قاری» فقط بر صدر اسلام حمل شود؟! یا برای چه حدیث بر افقه بودن حمل شود؟! و آیا به راستی ابوبکر افقه بود؟!

امّا وجه دیگری را نَوَوی به اصحابش نسبت داده است که ابن حجر آن را ردّ کرده است و در نتیجه خواهیم دید که همان اصحاب، یا به وجوب تقدیم بهترین قاری اعتراف می کنند یا ساکت می‌مانند!

به تحقیق آن چه که در دو کتاب بخاری و مسلم در آن اتّفاق نظر

---

(۱). فتح الباری: ۲/ ۲۱۷ و ۲۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۸

شده این است که پیامبر صلی اللّه علیه وآله در آن نماز، امام جماعت بود. در دیگر منابع نیز این گونه آمده است...

این نخستین گروه از روایاتی است که به این مطلب تصریح کرده‌اند.

در گروه دیگری از روایات امام جماعت بودن رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به صورت اجمال نقل شده است؛ مانند حدیث نَسائی که در آن آمده است:

پیامبر صلی اللّه علیه وآله جلوی ابوبکر بود و نشسته نماز خواند، و ابوبکر برای مردم نماز می‌خواند و مردم پشت سر ابوبکر بودند.

در روایت دیگری که ابن ماجه نقل می کند چنین است:

سپس رسول خدا صلی اللّه علیه وآله آمد و کنار ابوبکر نشست تا ابوبکر نمازش را تمام کرد.

گروه سوم روایاتی هستند که پیرامون نماز خواندن پیامبر پشت سر ابوبکر ظاهر یا صریح هستند؛ مانند حدیث نَسائی و احمد که چنین نقل می کنند:

همانا ابوبکر برای مردم نماز خواند، در حالی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در صف نمازگزاران بود [!]

در حدیث احمد بن حنبل آمده است:

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۴۹

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله پشت سر ابوبکر در حال نشسته نماز خواند [!]

و همچنین از او چنین آمده است: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، در حال نشسته پشت سر ابوبکر نماز خواند [!]

و همین جهت‌های متفاوت برای شارحان مشکل ایجاد کرده است، به گونه‌ای که گفتارشان مضطرب و دگرگون و اقوالشان مختلف و متفاوت شده است. ابن حجر به این روایات اشاره کرده و می گوید:

اختلاف در این روایات شدید است. «۱» در این راستا، ابن جوزی و گروهی دیگر، روایاتی را که نشان می‌دهد پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله پشت سر ابوبکر نماز خوانده است- با توجّه به ضعف سندشان، و اعراض بخاری و مسلم از نقل آن‌ها- بی‌اعتبار دانسته‌اند. «۲» ابن عبدالبرّ گوید: طبق روایات صحیح پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در نماز امام جماعت بود. «۳»

---

(۱). فتح الباری: ۲/ ۱۹۷.

(۲). ابن جوزی رساله‌ای در این باب دارد که آن را «آفت اصحاب حدیث» نام نهاده. ما آن را برای نخستین بار با مقدمه و پاورقی‌هایی مهم در سال ۱۳۹۸ ه منتشر کردیم.

(۳). عمدة القاری: ۵/ ۱۹۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۰

نَوَوی شارح صحیح مسلم می‌نویسد:

گرچه بنا بر پندار برخی از علما، ابوبکر پیش نماز بود و پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به او اقتدا کرد؛ ولی درست این است که پیامبر پیش‌نماز بود. این مطلب را مسلم نیز ذکر کرده است. «۱» ما این قول را از دو محور مورد اشکال قرار می‌دهیم:

۱. اگر دلیل ردّ این روایت ضعف سند باشد؛ پس روشن شد که همه روایاتی که بیان‌گر فرمان پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به ابوبکر برای نماز هستند ضعیفند.

۲. اگر دلیل ردّ آن روی گردانی بخاری و مسلم است؛ پس نزد محقّقان ثابت شده که روی گردانی آن دو از حدیث، موجب ضعف آن نمی‌شود؛ هم چنان که نقل کردن حدیث توسّط آن دو نیز موجب پذیرش آن نخواهد بود.

آری، هم مخالفانِ ابن جوزی و هم طرفدارانش این مطلب را قبول دارند.

در مقابل قول نخست، عبدالمغیث بن زهیر و گروهی دیگر می گویند: با توجّه به احادیث صریح در این مطلب، ابوبکر

---

(۱). المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۴/ ۱۱۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۱

امام جماعت بود.

ضیاء مَقْدِسی و ابن ناصر می گویند: هم صحیح است و هم ثابت شده که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در دوران بیماریش- که به سبب آن وفات یافت- سه بار پشت سر ابوبکر نماز خواند، در حالی که به او اقتدا کرده بود [!] این مطلب را جز نادانی که هیچ علمی به روایت ندارد انکار نمی کند. «۱» اشکال این قول این است که جدّاً این احادیث، احادیث بسیار ضعیفی هستند و مهم‌ترین حدیثی که در این زمینه نقل شده، حدیثی است که شبابهٔ بن سوار آن را روایت کرده است. همو که فردی مدلّس است و محقّقان او را مورد طعن قرار داده‌اند. افزون بر این که گفتار آن دو (ضیاء مقدسی و ابن ناصر) که گفتند «پیامبر سه مرتبه پشت سر ابوبکر نماز خواند»، با سخن بعضی دیگر که گفتند «خواندن نماز دو مرتبه بوده» تعارض دارد و ابن حِبّان این مطلب را قاطعانه بیان کرده است. «۲» از طرفی متّهم ساختن منکرین این قول به جهل و نادانی نیز تعصّبی بیش نیست.

---

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۱۹۱. عبدالمغیث در این باب رساله‌ای دارد که ابن جوزی آن را با رساله «آفة اصحاب الحدیث» ردّ کرده است.

(۲). همان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۲

قول سوم از آنِ عینی و گروهی دیگر است. اینان معتقدند که طریق جمع این اختلاف عبارات به این است که بگوییم: واقعه متعدّد بوده است. عینی در این مورد چنین می‌نگارد:

حدیث عایشه به طُرُق زیادی در صحیحین و دیگر کتاب‌ها روایت شده است. در این حدیث اضطراب و اختلافی دیده می‌شود که باعث عیب آن نمی‌گردد.

بیهقی گوید: در احادیث عایشه تعارضی وجود ندارد؛ زیرا نمازی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در آن امام بود، نماز ظهر روز شنبه یا یکشنبه بود، و نمازی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در آن مأموم بود، نماز صبح روز دوشنبه و آخرین نمازی بود که آن حضرت خواند و بعد از آن از دار دنیا رفت.

نعیم بن ابی هند نیز در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید:

اخباری که پیرامون این جریان وارد شده، همگی صحیح است و در آن‌ها هیچ تعارضی نیست؛ زیرا پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در آن بیماری که به سبب آن وفات یافت، دو نماز در مسجد خواند که در یکی امام بود و در دیگری مأموم [!] «۱»

---

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۱۹۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۳

ما این قول را از سه محور بررسی و نقد می‌نماییم:

نخست. کلام بیهقی در جمع بین روایات نیز مضطرب و دگرگون است. به راستی آیا او نمی‌داند که نمازی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در آن امام بود، نماز ظهر روز شنبه بود یا روز یکشنبه؟

گویی برای او فقط این مهم است که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله را در نماز آخر- روز دوشنبه- مأموم قرار دهد تا از امامت صغری، امامت کبری را برای ابوبکر ثابت نماید!

دوم. نعیم بن ابی هند- کسی که به صحّت همه اخبار حکم کرد و به خاطر جاهل بودنش به واقعه، بدون این که یکی را تعیین کند، (مانند بیهقی) بین روایات را با تعدّد واقعه جمع کرده است- مردی است که عالمان رجالی او را تضعیف کرده و مورد طعن و عیب قرار داده‌اند و نمی‌توان به کلامش تکیه کرد؛ چنانچه در جای خود اشاره شد.

سوم. عینی به وجود اضطراب و دگرگونی در حدیث عایشه اعتراف کرده است. ابن حجر نیز به آن اعتراف نموده و پس از آن اختلاف را ذکر کرده است. این کار در ظاهر نشانه این است که او مطلب را به حال خود رها کرده و وجه خاصّی را اختیار نکرده است.

عینی پس از آن افزوده است: در این مورد، روایاتی که به نقل از صحابه- جز عایشه- نقل شده گوناگون و مختلف است؛ زیرا که در

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۴

حدیث ابن عبّاس آمده است: ابوبکر مأموم بود. و در حدیث انس آمده است: ابوبکر امام بود. این حدیث را تِرمذی و دیگران نقل کرده‌اند. «۱»

حقیقت مطلب ... ص: ۱۵۴

با توجه به تحقیقی که انجام یافته همانا این قضیّه، یک قضیّه بیش نبوده است و متعدّد نیست؛ زیرا که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در آن واقعه از خانه به سمت مسجد خارج شد و ابوبکر را از محراب کنار زد و شخص حضرتش برای مردم نماز خواند. در این واقعه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله امام بود و ابوبکر مأموم. پیش‌تر نیز خود ایشان در مدینه با مسلمانان نماز می‌گزارد و در صورت نتوانستن، فرد دیگری با آنان نماز می‌خواند.

این همان صورت حقیقی مطلب است که با تحقیق در وجوه ذکر شده، متن اخبار، تناقضات علمای اهل سنّت و توجّه به جریاناتی که پیرامون قصّه بود، به آن دست یافتیم. ما در بررسی‌های بعدی یافتیم که امام شافعی نیز به این مطلبی که ما به آن رسیده‌ایم تصریح می‌کند.

ابن حجر در این مورد گوید:

شافعی به صراحت بیان می‌دارد که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله برای مردم در دوران بیماریش- که به سبب آن وفات یافت- نماز نخواند مگر

---

(۱). فتح الباری: ۲/ ۱۹۷ و ۱۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۵

یک بار، و آن همان نمازی بود که در حال نشسته خواند و ابوبکر در آن نماز، ابتدا امام بود، ولی پس از آن مأموم شد که صدای تکبیر را به گوش مردم می‌رساند. «۱» در این صورت ابوبکر در جایگاه پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، جز یک نماز نخوانده که همان آخرین نماز پیامبر صلی اللَّه علیه وآله بود که در آن مأموم شده است.

بنا بر این، مطلبی که شافعی به آن تصریح کرده است که ابوبکر «مأموم شد به طوری که صدای تکبیر را به گوش مردم می‌رساند»، برای بسیاری از اهل تسنّن سخت و دشوار آمده است. از این رو در روایت و بیان واقعیّت حال، از هوای نفسشان پیروی کردند.

اکنون به تفاوتِ بین عبارت شافعی و عباراتی شبیه به آن که در بعضی اخبار آمده بنگریم.

برخی این گونه گوید: ابوبکر به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اقتدا کرد، در حالی که ایشان نشسته بود و مردم به ابوبکر اقتدا کردند.

دیگری گوید: ابوبکر ایستاده نماز می‌خواند، و رسول خدا نشسته بود در حالی که ابوبکر به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اقتدا می‌کرد و مردم به ابوبکر.

---

(۱). فتح الباری: ۲/ ۲۲۲ و ۲۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۶

آن دیگری گوید: پیامبر نشسته نماز خواند، در حالی که ابوبکر برای مردم نماز خواند و مردم پشت سر ابوبکر بودند.

آن یکی گوید: ابوبکر به پیامبر اقتدا کرد و مردم به ابوبکر.

آخرین فرد گوید: رسول خدا آمد و کنار ابوبکر نشست تا ابوبکر نمازش را تمام کرد.

افرادی که این قضیّه را چنین نقل می‌کنند، هدفشان این است که نوعی امامت را برای ابوبکر- به پندار خود- به اثبات برسانند! در این صورت، سخنان آن‌ها به طور طبیعی و عملًا مضطرب و مشوّش خواهد شد! و به طور قطع این توهّم ایجاد خواهد شد.

از طرفی آن سان که اشاره شد، شارحان نیز درباره این جریان اختلاف کرده‌اند و گروهی از آن‌ها به غلط برخی از فروع فقهی- مانند صحیح بودن اقتدا به دو امام- را مطرح کرده و آن را پذیرفته‌اند!

در این زمینه بخاری بابی را تحت عنوان: «باب اقتدای شخص به امام و اقتدا کردن مردم به آن شخص» گشوده و آن حدیث را از عایشه ذکر نموده که در آن آمده است: رسول خدا نشسته نماز می‌خواند و ابوبکر به رسول خدا اقتدا کرده بود و مردم به ابوبکر. «۱»

---

(۱). صحیح بخاری: ۱/ ۲۵۲، کتاب جماعت و امامت، باب اقتدای شخص به امام و اقتدای مردم به آن شخص، حدیث ۶۸۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۷

عینی پس از نقل این حدیث می گوید: به اعمش گفته شد: آیا پیامبر صلی اللّه علیه وآله نماز می‌خواند و ابوبکر به او اقتدا کرد و مردم به ابوبکر؟

اعمش با سر پاسخ داد: آری!

عینی در ادامه گوید: شَعْبی نیز با این روایت، به جایز بودن اقتدای مأمومین به یکدیگر استدلال کرده است. این مطلب را طبری نیز اختیار کرده است و بخاری نیز به آن اشاره کرده است، که- إن شاء اللّه- بیان خواهد شد. البته این مطلب ردّ شده است؛ چرا که ابوبکر مکبّر و رساننده صدا بوده و در این صورت، معنای اقتدا، اقتدای ابوبکر به صدای پیامبر بوده است. به دلیل این که آن حضرت نشسته بود و ابوبکر ایستاده؛ در نتیجه بعضی از افعال آن بزرگوار بر بعضی از مأمومین پوشیده بوده است. به همین جهت ابوبکر در حقّ آن‌ها مانند امام بود. «۱» از این رو می‌بینیم جلال الدّین سیوطی، این حدیث را در شرح الموطّأ این گونه شرح کرده است:

منظور این است که مردم به وسیله ابوبکر افعال نماز پیامبر صلی اللّه علیه وآله را درمی‌یافتند؛ چرا که صدای پیامبر به خاطر آهسته بودنش به گوش

---

(۱). عمدة القاری: ۵/ ۱۹۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۸

مردم نمی‌رسید؛ پس ابوبکر آن را به گوش مردم می‌رساند. «۱» گواه بر این مطلب، حدیثی است که پیش از این از جابر نقل شد. جابر گوید: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بیمار شد. پس ما پشت سر آن حضرت نماز خواندیم، در حالی که نشسته بود، ابوبکر تکبیر ایشان را به گوش مردم می‌رساند.

بخاری نیز بابی را تحت عنوان «باب کسی که تکبیر امام را به گوش مردم می‌رساند» گشوده و این حدیث را ذیل آن نقل کرده است!! «۲»

۱۰. جایز نیست کسی بر پیامبر مقدّم شود ... ص: ۱۵۸

آن چه تا کنون در وجوه دروغ بودن این داستان بیان شد، همه با چشم‌پوشی از این است که بر احدی جایز نیست که بر پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله مقدّم شود؛ ولی با نگرش به این قاعده مسلّم و قطعی- از نظر کتاب و سنّت- همه احادیثِ این جریان باطل می‌شود.

به راستی بزرگان فقها بر این قاعده تأکید دارند؛ از جمله آنان امام

(۱). تنویر الحوالك، شرح الموطّأ مالک: ۱/ ۱۵۶.

(۲). صحیح بخاری: ۱/ ۲۵۱، کتاب جماعت و امامت، باب کسی که تکبیر امام را به گوش مردم می‌رساند، حدیث ۶۸۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۵۹

مالکی‌ها و پیروان اوست. و از قاضـی عیاض نقل شده که گوید: این قاعده، از مالك و گروهی از اصحابش معروف است. همچنین وی گوید: این سـخن شایسته‌ترین سخنان است. «۱» حلبی بعـد از نقل حـدیث (عقب رفتن ابوبکر از جایگاه خود) می گوید: قاضـی عیاض با اسـتناد به این حـدیث اسـتدلال کرده است که بر کسـی جایز نیست که بر پیامبر صـلی اللَّه علیه وآله امامت کند؛ زیرا مقدّم بودن بر آن حضـرت صـحیح نیست، چه در نماز و چه در غیر آن. نه با عـذر و نه بـدون عذر؛ چرا که خداوند، مؤمنان را از آن نهی فرموده است و کسی نمی‌تواند شفیع پیامبر باشد؛ چرا که آن حضرت فرمود:

أئمّتکم شفاؤکم.

امامان شما، شفیعان شما هستند.

به این ترتیب نیازمنـدیم که درباره اقتدای پیامبر- در یک رکعت نماز- بر عبدالرحمان بن عوف نیز پاسخ دهیم که پاسخ آن خواهد آمد. «۲» در توضیح سخن قاضی می گوییم: او با این سخنش که می گوید:

(۱). نیل الأوطار: ۳/ ۱۸۲.

(۲). السیرة الحلبیّه: ۳/ ۳۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۰

«خداوند، مؤمنان را از مقدّم شدن بر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نهی فرموده» اشاره می کند به فرمایش خداوند عزّ وجلّ که می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لاتُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ». «۱» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر خدا و رسولش پیشی نگیرید.

البته قاضی عیاض- آن سان که در فتح الباری آمده است- در این مورد، از امامش مالك بن انس پیروی کرده است. «۲»

دیدگاه ابن عربی مالکی ... ص: ۱۶۰

با این وجود به طور جدّی، سخن ابن عربی مالکی شگفت‌انگیز است. وی در ضمن مسائلی می‌نویسد:

مسأله پنجم. گفتار خداوند متعال است که می‌فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لاتُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ».

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر خدا و رسولش پیشی نگیرید.

این آیه در بیان اصلی در عدم اعتراض به سخنان پیامبر صـلی اللَّه علیه وآله، وجوب پیروی از ایشان و اقتدا به آن حضرت است. به همین جهت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله در ایام بیماریش فرمود: به ابوبکر بگویید برای

(۱). سوره حجرات: ۴۹: ۱۰.

(۲). فتح الباری: ۲/ ۲۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۱

مردم نماز بخواند.

عایشه به حفصه گفت: به او بگو: ابوبکر مردی دل نازک است؛ اگر در جایگاه شما بایستد، مردم از فرط گریه صدایش را نمی‌شوند.

پس به علی بگو «۱» برای مردم نماز بخواند.

پیامبر فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان یوسف به دنبال خواسته خود هستید. به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند [!]

---

(۱). این حدیث به سه لفظ بیان شده است:

۱. «به دیگری بگو»؛

۲. «به عمر بگو»؛

۳. «به علی بگو».

و این از جمله تعارضات زیاد موجود بین متون این جریان واحد است! ولی ما به خاطر بیم از طولانی شدن بحث، از پرداختن به آن چشم‌پوشی می‌کنیم. در عین حال گریزی نیست که امر عجیب‌تری از این مرد- یعنی ابن عربی‌مالکی- را بیان کنیم و آن تعارضی است بین این نقل از کتاب احکام القرآن، و کتاب دیگرش العواصم من القواصم: ۱۹۲. وی در آن جا که در سیاق ردّ و طعن بر شیعه امامیه است می‌گوید:

«از این گفته شیعه تعجّب نکنید. آن‌ها می‌گویند: پیامبر با آن‌ها مدارا می‌کرد و آن‌ها را در نفاق و تقیه کمک می‌کرد. مگر فراموش کرده‌ای این سخن پیامبر صلی اللَّه علیه وآله را هنگامی که سخن عایشه را شنید که می‌گوید: به عمر بگویید برای مردم نماز بخواند، فرمود: شما همچون زنان مصر در زمان یوسف هستید، به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند».

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۲

منظور آن حضرت از این که «شما همچون زنان مصر در زمان یوسف هستید» این است که شما فتنه‌گرید که از کار جایز، به کار غیر جایز رو می‌کنید. «۱» آری، ابن عربی به خوبی می‌داند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله با این سخن خود که «شما زنان همچون زنان مصر در زمان یوسف هستید» آن دو زن را فقط به خاطر فتنه‌گری که داشتند به زنان زمان یوسف تشبیه کرده‌اند؛ در نتیجه او حدیث را از عبارت «به عمر بگو» به عبارت «به علی بگو» تحریف کرده است تا از نظر او، تشبیه شدن آن دو زن به زنان زمان یوسف کامل شود؛ چرا که آن دو می‌خواستند امر جایز را «که همان نماز ابوبکر است» به امر غیر جایز «که همان نماز علی است» برگردانند. بنا بر این، همه احادیث این مسئله باطل است.

بطلان احادیثی که بیان‌گر نماز پیامبر صلی اللَّه علیه وآله پشت سر ابوبکر هستند، خیلی واضح و روشن است.

امّا بطلان احادیثی که دلالت دارند که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله امام بود نیز واضح است؛ زیرا طبق این احادیث، ابوبکر پیوسته در نماز بوده است و بنا بر روایت صحیحی- پیرامون نماز خواندن او برای

---

(۱). احکام القرآن: ۴/ ۱۴۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۳

مسلمانان- هنگامی که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله برای آشتی دادن به نزد قبیله بنی عمرو بن عوف رفتند، هنگامی که حضرتش در میان آن قبیله حاضر شد ابوبکر مشغول نماز بود، در این موقع ابوبکر «عقب رفت» و گفت: بر ابن ابی قحافه روا نیست که پیش روی رسول خدا نماز بخواند.

اکنون متن این حدیث را از سهل بن سعد ساعدی ملاحظه کنید.

سهل ساعدی گوید:

روزی رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به نزد قبیله بنی عمرو بن عوف رفت تا بین آن‌ها آشتی دهد. وقت نماز فرا رسید. مؤذّن نزد ابوبکر آمد و گفت: آیا برای مردم نماز می‌خوانی که اقامه را بخوانم؟

گفت: آری.

سپس ابوبکر نماز خواند.

در این هنگام رسول خدا صلی اللّه علیه وآله آمدند، در حالی که مردم مشغول نماز بودند. پیامبر صلی اللّه علیه وآله از صف‌ها عبور کرد تا در صف نخست ایستاد. مردم دست زدند تا آمدن پیامبر را به ابوبکر بفهمانند؛ ولی ابوبکر همچنان مشغول نماز بود و رو برنگرداند.

وقتی مردم زیاد دست زدند، ابوبکر رو برگرداند [!] و رسول خدا صلی اللّه علیه وآله را دید. رسول خدا به او اشاره کرد که در

جایت بمان. ابوبکر دستانش را بلند کرد و خدا را به خاطر آن دستوری که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به او داد ستایش کرد [!].

سپس ابوبکر عقب رفت تا در صف نمازگزاران قرار گرفت و رسول خدا جلو ایستاد و نماز خواند.

هنگامی که نماز تمام شد، پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود: ای ابوبکر، زمانی که به تو دستور دادم، چه چیز مانع تو شد که در همان حال بمانی؟

ابوبکر عرض کرد: برای ابن ابی قحافه جایز نیست که جلوتر از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نماز بخواند.

ابن حجر به این تعارض توجّه کرده است؛ از این رو در شرح حدیث این گونه می‌نویسد:

ابوبکر نماز خواند؛ یعنی: نماز را شروع کرد.

در عبارت عبدالعزیز مذکور این گونه آمده است: ابوبکر جلو ایستاد و تکبیر گفت.

و در روایت مسعودی از ابن حازم این گونه نقل شده است:

ابوبکر نماز را شروع کرد.

طبرانی نیز این گونه آورده است.

با این بیان، به فرق بین دو جایگاه پاسخ داده می‌شود، به گونه‌ای

که در آن جا ابوبکر از ادامه امامت جماعت امتناع ورزید؛ ولی در ایّام بیماری پیامبر صلی اللّه علیه وآله امامت را ادامه داد؛ به این بیان که در آن روز پیامبر رکعت دوم از نماز صبح را پشت سر او خواند [!]؛- چنانچه موسی بن عُقْبَه در المغازی به این مطلب تصریح کرده است- گویی وقتی که بخش بیشتری از نماز خوانده شود، خوب است که امام، امامت جماعت را ادامه دهد و آن جایی که جز مقداری اندك از نماز نگذشته، امامت را ادامه ندهد. «۱» به راستی این ادّعا از ابن حجر خیلی عجیب است؛ زیرا در احادیث پیشین آمده است: «ابوبکر نماز خواند»؛ همان طور که در این حدیث نیز چنین آمده است؛ همان حدیثی که آن را به «یعنی ابوبکر نماز را شروع کرد» تفسیر نمود. برای آگاهی بیشتر می‌توان به حدیث یکم و هفتم از احادیثی که در صحیح بخاری نقل شده مراجعه کرد.

فراتر این که در بعضی از آن احادیث آمده است:

«هنگامی که ابوبکر مشغول نماز شد، رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در خود احساس راحتی و سبکی کرد». به حدیث هشتم از احادیث بخاری مراجعه کنید.

(۱). فتح الباری: ۲/ ۲۱۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۶

ولی برخی از دروغ‌گویان نیز درباره این حدیث چنین روایت کرده‌اند: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله پشت سر ابوبکر نماز خواند!

هیثمی در ذیل این روایت می‌نویسد:

این روایت را طبرانی نقل کرده و در سندش عبداللّه بن جعفر بن نجیع وجود دارد که او از نظر نقل حدیث جدّاً ضعیف است. «۱»

بنا بر این روشن شد که نه برای ابوبکر؛ بلکه برای هیچ یک از افراد امّت جایز نیست که جلوتر از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بایستد، چه در نماز و چه در بقیه امور.

۱۱. سخنرانی پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله بعد از نماز ... ص: ۱۶۶

آن گاه که این جریان اتّفاق افتاد، پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله، در حالی که به علی علیه السلام و فضل بن عبّاس تکیه کرده بود، برخاست تا بر فراز منبر قرار گرفت و در حالی که دستاری بر سر بسته بود بر روی منبر نشست، سپس حمد خدا گفته، او را ستایش کرد و مردم را به کتاب و عترتش؛ اهل بیتش سفارش نمود و آن‌ها را از رقابت و نزاع و بغض و نفرت داشتن از یکدیگر باز داشت و با آن‌ها خداحافظی کرد. «۲»

(۱). مجمع الزوائد: ۵/ ۳۳۰، کتاب خلافت، باب خلفای چهارگانه، حدیث ۸۹۳۳.

(۲). جواهر العقدین: ۲۳۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۷

۱۲. دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره این قضیّه ... ص: ۱۶۷

آن گاه که متن اخبار و دلالت آن‌ها را ملاحظه کردیم، دیدیم که بین اخبار تعارض و اختلاف وجود دارد و به نوعی دروغ‌پردازی شده است، و با توجّه به این که یک قضیّه بیش نبوده، در عین حال هیچ راه صحیحی برای جمع بین آن‌ها وجود ندارد. پس از پژوهش و بررسی به این نتیجه رسیدیم که نماز ابوبکر در دوران بیماری پیامبر صلی اللّه علیه وآله، به طور قطع به دستور آن حضرت نبوده است.

اکنون برمی گردیم به مولایمان امیر مؤمنان علی علیه السلام تا از طرفی از دیدگاه آن بزرگوار در اصل قضیه آگاه شویم و حضرتش شاهدی بر آن چه ما نتیجه گرفتیم باشند؛ و از طرف دیگر بفهمیم که نماز ابوبکر به دستور چه کسی بوده است؟!

در این زمینه ابن ابی الحدید معتزلی از استادش ابویعقوب بن اسماعیل لمعانی، پیرامون آن چه بین امیر مؤمنان علی علیه السلام و عایشه اتّفاق افتاده چنین حکایت کرده است:

هنگامی که بیماری رسول خدا صلی اللّه علیه وآله شدّت یافت، حضرتش لشکر اسامه را حرکت داد و ابوبکر و دیگر بزرگان مهاجران و انصار را در آن لشکر قرار داد، و اطمینان داشت که در آن هنگام علی علیه السلام- در صورتی که برای پیامبر صلی اللّه علیه وآله اتّفاقی افتد- به

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۸

خلافت خواهد رسید و مطمئن شد که اگر از دنیا برود مدینه از کسانی که بخواهند با علی علیه السلام در امر امامت به نزاع برخیزند خالی خواهـد بود. و علی علیه السـلام به راحتی و آرامی آن امر را به دست خواهـد گرفت و برای او بیعت انجام و تمام خواهد شد؛ از این رو اگر یکی از مخالفان بخواهد خلافت را از او بگیرد، به این راحتی امکان فسخ آن نخواهد بود.

به این ترتیب عایشه کسی را در پی ابوبکر فرستاد و به او اعلام کرد که پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله می‌میرد.

ابوبکر از جیش اسامه جـدا شد و خود را به مدینه رساند و شد آن چه شد و قضـیه نماز خواندن ابوبکر با مردم نیز اتّفاق افتاد. همان مطالبی که معروف است.

بنا بر این حضـرت علی علیه السلام به عایشه نسبت داد که او به بلال- آزاد شده پدرش- دستور داده که به ابوبکر بگوید برای مردم نماز بخوانـد؛ زیرا رسول خدا صـلی اللّٰه علیه وآله- چنانچه روایت شد- کسـی را معیّن نکرد و فرمود: «باید یکی از مردم برای آن‌ها نماز بخواند».

آن سان که در خبر وارد شده است، رسول خدا صـلی اللّٰه علیه وآله در حالی که آخرین لحظات زندگی خویش را می‌گذراند و به حضرت علی علیه السلام و فضل بن عبّاس تکیه کرده بود، برای خواندن

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۶۹

نماز صـبح از خانه خارج شـد تا این که در محراب ایسـتاد و پس از خوانـدن نماز وارد خانه شد و به هنگام بالا آمدن آفتاب رحلت کرد.

از این رو پیامبر روز نماز خواندنش را دلیلی برای برگرداندن امر خلافت به خودش قرار داد و فرمود:

أیّکم یطیب نفساً أن یتقدّم قدمین قدّمهما رسول اللّٰه فی الصلاهٔ؟

کدام یک از شما راضی می‌شود که در نماز بر قدم‌های رسول خدا مقدّم شود؟

اهل سنّت خروج رسول خدا صـلی اللّٰه علیه وآله برای نماز را به کنار زدن ابوبکر حمل نکرده‌اند؛ بلکه به اهمیّت دادن آن حضرت بر نماز- تا آن جا که ممکن باشد- حمل کرده‌اند.

بر اساس همین نکته با ابوبکر بیعت شد. همان نکته‌ای که علی علیه السلام آن را مورد اتهام قرار داد که سرآغازش از عایشه بود.

از طرفی حضـرت علی علیه السـلام همواره این مطلب را در خلوت به اصـحابش بسیار تذکّر می‌داد و می‌فرمود: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فقط به جهت انکار این امر و خشم بر عایشه فرمود:

إنّکنّ لصویحبات یوسف.

شما همچون زنان زمان یوسف هستید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۰

چرا که او و حفصه، به تعیین پـدرشان مبـادرت ورزیـده بودنـد، و آن حضـرت این کـار را بـا خروج از خـانه و کنـار زدن ابوبکر از محراب تدارک نمود؛ ولی از طرفی به جهت جایگاه قوی عایشه که مردم را به ابوبکر فرا می‌خواند و زمینه خلافت را برای او فراهم می‌کرد؛ و از طرف دیگر به جهت تثبیت جایگـاه ابوبکر در نفوس مردم، بزرگـان مهاجران و انصار که از ابوبکر پیروی کردنـد؛ این عمل رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله فایده‌ای نداشت و تأثیری نکرد.

ابن ابی‌الحدیـد در ادامه می‌گویـد: به اسـتادم گفتم: آیا تو می‌گویی عایشه پـدرش را برای نماز معیّن کرد، در حالی که رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله او را انتخاب نکرده بود؟!

گفت: البتّه من این را نمی‌گـویم؛ بلکه علی علیه السـلام این مطلب را می‌گفت و تکلیف و وظیفه من غیر از تکلیف و وظیفه اوست. او در آن صحنه حاضر بود؛ ولی من حاضر نبوده‌ام. «۱»

چکیده پژوهش ... ص: ۱۷۰

به راستی که مـا در این پژوهش، مهم‌ترین و صـحیح‌ترین احادیثی را که در این مورد نقل شـده بود، ارائه نمودیم. آن گاه در آغاز، آن‌ها را از

(۱). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۹/ ۱۹۶- ۱۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۱

نظر سـندی بررسـی کردیم؛ در نتیجه هیـچ حـدیثی را نیافتیم که مورد پذیرش باشد و بتوان در چنین قضـیه‌ای قطعی بدان تکیه کرد؛ زیرا که راویان آن احادیث یا «ضـعیف»، یا «مدلّس»، یا «ناصبی»، یا «عثمانی» و یا «خارجی» هسـتند. با این حال بودن این حدیث در صحاح سودی نمی‌بخشد و پذیرش همه این احادیث فایده‌ای ندارد.

آن گاه با چشم‌پوشـی از سـند آن‌ها، متن و دلالت آن‌ها را مورد بررسـی قرار دادیم و با توجّه به این که این قضـیه یک قضـیه بیش نبوده و تکرار نشده است- آن سان که شافعی و دیگر بزرگان فقه و حدیث که پیرو سـخن او هسـتند به آن تصریح کرده‌اند- ما آن احادیث را متناقض و گوناگون یافتیم که یکدیگر را تکذیب می‌کردند، به گونه‌ای که هیچ وجه جمعی برای آن‌ها ممکن نبود.

از طرفی ملاحظه کردیم که دلایل و شواهـد خارجیِ محکم تأکید می‌کنند که محال است پیامبر اکرم صـلی اللّٰه علیه وآله به ابوبکر دستور دهد که در جایگاه آن حضرت نماز بخواند. بنا بر این خلاصه امر اتفاق افتاده چنین است:

هنگامی که پیامبر صـلی اللّٰه علیه وآله بیمار شد، ابوبکر به فرمان آن حضـرت غایب بود. وی به همراه اسامهٔ بن زید در سـپاه او بود. پیامبر خود برای مسلمانان نماز می‌خواند تا آن زمان که در آخرین نماز،

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۲

ضعف و ناتوانی بر آن بزرگوار غلبه کرد و بیماریش شدّت یافت و علی علیه السلام را خواست؛ ولی آن حضرت را فرا نخواندند! پیامبر دستور داد که یکی از افرادی که در مدینه بود برای مردم نماز بخواند.

هنگـامی که پیـامبر اکرم صـلی اللّٰه علیه وآله متوجّه شـد که ابوبکر برای مردم نماز می‌خوانـد- در حالی که به امیر مؤمنان علی علیه السـلام و فرد دیگری تکیه کرده بود- در واپسین لحظات زندگی خویش از خانه خارج شد تا ابوبکر را از محراب کنار بزند و خود برای مسـلمانان نماز بخوانـد- نه به خاطر این که به ابوبکر اقتـدا کندا!- و به این ترتیب برای همگان اعلام کند که نماز ابوبکر به امر او نبوده؛ بلکه به دستور دیگری بوده است!

در پایان از دیـدگاه امیر مؤمنان علی علیه السـلام آگاهی یافتیم که آن حضـرت معتقد بودند که دسـتور نماز ابوبکر از طرف عایشـه بوده است و «علی با حقّ است و حقّ با علی»، آن سان که در احایث بسیاری بر این حقیقت بین مسلمانان اتّفاق نظر شده است. «۱»

(۱). سنن ترمذی: ۵/ ۳۹۸، کتاب مناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب علیهما السـلام، حـدیث ۳۷۳۴، المستدرک: ۳/ ۱۳۵، کتاب معرفت صـحابه، بـاب مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السـلام، حـدیث ۴۶۲۹، جامع الاصول: ۷/ ۱۷۶، کتاب فضائل و مناقب، باب فضائل اجمالی صـحابه، حدیث ۶۳۸۲، مجمع الزوائد: ۷/ ۴۷۶- ۴۷۷، کتـاب فتن، باب اتفاقات جنگ جمل و صـفّین و غیر این دو مورد، حدیث ۱۲۰۳۱، تاریخ بغداد: ۴/ ۳۲۲ و منابعی دیگر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۳

درود خداونـد متعال بر رسـول و فرسـتاده امین او، و بر امیر مؤمنـان علی علیه السـلام و پیشوایـان معصـوم او بـاد، و تمـام حمـدها و

سپاس‌ها از آن پروردگار جهانیان است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۵

کتاب نامه ... ص: ۱۷۵

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

«الف»

۳. أحکام القرآن: ابن العرب مالکی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۶.

۴. إحیاء علوم الدّین: ابوحامد غزالی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۵. الأربعین فی اصول الدّین: فخرالدین رازی، مکتبه کلیات الأزهر، قاهره، مصر، چاپ اول، سال ۱۴۰۶.

۶. الإستیعاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۷. الإصابه فی تمییز الصحابه: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۸. الأنساب: سمعانی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۸.

«ب»

۹. بغیهٔ الطلب فی تاریخ حلب: ابن عدیم، دار الفکر، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۶

«ت»

۱۰. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۱. تاریخ الطبری: طبری، از منشورات کتابفروشی ارومیّه، قم، ایران.

۱۲. تاریخ الکبیر: بخاری، دار الفکر، بیروت، لبنان.

۱۳. تاریخ مدینهٔ دمشق: حافظ ابوالقاسم علی بن حسن معروف به ابن عساکر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

۱۴. تحف العقول: ابن شعبه حرّانی، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ایران، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۶.

۱۵. تدریب الراوی: جلال الدّین سیوطی، دار الکتاب عربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۴.

۱۶. تذکرهٔ الحفّاظ: ذهبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۱۷. تقریب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۵.

۱۸. تلخیص الشافی: ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی، دار الکتب اسلامیه، قم، ایران، چاپ سوم، سال ۱۳۹۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۷

۱۹. تنویر الحوالک: جلال الدّین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۲۰. تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

«ج»

۲۱. جامع الأُصول: ابن اثیر، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۲۲. الجرح والتعدیل: ابن ابی حاتم رازی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۲۲.

۲۳. جواهر العقدین: سمهودی، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

«خ»

۲۴. الخصائص: نَسائی، مجمع إحیاء الثقافهٔ إسلاميّه، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

«ر»

۲۵. روضهٔ الواعظین: فتّال نیشابوری، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۳۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۸

«س»

۲۶. سنن ابن ماجه: ابن ماجه قزوینی، دار الجیل، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

۲۷. سنن ابی داود: ابوداوود، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

۲۸. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی تِرمذی، دار الفکر، بیروت.

۲۹. سنن النسائی: نَسائی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۴.

۳۰. السیرهٔ الحلبيّهٔ: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبهٔ التجاریهٔ الکبری، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۲.

«ش»

۳۱. شذرات الذهب: ابن عماد، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان.

۳۲. شرح المواقف: سیّد شریف جرجانی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ‌اول، سال ۱۴۱۲.

۳۳. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۷۹

«ص»

۳۴. صحیح بخاری: ابوعبداللَّه محمّد بن اسماعیل بخاری جعفی، دار ابن کثیر، دمشق.

۳۵. صحیح مسلم: مسلم نیشابوری، مؤسسه عزّ الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷.

«ض»

۳۶. الضّعفاء الکبیر: عُقَیلی، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان.

«ط»

۳۷. طبقات الشافعيّه الکبری: سُبکی، دار احیاء الکتب العربيّه.

۳۸. الطبقات الکبری: ابن سعد، دار الکتب علميّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

«ع»

۳۹. عمدهٔ القاری فی شرح البُخاری: بدر الدّین عینی، دار الفکر، بیروت، لبنان.

۴۰. العواصم من القواصم: ابن عربی مالکی، دار الکتب السلفيّه، چاپ اول، سال ۱۴۰۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۸۰

«غ»

۴۱. الغدیر: علامه عبدالحسین احمد امینی، مرکز الغدیر، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

۴۲. غرائب القرآن ورغائب الفرقان: علامه نظام الدین حسن بن محمّد قمی نیشابوری، الباب حلبی، مصر.

«ف»

۴۳. فتح الباری: ابن حجر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.

۴۴. الفصول المختاره: ابوالقاسم علی بن حسین موسوی معروف به سید علم الهدی، کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ مفید، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۳.

۴۵. فضائل الصحابه: احمد بن حنبل، جامعهٔ امّ القری، مرکز بحث العلم واحیاء التراث الاسلامی، مکه، عربستان سعودی، چاپ اول، سال ۱۴۰۳.

۴۶. فوات الوفیات: ابن شاکر کتبی، دار صادر، بیروت، لبنان.

۴۷. فواتح الرحموت بشرح مسلّم الثبوت: محبّ اللّه بن عبدالشکور، مطبوع در حاشیه المستصفی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۸۱

۴۸. فیض القدیر: مناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

«ک»

۴۹. الکاشف: ذهبی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۸.

۵۰. الکفایهٔ فی علم الروایهٔ: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۹.

۵۱. کنز العمّال: متقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

۵۲. الکواکب الدراری: کرمانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۰۱.

۵۳. الکواکب الدریهٔ فی تراجم السادهٔ الصوفیهٔ: مناوی، چاپ اول.

«ل»

۵۴. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

«م»

۵۵. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۸۲

۵۶. مرآهٔ الجنان: یافعی، دار الکتب الإسلامیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۱۳.

۵۷. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۵۸. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۵۹. مطالع الأنظار فی شرح طوالع الأنوار: عبدالرزاق بن رزق اللّه.

۶۰. معرفهٔ علوم الحدیث: حاکم نیشابوری، دار الافاق الجدیده، بیروت، لبنان، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۰.

۶۱. معرفهٔ الصحابه: ابونعیم اصفهانی، بیروت، لبنان.

۶۲. مقتل الحسین علیه السلام: مقرّم، دار الکتاب الإسلامی، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۳۹۹.

۶۳. الملل والنحل: شهرستانی، دار السرور، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۳۶۸.

۶۴. المنهاج: نَووی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۶۵. منهاج السنهٔ النبویه: ابن تیمیّه حرّانی، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۸۳

۶۶. الموطأ: مالک بن انس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۶.

۶۷. میزان الإعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

«ن»

۶۸. نفحات الازهار: آیهٔ اللَّه سید علی حسینی میلانی، نشر الحقایق، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

۶۹. نیل الأوطار: شوکانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۲۰.

«و»

۷۰. وفیات الاعیان: ابن خَلّکان، دار صادر، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، چگونگی‌نمازابوبکر، ... ص: ۱۸۴

(۱۱)

How Did Abu Bakr Say Prayer

)on behalf of the Prophet)s

)Crisis Analysis(

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».